

ستارگان حرم

«دفتر یازدهم»

گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر

ستارگان حرم / مؤلف گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر. - قم: زائر، ۱۳۰۰.
ج: مصور، نمونه، عکس.

ISBN ۹۶۴ - ۶۴۰۱ - ۰۱ - ۵ (نورده) - ISBN
ISBN ۹۶۴ - ۶۴۰۱ - ۱۴ - ۷: (ج. ۴): ۶۰۰ ریال
ISBN ۹۶۴ - ۶۴۰۱ - ۱۵ - ۵: (ج. ۵): ۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم، ۱۳۷۸.
جلد هشتم این کتاب توسط آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر به چاپ رسیده است.
کتابنامه.

ISBN ۹۶۴ - ۶۴۰۱ - ۶۱ - ۹ (ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۱)

۱. شیعه - سرگشتنامه.
۲. قم - سرگشتنامه.
۳. مجتهدان و علما - سرگشتنامه.
الف. کوثر، ماهنامه. ب. آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر.

۲۹۷ / ۹۹۶ BP ۵۵ / ۲ / ۲۵
کتابخانه ملی ایران ۸۷۸۷ - ۷۸ م

نام کتاب: ستارگان حرم، جلد یازدهم
نویسنده: جمعی از نویسندگان ماهنامه کوثر
ناشر: زائر - آستانه مقدسه قم
طرح جلد: حسین نامدار
لیتوگرافی: بیان - قم
چاپخانه: باقری - قم
نوبت و سال چاپ: اول - بهار ۱۳۸۱
تیراژ: ۲۰۰۰
قیمت:
شابك: ۹ - ۶۱ - ۶۴۰۱ - ۹۶۴

کلیه حقوق نشر برای آستانه مقدسه محفوظ است.

مرکز پخش: قم - میدان شهداء - تلفن ۷۷۴۲۵۱۹ - ۷۷۴۸۴۳۴
ص - پ ۳۵۹۷ - ۳۷۱۸۵

مقدمه ... ۶

- حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی (ستاره درخشان) ... سید محمد سجادی ۹
- سید محمود مرعشی (مدرس و ارسته) ... محمد محمدی اشتهاردی ۳۱
- حاج سید جواد قمی (فقیه دلاور) ... ناصرالدین انصاری قمی ۵۵
- حاج شیخ مهدی حائری تهرانی (تندیس خدمت) ... مهدی سلیمانی آشتیانی ۶۹
- علامه سید عبدالعزیز طباطبائی (آموزگار تحقیق) ... مهدی سلیمانی آشتیانی ۸۳
- احمد بن حمزه بن یسّع اشعری قمی (واله ولایت) ... ابوالحسن ربّانی سبزواری ۹۷
- حاج شیخ محمد علی حائری قمی (استاد دانشوران) ... ناصرالدین انصاری قمی ۱۱۱
- حاج میرزا علی احمدی میانجی (فقیه اخلاقی) ... عبدالرحیم اباذری ۱۲۷
- حسین بن محمد اشعری قمی (استاد کلینی) ... ابوالحسن ربّانی سبزواری ۱۶۵
- حاج سید علی رضا مدرّسی یزدی (مدرس فروتن) ... مهدی صحرایی اردکانی ۱۸۳
- محمد فاضل قاینی نجفی (آیت فضیلت) ... علی فاضل قاینی نجفی ۱۹۷
- محمد بن یحیی عطار قمی (استاد کلینی) ... احمد محیطی اردکانی ۲۱۹
- دکتر سید عبدالله ضیایی (خطیب دانشور) ... محمدتقی ادهم نژاد ۲۴۱

مقدمه

مَنْتِ خدای را عزوجل که دوازده دفتر از مجموعه «ستارگان حرم» کامل گردید و در پرتو الطاف بانوی بزرگ قم، با یاری جمعی از اهل قلم زندگینامه یکصد و هفتاد چهره برجسته از قبیله خورشید به محضر شیفتگان حقیقت تقدیم شد.

«ستارگان حرم» نام نهی از نور است که از ساحل کوثر جوشید و با عنایات یادگار عترت علیه السلام در شهر قم همچنان می جوشد و می خروشد و پیش می رود.

«ستارگان حرم» نام سلسله ای از اختران حرم و حریم حضرت معصومه علیها السلام است؛ اخترانی که در آسمان قم درخشیدند و یا سر بر تربت قدسی قم نهادند.

پاسداران ارزشها در هر لباس و هر شغل و سمت، ستاره اند و راه را بر دیگر رهروان خط دانش و فضیلت می گشایند. برخی از این ستارگان، امین معصومین علیهم السلام بودند و راوی هزاران حدیث. عده ای تکیه گاه امت

بودند و اقیانوس معرفت و گروهی شاگردان عترت بودند و پناه امت. برخی سفیران قیام بودند و یاران دیرین امام، گروهی چون قبیله صدوق محدثانی نامدار بودند و گروهی رایت گمنامی و عده‌ای هم آیه‌های اخلاص و الگوهای جهاد و اجتهاد و فرزاندگی و خردورزی. حکیمانی الهی، فقیهانی قرآنی، وزیرانی وارسته، راویانی نجیب، امامزادگانی شهید، واعظانی مبارز، خطیبانی پرخروش، زاهدانی بزرگ، فیلسوفانی فرزانه، مفسرانی شیدای آسمان و معلمانی بر کرسی اخلاق و قلّه اشراق در مجموعه ستارگان حرم در کنار هم نشسته‌اند و از سفره انعام آفتاب قم، حضرت معصومه علیها السلام نور و نیرو می‌گیرند. آیه‌های ایثار، آینه‌های وفا و کرامت، پرچمداران شرافت و شجاعت، جویباران حکمت و فضیلت، اسوه‌های پژوهش و دانش، علمداران تبلیغ، تندیس‌های تواضع و تقوا، زاهدان فروتن و عارفان مجاهد و همه و همه فرزندان جسمانی و روحانی قبیله کوثرند که از زلال قرآن و حدیث سیراب شدند و به آبیاری بوستان پر گل محمدی برخاستند. آنان پیک نور شدند و بیرق بیداری، آوای حق و گوهر عشق، شیدای ولایت و زبان شریعت. جوان بودند و فرزانه، پیر بودند و پرتلاش، دانشور و درد آشنا. گمنام بودند و نامور، نگهبان اندیشه و آینه اشراق، حامی محرومان و دشمن مستکبران، نماد ایمان و خصم کفر و شرک و نفاق. ستارگان حرم کانون نور بودند؛ برخی آفتاب روشنی بخش شهر و دیار خویش و برخی مهتاب شب شکن عصرها و نسل‌ها. جمعی ستاره‌اند و گروهی سیاره برخی ماه‌اند و برخی آفتاب.

توین زندگی‌نامه ستاره‌ها، آب‌حیات روزگار ملست. در عصر قطعی معرفت و غیرت، در روزگار لقفل فریب و دروغ و سیاهی، در فراق بلران معنویت و عرفان و آزادی و عدالت و در عصر نیلور توحش و بیداد و گستاخی مدعین تمدن و آزادی و روشنفکری، زندگی‌نامه ستاره‌ها، نیز زمل است و فروغ زمین؛ چراکه هر کلام از این ستارگان اسوه و الگو و آیت و راییت زندگی‌اند. به یقین اندیشه‌ها، آرمان‌ها، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها، تقوا و دانش و بینش و راه و روش آنان، راهنمای زندگی و سازندگی و پرتو پارسایی و پژوهش و پرسشگری است. البته نویسندگان مجموعه ستارگان هرگز مدعی عصمت ستارگان نیستند و دفتر ستارگان هم ادعای کشف تمام ستارگان و توان معرفی آنان را ندارد. اما با استمداد از خداوند، کار «رصد» و شناخت و معرفی و غبارزدایی از چهره ستاره‌ها ادامه داشته و دارد. و اینک دو دفتر دیگر (یازدهم و دوازدهم) از این دوره پر ارج به آستان همه پژوهشگران و کتابخوانان و بویژه طلاب و دانشجویان گرامی تقدیم می‌شود «رینا تقبل منّا انک انت السميع العليم».

اهداف و آداب این پژوهش را در شماره‌های نخستین برشمردیم و دست اندرکاران و یاران همراه را نام آوردیم. در اینجا بار دیگر از همه عزیزان بویژه معاونت محترم امور فرهنگی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام جناب فاضل فرزانه غلامعلی عباسی صمیمانه تشکر می‌کنیم و دوام توفیق همه خدمتگزاران فرهنگ علوی را از خدای بزرگ خواستاریم.

والحمد لله ربّ العالمين
دفتر ستارگان حرم
رمضان المبارك ۱۴۲۲
۵ / ۹ / ۱۳۸۰ هـ . ش.

حاج شیخ
احمد علی احمدی شاهرودی

«ستاره درخشان»

* * *

سید محمد سجادی

جای عکس

حاج شیخ احمد علی احمدی شاهرودی

عالمان ربانی، همواره در طول تاریخ در احیای دین و اجرای حدود و احکام الهی نقشی به سزا داشته‌اند؛ چنان که مقام معظم رهبری (دام ظلّه) می‌فرمایند:

«علماء، دین و معارف و فقه اسلامی را نگه داشتند، تحریف را از ساحت احکام الهی دور کردند، شعله ایمان را در دل مردم برافروختند و بر افروخته نگه داشتند، توجه مردم را به قرآن و تعالیم اهل بیت علیهم السلام تأمین و برانگیختند. علماء بودند که در طول تاریخ با ستمگران مبارزه کردند، پناه مظلومان و ملت‌های ضعیف و مردم مؤمن و مستضعف شدند.»^(۱)

در این نوشتار برآنیم تا با یکی از همین عالمان ربانی آشنا شویم.

اسم و شهرت و نسب

در سال ۱۳۰۵ ش (۱۳۴۶ ق) در قصبه میامی (۲) واقع در ده فرسنگی شهر شاهرود، در خانه‌ای از خاندان علم و فضیلت و تقوا و دوستدار اهل بیت، کودکی پا به عرصه هستی نهاد که نام او را احمد گذاردند. پدرش شیخ محمد حسن احمدی یکی از علمای بنام و مشهور منطقه بود که در علوم مختلف، بالاخص علم طب، اطلاعات زیادی داشت و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. (۳)

جدش مرحوم آیت الله آقا شیخ احمد نیر از علما و زهاد و اوتاد زمان خود بود. وی دارای تألیفات فراوان بوده است و همین طور پدران او تا چند نسل روحانی و از خدمتگزاران به دین اسلام و مکتب سعادت آفرین تشیع بوده‌اند. (۴)

تحصیلات

آیت الله احمدی پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود، به اقتضای شوق فطری و سیره خانوادگی، به تحصیل علوم دینی رو آورد. وی مقدمات عربی را نزد والد گرامیش فرا گرفت و پس از چند سالی که در محضر پدر بزرگوارش تحت تعلیم و تربیت بودند، به همت و سعی پدر به حوزه علمیه مشهد مقدس آمده و در جوار حضرت ثامن الائمه علیه السلام، تحت سرپرستی رئیس وقت حوزه علمیه، مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ احمد کفایی قرار گرفت. (۵)

اقلمت و اسلئید در مشهد مقدس

آیت الله احمدی به مدت ده سال در جوار ملکوتی امام هشتم علیه السلام اقامت گزید و دوره مقدمات و ادبیات عرب را نزد استاد توانا، ادیب نیشابوری، گذراند و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات، که در ذیل اشاره می شود، گذرانید:

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی؛
۲. میرزا احمد مدرّس یزدی.
۳. مرحوم آیت الله میرزا کاظم مهدوی دامغانی (معروف به محقق دامغانی و دایی پدر محقق مقاله).
۴. حضرت آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی.
۵. فلسفه و کلام نزد حاج شیخ مجتبی قزوینی.
۶. دروس معارف نزد محقق بزرگ و عارف بالله، آیت الله مرحوم میرزا مهدی (معروف به اصفهانی). (۶)

هجرت و اقلمت به حوزه علمیه قم

آیت الله احمدی سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دروس خارج فقه و اصول، در معیت عده ای از فضلاء حوزه علمیه مشهد مقدس مانند مرحوم شهید آیت الله سید محمد رضا سعیدی و حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی سیستانی (مقیم نجف اشرف) و آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و برخی دیگر از حجج اسلام - که هم اکنون

در سمت‌های عالی مشغول خدمتگزاری به نظام جمهوری اسلامی ایران هستند - به شهر مقدس قم هجرت نمود و در جوار کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سکنی گزید. (۷)

اساتید آیت الله احمدی در قم

۱. آیت الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی بروجردی رحمه الله که رئیس و مرجع مطلق عالم تشیع بود.

۲. آیت الله سید صدرالدین صدر رحمه الله که از اساتید و مسئولین حوزه علمیه قم بوده است.

۳. آیت الله سید محمد تقی خوانساری رحمه الله، از مراجع عظیم جهان اسلام.

۴. آیت الله سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله، همان چهره ممتازی که

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری با تعظیم و اکرام از وی سخن می‌گفت، وی را به اقامه جماعت به جای خود، و به وصایت و نیابت تعیین نمود و بعد از رحلت آن مرد بزرگ و مرجع عالیقدر به سامان دادن امور حوزویان اهتمام ورزید. (۸)

۵. آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی رحمه الله، از اساتید مجرب فقه و اصول حوزه علمیه.

۶. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قسره، بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران.

آیت الله احمدی در محضر چنین مراجع و بزرگانی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن پرفیض آنان توشه‌ها برگرفت و بهره‌های فراوان برد.

هجرت به نجف اشرف

آیت الله احمدی، برای بهره‌گیری از درس بزرگان حوزه نجف اشرف و جستجوی آراء و مباحث فقه و اصول آنان، رهسپار عراق گردید. معظّم له پس از زیارت عتبات عالیات و طلب توفیق از آن امامان معصوم علیهم السلام در نجف اشرف سکنی گزید. او هر شب به حرم مطهر و منور مولا امیرمؤمنان علیه السلام مشرف می‌شد و پس از انجام فرائض و زیارت، از آن حضرت طلب توفیق می‌نمود.

استیاد در نجف اشرف

هدف آیت الله احمد علی احمدی از هجرت به عراق، علاوه بر زیارت مراقد ملکوتی ائمه اطهار علیهم السلام، استفاده علمی از محضر علما و فرزندان نجف اشرف هم بود. از این رو، ایشان بعد از استقرار در نجف از محضر اساتید بزرگوار ی همچون:

حضرت آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله، حضرت آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، بسیار بهره برد.

ایشان سپس برای تدریس و انجام وظایف فرهنگی به ایران برگشت و در شهر مقدس قم اقامت گزید و تا آخر عمر شریفش لحظه‌ای از تبلیغ و تدریس، و تربیت نسل جوان و مردم کوتاهی نکرد. (۹)

مراتب علمی

آیت الله احمد علی احمدی همانند جد و پدر بزرگوارش، دارای مراتب علمی بالا بوده و در کلام، فلسفه، حدیث، فقه، اصول و عرفان صاحب نظر و اهل قلم بوده است. این مرد بزرگ سال‌های متمادی در یکی از حجره‌های صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به تدریس رسائل، مکاسب و کفایتین و خارج فقه و اصول و اخلاق اشتغال داشت. محصول تدریس این فقیه، پرورش تعداد زیادی از طلاب فاضل است که هم اکنون به مدارج بالای علمی دست یافته و به خدمات علمی، فرهنگی پرداخته‌اند و بعضی از آنها در سمت‌هایی از قبیل قضاوت و بعضی هم به تربیت طلاب حوزه و نسل جوان دانشگاهی اشتغال دارند. (۱۰)

فعالیت‌های فرهنگی قبل از انقلاب

جایگاه وی نزد آیت الله العظمی بروجردی

آیت الله احمدی که از شاگردان برجسته و ممتاز حضرت آیت الله بروجردی بود، به دلیل تقوا و حافظه قوی و دارا بودن مراتب علمی و فهم فقهی بالا، همواره مورد عنایت معظم‌له بود. اشتیاق آیت الله احمدی به اشاعه فرهنگ و الای اسلامی و نیز توجه وافر ایشان به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امت مسلمان، بخصوص مردم مظلوم ایران، باعث گردید که از جانب حضرت آیت الله بروجردی به همراه چند نفر از

فضلای حوزه علمیه قم - که هم‌اکنون بسیاری از آنان در شمار علمای طراز اول حوزه علمیه قم هستند (مانند آیت الله علی مشکینی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله فقید احمدی میانجی، آیت الله فقید روحانی، آیت الله سبحانی و جنّاتی شاهرودی و معزی ملایری). - جهت تبلیغ مبانی دینی و فرهنگ اسلامی و مبارزه با دشمنان عقیدتی اسلام همچون فرقه ضالّه بهائیت به مناطق مختلف کشور اعزام شدند. ایشان در این دوران فعالیت‌های وسیع و بسیار پرثمری را ایفا نمودند.

از جمله مأموریت‌های ایشان به نمایندگی از طرف حضرت آیت الله بروجردی، هجرت به شهر آباده شیراز به مدت سه سال بود؛ زیرا این شهر مرکز تصوّف و بهائیت بود و تفکرات انحرافی این فرقه‌های گمراه در اکثر ادارات و در میان اقشار مختلف مردم رسوخ کرده بود. آیت الله احمدی مبارزه جدی و پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا به موفقیت‌های چشمگیری نایل آمد و بسیاری از آن منحرفان را توبه داد و به دامن اسلام باز گردانید. (۱۱)

نگارنده این سطور هنگامی که از ایشان سؤال کردم: شما از چه شیوه و روش‌هایی جهت تبلیغ استفاده می‌کردید، ایشان جواب داد: «قرآن مجید شیوه ارشاد را بیان فرموده است.»

و آن گاه اشاره به آیه سوره نحل «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه...» و آیه سوره سباء «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی» (۱۲) کرد. ایشان رمز موفقیت و تأثیر کلام را در خودسازی و تهذیب نفس و استمداد از ادعیه مأثوره و مطالعه و تحقیق زیاد می‌دانست

و در ادامه بیان فرمود:

«با نیت خالص برای رضای قادر مَنان و بدون توجه به اجرت مادی حرکت کردم. برای خدا رنج‌ها و مشکلات را به جان خریدم و هیچ شکوه‌ای نداشتم و امیدوار بودم که خداوند اجر و مزد می‌دهد، هم در دنیا و هم در آخرت. وقتی احساس کردم تبلیغاتم مؤثر واقع شده خیلی خوشحال بودم. زمانی که به اطلاع مرجع عالم اسلام آیت الله بروجردی رسیده بود، بسیار خرسند گردیده و برایم دعا کرده بود. پس از مراجعت، معظم‌له چندین مأموریت دیگر به من واگذار نمودند و به نمایندگی از طرف آن مرجع تقلید به شهرستان‌های فیروز کوه، چهار محال بختیاری، فریدن و داران از توابع اصفهان و همچنین وادغان از توابع کاشان - که مرکز سران بهائیت و تبلیغات گسترده آنان بود. - هجرت کردم. در وادغان جلسه مصاحبه و پرسش و پاسخ قرار دادم. نتیجه آن شد که بسیاری توبه کرده و به دامن اسلام برگشتند (۱۳) و یکی از سران بهائیت به نام دکتر برجیس به دست مسلمانان کشته و آن گروهك فریب خورده تضعیف و نابود شدند.» (۱۴)

توجه به نسل جوان

از جمله تلاش‌های فرهنگی آن مجاهد فقید، توجه ویژه او به نسل جوان، قبل و بعد از انقلاب بود. در سال‌های حکومت ستم شاهی، بخصوص سال‌های ۵ - ۱۳۵۴، که شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه بسیار

نامطلوب بود و بسیاری از جوانان و نوجوانان این مملکت تحت تأثیر فرهنگ نظام طاغوتی برگرفته از فرهنگ منحط و انحرافی غرب، قرار گرفته بودند و زمینه‌های فساد و بی‌بند و باری بر اثر تبلیغات شوم رادیو و تلویزیون و سینما و کاباره و غیره در جامعه ایجاد شده بود، این عالم متعهد برای جلوگیری از غوطه‌ور شدن نسل جوان در فساد اخلاقی، در شرق تهران در محله وحیدیه اقدام به تأسیس کتابخانه وسیعی جنب مسجد جامع فاطمیه کرد و بیش از ۵ هزار جلد کتاب را تهیه نمود و خود عهده‌دار امامت جماعت آن مسجد شد. او همچنین به دعوت روحانیت روشنفکر حوزه علمیه قم، کلاس‌های اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و جلسات متعدد پرسش و پاسخ را جهت شکوفا شدن استعدادهای نهفته و رشد فکری جوانان دایر نمود. البته این اقدام مؤثر واقع شد و جوانان زیادی به مسائل اعتقادی و سیاسی گرایش یافتند.^(۱۵)

نکته قابل توجه این است که وی در کنار فعالیت‌های فرهنگی، به دلیل جو خفقان و رعب و وحشت از ساواک، به طور مخفی و محرمانه با افراد سیاسی - مذهبی که علیه نظام طاغوت مبارزه می‌کردند، ارتباط داشت و به صورت غیر مستقیم به آگاهی‌دهی سیاسی و هدایت جوانان می‌پرداخت؛ این در زمانی بود که ساواک به وی اجازه نمی‌داد در مسجد برای مردم سخنرانی کند.

یکی از فعالیت‌های آیت الله احمدی این بود که اطلاعیه‌ها و کتاب حکومت اسلامی را تهیه و تکثیر می‌کرد و به وسیله فرزندان خودش و بعضی از جوانان که مورد اعتماد او بودند همچون شهید علی اکبر و هاج

در بین مردم توزیع می‌شد. «علی اکبر و هاج» در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به دست ساواک، در حین پخش اطلاعیه به درجه شهادت نایل آمد. (۱۶)

فعالیت‌های فرهنگی بعد از انقلاب

*** در سنگر نماز جمعه**

آیت الله احمدی بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در صحنه‌های فرهنگی حضوری چشمگیر و درخشان داشت. این عالم وارسته با حکم حضرت امام رحمه‌الله به عنوان امام جمعه و نماینده ولی فقیه در چابکسر (از توابع گیلان) منصوب و مشغول خدمتگزاری شد. ایشان در چند سالی که در این سمت بود، با ایراد خطبه‌ها و سخنرانی‌های پربار و روشنگر، مردم آن دیار را ارشاد می‌کرد و با جریانات انحرافی ضد انقلاب و منافقین به مبارزه می‌پرداخت. او برای دفاع از ارزش‌های والای انقلاب و ولایت فقیه، با تحلیل‌های علمی و استدلال‌های منطقی خود باعث شد که منافقین کور دل و ضد انقلاب و مارکسیست‌ها نتوانند جوانان پاکدل آن خطه را اغفال و بر ضد نظام مقدس جمهوری اسلامی تحریک کنند. (۱۷)

*** در سنگر جبهه**

یکی دیگر از سر فصل‌های مهم فعالیت فرهنگی آن مجاهد نستوه، حضور مستمر او در جمع رزمندگان اسلام در جبهه‌های غرب و جنوب، مخصوصاً در لشکر علی بن ابی طالب قم در جبهه غرب بود. این فقیه مجاهد با سخنرانی‌های شیوا و بیان جنگ‌های صدر اسلام به تقویت

روحیه رزمندگان اسلام می‌پرداخت. از جمله فعالیت‌های ارزنده و ماندگار ایشان، سخنرانی‌های پربار او در لشکر علی بن ابی طالب مستقر در جبهه غرب بود. این سخنرانی‌ها که در مورد «حرکت ارتش اسلام به نحو استتار»، «علت جنگ خیبر»، «نقاط حساس و راه‌هایی که شبانه به اشغال لشکر اسلام در آمد»، «تاکتیک جنگی فتح قلعه خیبر»، «شیوه فتح سنگرهای دشمن»، «باز شدن در خیبر به دست امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، «عوامل پیروزی»، «عاطفه در صحنه نبرد»، «گذشت در هنگام پیروزی» و «سه نقطه درخشان از فضایل علی علیه‌السلام در وقایع خیبر» بود، بعدها در جزوه‌ای جمع‌آوری شد. این جزوه بنا به درخواست سردار رشید اسلام شهید زین الدین که فرماندهی لشکر به عهده ایشان بود، با عنوان «کانون خطر یا دژ آهنین خیبر» چاپ و منتشر شد. این اثر ارزشمند به واسطه مؤثر بودنش در جبهه‌های غرب و جنوب حتی در جزیره مجنون بین رزمندگان اسلام توزیع و به سرعت نسخه‌های آن نایاب شد. (۱۸) این جزوه تنها يك نمونه از صدها سخنرانی حماسی آن مرد بزرگ در جبهه‌ها می‌باشد.

زهد، تقوا، حسن سلوك، رفتار متواضعانه و بسیاری از ویژگی‌های خوب او در جمع رزمندگان اسلام چنان بود که رزمنده‌ای به نام بشیر اراکی برای آن عالم وارسته، اشعاری را سروده است که چند بیتي از آن را می‌آوریم:

ای عالمان، ای واعظان، آئید به جبهه این زمان
با دانش و گفتارتان، یاری کنید رزمندگان
جبهه بود دانشگاه خودسازی و علم و عمل

آئید درین کانون، کنید احکام اسلامی بیان

در لشکر مولا علی علیه السلام، آئید به مسجد ظهر و
شام

بین صلاتین می‌دهد روح دلیران صیقلی
پاسخ دهد با شور و حال، پیوسته بر صدها سؤال

از حوزه علمیه قم آمده در جبهه‌ها
شاهرویی و نیکو سرشت، یا رب ببر او را بهشت
حضور فعال در سنگر دانشگاه
این عالم متقی غیر از تدریس، تألیف، تبلیغ
و اقامه نماز جماعت در قم
و تهران، تدریس دروس مختلف اسلامی
را در دانشگاه‌ها به عهده داشت
و به عنوان استادی فرزانه و خبره شناخته
شده بود. بخشی از اوقات
ایشان هم جهت پاسخگویی به سؤالات
پیچیده عقیدتی اساتید معارف
مصروف می‌گشت. زمانی که نهاد
نماینده ولی فقیه در دانشگاه آزاد
اسلامی فعالیت خود را شروع کرد، او
یکی از افرادی بود که به عنوان
مُمتحن اساتید دروس معارف اسلامی
انتخاب شد.

ایجاد دفاتر فرهنگی دانشگاه‌ها، جذب
طلّاب، بازرسی، رفع
مشکلات دفاتر فرهنگی، احداث نماز
خانه‌ها و تقویت کتابخانه‌ها از
جمله فعالیت‌های دیگر ایشان بود. این عالم
فداکار نقش بسیار مؤثری در
اسلامی شدن دانشگاه‌ها، جداسازی جوانان
دانشجوی پسر و دختر،
تشکیل جلسات اعیاد و سوگواری ائمّه
علیهم السلام با همکاری بسیج دانشجویی
داشت و در این راه از هیچ تلاشی
فروگذاری نمی‌کرد. (۱۹)

آثر ماندگار

تا بنگرید احمد علی، احمدی را نغمه خوان

این پیر نستوه می‌کند با صحبتش دل‌ها جوان
حرّاف و نطّاق و صبور، خوش مشرب و شیرین
بیان

خدمت کند بر دین و حق تا باشدش تاب و توان
کن همنشین نزد مولایش علی علیه السلام اندر چنان

نماینده ولی فقیه در لشکر علی بن ابی طالب علیه السلام تهیه و منتشر گردید.

آن استوانه فقه و فضیلت، از عمر پربرکت خود نهایت استفاده را نمود.

غیر از سخنوری و تبلیغ دین حنیف و تدریس در حوزه علمیه قم و دانشگاه‌ها، به تحقیق و تألیف کتاب‌های فراوانی مبادرت نمود. کتاب‌های چاپ شده او هر کدام به نوبه خود جذاب و پر فایده برای عموم اقشار جامعه می‌باشند که ما به آن‌ها اشاره می‌کنیم. امید است با همت فرزندان آن عالم ربّانی، کتاب‌های دیگر آن مرحوم به چاپ برسد.

۱. «کتاب سیری در عقاید»: چاپ اول این کتاب در زمان مرجعیت

حضرت آیت الله بروجردی بود که پیرامون فرق مختلف و نقد و بررسی و تفکرات تصوّف می‌باشد. این کتاب به دلیل غنای علمی تا کنون بیش از ۵ نوبت با تیراژ بالا چاپ و منتشر شده است. کتاب مذکور ۵ بخش عمده دارد: ۱. توحید؛ ۲. عدل؛ ۳. نبوت؛ ۴. امامت؛ ۵. معاد.

۲. «تقلید اعلم»، به زبان عربی: که به دلیل سیاسی بودن، رژیم طاغوتی اجازه چاپ آن را نداد.

۳. «انگیزه حق»: در پیرامون مناقب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴. «به سوی خدا بروید».

۵. «مجموعه مقالات پیرامون باب و بهاء».

۶. «جنگ خیبر»: چنان که گفته شد، این عالم ربّانی ماه‌ها در جبهه‌های

جنگ حضور مؤثر داشته است. در طی این مدت، جهت تقویت روحیه

رزمندگان سخنرانی‌های بسیاری ایراد کرد. این کتاب بخشی از

سخنرانی‌های ایشان است که بنا به درخواست سردار شهید زین الدین و

۷. تفسیر موضوعی قرآن مجید. (۲۰)

کتاب‌های در دست انتشار:

۱. «ترجمه کتاب شریف جامع السعادات مرحوم نراقی کاشانی».
۲. رساله «در مسئله بداء».
۳. «تقریرات درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی سید حسین طباطبائی بروجردی در باب لباس مشکوک».
۴. «اخلاق حمیده».
۵. «رساله عملیه» (۲۱).

اجزای اجتهاد

این دانشمند متقی و عالم عامل، از تعدادی از مراجع بزرگ تشیع اجازه نامه اجتهاد داشت که عبارتند از:

آیت الله العظمی حکیم رحمه الله؛ آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری؛

آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج شیخ عباسعلی شاهرودی رحمه الله، که ضمیمه مقاله می‌باشد؛ **آیت الله العظمی حاج سید محمد حجت کوه کمری** رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی رحمه الله؛ آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی رحمه الله و آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله (۲۲)

فضایل مغوی و اخلاقی

آیت الله احمدی بر اثر تربیت خانوادگی و تأثیر پذیری از خلق و خوی اساتید خود در حوزه‌های علمیه مشهود و نجف و قم و نیز مجاهدات با نفس امّاره و ارتباط با خداوند متعال و مأنوس بودن با ادعیه امامان معصوم علیهم‌السلام، مجموعه‌ای از صفات نیک را در خود جمع کرده بود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. عبادت و بندگی: در سایه عبادت و بندگی خالصانه است که انسان به مدارج عالی کمال نایل می‌شود. خود (نویسنده مقاله) بارها شاهد بودم که می‌فرمود:

«با خدا بساز بر همه بنابر.»
لذا این عالم عامل به عبادت عشق می‌ورزید. نماز شبش ترك نمی‌شد. در نماز جماعت صبح در مسجد امام رضا علیه‌السلام حضور می‌یافت. بارها دیده می‌شد که همه روزه قرآن می‌خواند. به تعقیبات نماز می‌پرداخت و هنگامی که مشغول دعا می‌شد به شدت اشک می‌ریخت. این دعاها را بسیار تکرار می‌کرد:

«لهي لا تكلي الى نفسي طرفة عين ابدأ.»

و می‌فرمود:
«اللهم ذلّل نفسي في نفسي. و عظم شأنك في نفسي» (۲۳)

در شبهای جمعه در عبادت، حال عارفانه و خالصانه ویژه‌ای داشت. در ماه مبارك رمضان بیشتر به عبادت و راز و نیاز و تبلیغ و ارشاد می‌پرداخت.

۲. تواضع و فروتنی: او با مردم و طلاب بسیار برخورد خودمانی

بلند می‌شد. دیده نشد که او جلوتر از سیدی
به مجلس و محفلی وارد

داشت. در جلسات، رفتاری عادی و کمتر
از منزلت خود بروز می‌داد، و به
همین علت بود که طلاب و نسل جوان
دانشگاهی و مردم مجذوب و
شیفته‌اش می‌شدند، بخصوص نسل جوان
دانشگاهی او را عالمی
متواضع و دور از تکبر می‌شناختند. ایشان
در محیط خانواده هم بسیار
متواضع بود و احترام خاصی به همسر و
فرزندانش می‌گذاشت. هیچ‌گاه
عبوس نبود و همیشه با چهره خندان و
شاداب به آنان نگاه می‌کرد. گاهی
در امور خانه به همسرش کمک می‌کرد.
۳. شیدای ولایت: آیت الله احمدی رابطه‌ای
قوی و انس و الفت
خاصی با اهل بیت علیهم‌السلام داشت. یکی از
انگیزه‌های رفتن او به نجف اشرف
همین بود. در آنجا ضمن تحصیل علوم
اسلامی، به صورت مستمر و همه
شب، به حرم مولا امیر المؤمنین
علیه‌السلام شرفیاب می‌شد و بعد از اقامه نماز
مغرب و عشاء، زیارت جامعه را می‌خواند
و اشک می‌ریخت. بارها متذکر
می‌شد:
«شما که در دانشگاه‌ها هستید، یاد و خاطره
امامان معصوم را
زنده نگه دارید؛ در اعیاد مجلس جشن بگیرید
و در شهادت مجلس
عزاداری ترتیب دهید تا نسل جوان با زندگی
ائمہ آشنا شوند؛ بین
نماز ظهر و عصر يك حديث کوتاه بخوانید و
بیانات انسان ساز ائمہ
را برای نسل جوان بازگو کنید.»
این عالم بزرگوار احترام خاصی برای
ذریه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قائل
بود. اگر سیدی وارد مجلسی می‌شد که او
حضور داشت، به صورت کامل

۴. ساده زیستی: یکی از ویژگی‌های بارز او، قناعت و ساده زیستی بود. از زرق و برق دنیا دوری می‌کرد. وضع زندگی او بسیار ساده و بی‌آلایش بود؛ در محیط منزلش از تجملات و امور زینتی خبری نبود، این خصلت سازنده را تا آخر عمر حفظ کرد. از غذاهای لذیذ به شدت پرهیز می‌کرد. در اکثر مسافرت‌های طولانی که جهت بازرسی دفاتر فرهنگی می‌رفت، دستور می‌داد در جایی که آب و درخت باشد توقف کنند. اول عباي خود را پهن می‌کرد و نماز می‌خواند سپس غذای ساده‌ای تناول می‌کرد و به راه خود ادامه می‌داد. می‌فرمود: «انسان‌هایی که به جایی رسیدند، به اندک قناعت کردند.»

۵. مسئولیت پذیری: از ویژگی‌های بارز آن عالم ربّانی همین احساس مسئولیت بود. او از گوشه‌گیری و انزوا جداً دوری می‌کرد و با وجود کهولت سن، مرتّب به تهران و شهرستان‌ها جهت تدریس و بازرسی امور فرهنگی می‌رفت. بارها می‌فرمود: «انسان تا زنده است و توان دارد، باید به خلق خدا خدمت کند. ما که نان امام زمان علیه السلام را خوردیم و در دورانی زندگی می‌کنیم که مردم برای انقلاب و جنگ تحمیلی جان و مال داده‌اند و در مصدر انقلاب نایب امام زمان علیه السلام وجود دارد؛ باید برای خدمت به مردم و نسل جوان حرکت کرد و مردم را آگاه کرد. باید به هر صورت که ممکن است خدمت کنید، تبلیغ کنید، مسئله و احکام بگویند، به جبهه بروید و مجاهدت‌های مسلمانان صدر

و...» (۲۵)

فرزندان

احمدی شاهرودی رحمه الله دارای چهار پسر و يك دختر می باشد:

۱. آقای محمد حسن احمدی، هم اکنون ۵۰ سال سن دارد و کارمند

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است.

۲. آقای محمد مهدی احمدی، که هم اکنون مدیر کل فرهنگ و ارشاد

اسلامی شهر مقدس قم و ۴۲ ساله است.

۳. آقای جواد احمدی، که مشاور حقوقی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و ۳۵ ساله است.

۴. حجة الاسلام حسین احمدی، از مدرسین حوزه علمیه قم است و ۲۸ سال دارد.

در ضمن همسر مرحوم آیت الله احمدی از بانوان عقیقه و دارای زهد و کمال است که همراه با شوهر بزرگوارش قدم‌های مثبتی در انقلاب اسلامی برداشته و در دامن خود فرزندان صالحی را تربیت نمود. (۲۶)

پرواز به ملکوت اعلی

سرانجام روح بلند و ملکوتی فقیه عارف و مجتهد وارسته، حاج شیخ

احمد علی احمدی شاهرودی، پس از سال‌ها تلاش و فعالیت دلسوزانه

در راه دین مبین اسلام و مکتب سعادت آفرین تشیع در سال ۱۳۷۵ ش در

سفر حج عمره، بعد از انجام مناسك حج و در حال طواف بیت الله الحرام

بر اثر سگته قلبی به میهمانی صاحب بیت
 شتافت. به مناسبت ارتحال
 ایشان، بعثه مقام معظم رهبری در مگه
 مکرمه مجلس عزاداری برگزار
 کرد. بنا به تقاضای همسر و فرزندان،
 جنازه مطهرش به ایران منتقل شد
 و تشییع باشکوهی در قم انجام گرفت و
 آیات عظام: صافی گلپایگانی و
 مکارم شیرازی نیز در تشییع شرکت
 کردند و حضرت آیت الله العظمی
 بهجت بر پیکر آن مرحوم نماز خواندند.
 سپس در قبرستان شیخان،
 نزدیک قبر میرزای قمی و حاج شیخ جواد
 ملکی تبریزی دفن گردید.
 مجالس عزاداری از طرف شورای
 مدیریت حوزه علمیه قم در مسجد
 محمدیه و دانشگاه آزاد اسلامی مرکزی در
 مسجد ارك تهران برگزار شد.
 طلاب و دانشجویان نیز در شهرهای
 مختلف از قبیل تهران، دامغان،
 شاهرود، زنجان، تبریز، لرستان،
 مازندران و... برای آن عالم ربّانی
 مجالس ختم برگزار کردند. (۲۷)

روایای صلقه

یکی از دوستان حاج آقا نقل می‌کند:
 بعد از اتمام مراسم تشییع، به استراحت
 پرداختم؛ در عالم خواب
 مشاهده کردم که به همراه حاج آقای احمدی
 شاهرودی به جایی
 می‌روم. تا این که به منزلی رسیدیم، ایشان به
 من تعارف کردند که
 وارد خانه شوم. در همین موقع متوجه شدم که
 دور تا دور اتاق،
 گروهی از سادات نشسته‌اند؛ حاج آقا به من
 فرمودند: «این آقایان،
 امشب میزبان من هستند...»

یکی از بستگان وی نیز می‌گوید:
 قبل از این که جنازه حاج آقا را از کویت به
 ایران بیاورند، در عالم
 خواب مشاهده کردم که از داخل حرم حضرت
 معصومه علیها السلام تابوتی
 زیبا را بیرون آوردند؛ روی تابوت، پر از گل
 و عمامه حاج آقا هم روی
 گل‌ها بود، در حالی که تابوت روی دوش
 عده‌ای سید قرار داشت...

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه ولایت، ج ۶، ص ۳۰۲.
۲. تاریخ قومس، عبدالرفیع حقیقت، انتشارات آفتاب، تهران، ص ۲۵۶ و ۳۵۷. قصبه میامی در ۶۰ کیلومتری خاور شاهرود از استان سمنان سر راه شاهرود به مشهد واقع شده است و هوای آن معتدل است.
۳. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۷.
۴. آینه پژوهش، سال هفتم، ش ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، شماره پیاپی ۴۲.
۵. مقدمه کتاب سیری در عقاید، تألیف مرحوم آیت الله احمدی شاهرودی.
۶. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۸.
۷. سیری در عقاید، چاپ پنجم، ص ۵.
۸. ستارگان حرم، ج ۷، ص ۹۵.
۹. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۷.
۱۰. آینه پژوهش، سال هفتم، ش ۶ (بهمن و اسفند ۷۵)، ص ۸۹.
۱۱. گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۷۸.
۱۲. نحل / ۱۲۵ و سباء / ۴۶.
۱۳. مصاحبه نویسنده این مقاله با آیت الله احمدی در زمان حیاتش.
۱۴. جزوه آشنایی با زندگینامه مرحوم آیت الله احمدی، ص ۳. جریان دکتر برجیس را در کتاب «ریانی شیرازی، آیه استقامت» از مجموعه دیدار با ابرار به طور کامل ملاحظه فرمایید.
۱۵. روزنامه حیات نو (پنج شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۰)، ص ۳.

- ۱۶ و ۱۷. نقل از آقای محمد مهدی احمدی فرزند آیت الله احمدی.
۱۸. جزوه کانون خطر یا دژ آهنین خیبر.
۱۹. نقل از نویسنده مقاله که در دانشگاه مدتی با ایشان همکاری داشته است.
۲۰. سیری در عقاید، مقدمه، ص ۳.
- ۲۱ و ۲۲. همان، ص ۸.
۲۳. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۳ و اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۱.
۲۴. قسمتی از مصاحبه نویسنده مقاله با فرزند مرحوم و مشاهدات نویسنده.
- ۲۵ و ۲۶. نقل از محمد مهدی احمدی.
۲۷. اطلاعیه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

سید محمود مرعشی

«مدرّس وارسته»

* * *

محمد محمدی اشتیاردی

ص
...

جای عکس

آیت الله سید محمود
مرعشی

خاندان بزرگ مرعشی

مرحوم حضرت آیت الله سید محمود
مرعشی فرزند آیت الله سید
سلطانعلی مرعشی شوشتری، از سادات
صحیح النسب حسینی است که
با سی و دو واسطه به حضرت حسین
اصغر علیه السلام، فرزند حضرت امام
سجاد علیه السلام می‌رسد.

علت نامگذاری این سلسله به «مرعشی»
این است که واژه مرعشی به
معنی پرنده بلند پرواز و کبوتر سفید است
که در هوا دور می‌زند. (۱) نظر
به این که جدّ اعلاّی این سلسله به شخصی
به نام «ابی الحسن علی بن ابی
محمد عبدالله» می‌رسد، که وی نیز با
چهار واسطه به امام سجاد علیه السلام
منتهی می‌شود، و ایشان در عصر خود از
سادات بسیار ارجمند و دارای
موقعیت عظیم بود؛ لذا مردم به او مرعش
(پرنده شکوهمند) لقب دادند و

بن سید ابراهیم، پدر
حضرت آیه الله سید محمود مرعشی
رحمهم الله در شوشتر به دنیا آمد. بنابراین

فرزندان او را سادات مرعشی نامیدند.
شهر «قهرمان مرعش» که در شمال
شهر موصل قرار گرفته و اکنون در
جنوب ترکیه واقع شده و جزء کشور
ترکیه است، به نام همین شخصیت ارجمند
تأسیس گردید و قبر او نیز در
همین شهر است.

مرحوم سید میر قوام الدین مرعشی،
معروف به میر بزرگ، که مرقد او
در شهر آمل مازندران و دارای صحن و
سر او گنبد عظیم و بزرگ است،
نخستین نفر از سادات مرعشی است که
وارد مازندران شد و در آنجا
حکومت علوی تشکیل داد و حکومت او تا
زمان تیمور لنگ ادامه یافت.
از آن پس بر اثر جنگ‌های دامنه دار،
سادات مرعشی پراکنده شدند.

مرحوم میر سید نجم الدین محمود مرعشی
آملی از نواده‌های برادر
سید میر قوام الدین، در آغاز قرن هشتم
قمری، هنگام بازگشت از عتبات
عالیات (که برای تحصیل علوم حوزوی به
عتبات سفر کرده بود) وارد
شوشتر شد و به درخواست سید عزّ الدین
یا عضد الدوله، امیر شوشتر،
در شوشتر ماندگار شد و بگانه داماد آن
امیر گردید. بدین ترتیب سادات
مرعشی در شوشتر پدیدار شدند.
میر سید نجم الدین برای ترویج مذهب
تشیع، تلاش فراوان نمود به
طوری که جمعی از اهل تسنّن در پرتو
تبلیغات ایشان شیعه شدند و آیین
تشیع در دیار شوشتر رواج یافت. وی جدّ
چهاردهم سید سلطانعلی
است.

به این ترتیب مرحوم آیه الله سید سلطانعلی

ادامه تحصیل و تدریس، در

پدر و اجداد نزدیک مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی از سلسله سادات مرعشی شوشتر می‌باشند. سلسله نسب خاندان مرعشی در قسمت پایان این گفتار آمده است. (۲)

پدر ارجمند

پدر ارجمند آیه الله سید محمود مرعشی، آیه الله سلطانعلی نام داشت که سلسله نسبش با سی و یک واسطه به امام سجاد علیه السلام می‌رسد. او در حدود سال ۱۲۶۵ قمری در شوشتر، چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۳۳ قمری هنگام مراجعت از زیارت مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شهرک طویرج (چند فرسخی کربلا) دار دنیا را وداع کرد. این عالم بزرگ، تحصیلات مقدماتی خود را در شوشتر به پایان رسانید. او که از شاگردان ممتاز و خاص آیه الله حاج شیخ جعفر شوشتری (متوفای ۱۳۰۳ ق) به شمار می‌رفت، دروس مقدماتی علوم دینی و حوزوی را نزد این استاد عالی‌مقام استوار ساخت و برای ادامه تحصیل آماده هجرت گردید. او همراه استادش آیه الله شیخ جعفر شوشتری به تهران هجرت کرد و در تهران ملازم آیه الله شوشتری بود و با سعی و وساطت ایشان، با دختری از سادات اعرجی، وابسته به خاندان مسجد حوضی‌ها، ازدواج نمود. از این ازدواج مبارک دارای چهار پسر شد که پسر سوم ایشان، سید محمود مرعشی بود. آیه الله سلطانعلی در سال ۱۳۱۳ قمری، با خانواده خود به نجف اشرف هجرت نمود و برای

آنجا رحل اقامت افکند. (۳) به این ترتیب سید محمود، در شش سالگی همراه پدر، از تهران به نجف اشرف هجرت نمود. مرحوم آیه الله سلطانعلی مرعشی فقیه کبیر و مجتهد و متبحر، از اساتید درس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه نجف اشرف بود و از نظر تقوا و پارسایی و موقعیت علمی و اجتماعی و سایر ویژگی‌های معنوی و اخلاقی، در سطح بسیار بالایی قرار داشت. از ویژگی‌های او این بود که به خواندن زیارت عاشورا بیش از چهل سال مداومت داشت. حتی در حال احتضار، زیارت عاشورا می‌خواند که در همین حال هم رحلت کرد. این عالم ربّانی چند سالی که در تهران بود، نزد آیه الله میرزا محمد حسن آشتیانی به تحصیل خود ادامه داد. ایشان در نجف اشرف، از اساتید بزرگ آن دیار استفاده فراوان کرد؛ اساتیدی همچون: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ علی قوچانی، آخوند ملا علی نهاوندی، حاج میرزا حسین طهرانی (خلیلی)، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه، و آقا سید ابوتراب خوانساری - قدس الله اسرارهم - . وی از دو مجتهد اخیر اجازه اجتهاد و اجازه نقل روایت نیز دریافت کرده بود. مرحوم آیه الله سید سلطانعلی مرعشی، علاوه بر علوم فقه و اصول، در علم جفر و علم طب قدیم هم اطلاعات وسیعی داشت و در سرودن اشعار عمیق و پر محتوا دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود. ایشان

علاوه بر این که تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت، در تدریس نیز بسیار موفق بود؛ به طوری که شاگردان زیادی تحت تعلیم و تربیت او بودند. او دارای چند پسر بود که عبارتند از: مرحوم آیه الله سید احمد

مر عشی (پدر ارجمند آیه الله سید اسماعیل
مر عشی، صاحب کتاب
اجماعیات فقه الشیعہ، در چهار جلد)، سید
حسن، آیه الله سید محمود
مر عشی (فرزند سوم)، سید حسین، سید
محسن، سید علی و سید
محمد.

يَا أَيُّهَا السَّائِلُ عَنْ أَخَوَالِي
فَأَوَّلًا سَأَلْتُ تَارِيخَ النَّظَرِ

کویکی و استدان

مرحوم آیه الله سید محمود مر عشی - چنان
که گفتیم - در سال
۱۳۰۷ هـ. ق از خاندان علم و فقاہت، در
تهران چشم به جهان گشود. او
خود مادّه تاریخ ولادتش را در دو بیت
شعر، چنین آورده است:

هَآ أَنَا أَتُكِّرُ لَكَ مَا فِي بَالِي
فَهَكَذَا أَجَابَتِي «بِرُّ ظَهْرٍ»

ای کسی که از احوال من می‌پرسی، اکنون آنچه در خاطر من
مانده برای تو بازگو می‌کنم؛ در آغاز از تاریخ یادها و خاطرات گذشته
پرسیدم به من پاسخ داد: «بِرُّ ظَهْرٍ»؛ شخص نیکی که آشکار شد.
این جمله به حساب ابجد «۱۳۰۷» می‌باشد.

آیت الله سید محمود مر عشی در دامن پاک مادری علویّه و پاک
سرشت از سلسله سادات اعرجی معروف به مسجد حوضی‌های تهران،
و در پرتو تربیت پدری، که به راستی از علمای ربّانی بود، در تهران بزرگ
شد و در شش سالگی همراه پدر و مادر و سه برادرش به نجف اشرف
هجرت کرد و در آنجا پس از فراگیری خواندن و نوشتن و کتاب‌های
مقدّماتی، برای تحصیل علوم حوزوی آماده گردید. صرف و نحو و منطق

و مقدمات را نزد پدر و همچنین برادر بزرگوارش آیه الله سید احمد مرعشی فراگرفت. سپس سطوح را به ترتیب در محضر علمای بزرگ و مدرّسان عالی مقام: میرزا آقای اصطهباناتی، شیخ علی محمد یزدی، آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ علی قوچانی و شیخ علی گنابادی، آموخت. آن گاه درس خارج فقه و اصول را از محضر بزرگانی چون: ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه)، سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی)، شیخ ضیاء الدین عراقی و میرزا حسین نایینی، فرا گرفت. وی علم رجال را در محضر آیه الله سید ابوتراب خوانساری و علم کلام را در محضر آیه الله شیخ محمد جواد بلاغی آموخت، و بیشترین استفاده را از این علمای محقق و بزرگ نمود. (۴)

آیت الله سید احمد مرعشی

نظر به این که یکی از اساتید او برادر بزرگتر از خودش، مرحوم آیه الله سید احمد مرعشی - پدر حضرت آیت الله سید اسماعیل مرعشی (مدّظله) - است، مناسب است به شرح کوتاه زندگی آیه الله سید احمد مرعشی بپردازیم.

آیه الله سید احمد مرعشی پس از میرزای شیرازی، مسؤولیت حوزه علمیّه سامرا را بر عهده گرفت و مدرسه علمیّه میرزای شیرازی را در سامرا تجدید بنا کرد. وی با کمک مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، طلاب و فضلا را در سامرا گرد آورد و بدین قرار حوزه علمیّه سامرا در عصر مرحوم آیه الله سید احمد مرعشی همانند ایّام زعامت

میرزای شیرازی رونق گرفت.
 آیه الله سید احمد مرعشی در ۶۵ سالگی در سال ۱۳۶۰ هـ. ق بر اثر
 سکت قلبی رحلت کرد. شهر سامرا در رحلت جان سوز او یکپارچه
 عزادار شد، جنازه مطهر او را با تشییع بسیار پر شکوه در عتبه مرقده منور
 عسکریین علیهم السلام به خاک سپردند.

آیه الله سید محمود مرعشی در چهلم رحلت استاد و برادرش آیه الله
 احمد مرعشی، مرثیه‌ای سرود و مداحان آن را خواندند، و در همان روز
 برادرزاده‌اش آیه الله سید اسماعیل مرعشی - که بیست سال بیشتر
 نداشت - به وسیله آیه الله سید محمود مرعشی، معمم گردید. (۵)

داماد آیه الله سید مرتضی کشمیری

از افتخارات حضرت آیه الله سید محمود مرعشی این بود که به
 دامادی حضرت آیه الله و سالك الى الله، صاحب کرامات، مرحوم سید
 مرتضی کشمیری قدس سره نایل شد و از فاطمه خانم (ملقب به شمس
 السادات)، صبیّه آیت الله کشمیری صاحب نه پسر و دو دختر شد که نام
 پسران در پایان خاطر نشان می‌شود. در اینجا مناسب است شرح کوتاهی
 از آیه الله کشمیری بیاوریم.

آیه الله سید مرتضی کشمیری که گاهی از او به «سید مرتضی رضوی
 قمی نجفی» یاد می‌شود، فرزند سید مهدی بن سید کرم الله، از نوابغ علم
 و عمل و از اولیای بزرگ خدا بود. او در صبح جمعه، ۸ ربیع الثانی سال
 ۱۲۶۸ هـ. ق در شهر لکنهوه هندوستان دیده به جهان گشود. در همان

نوجوانی، آثار نبوغ از او آشکار بود و به بسیاری از علوم دست یافت. در سال ۱۲۸۴ (در پانزده سالگی) برای ادامه تحصیل به عتبات (نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا) هجرت کرد و از محضر عالمان و عارفان سترگ استفاده‌های شایان برد تا این که خود، در پرتو علم و عمل و تقوا در سطح بسیار بالا، در زمره اولیای خدا و صاحب کرامات قرار گرفت. در میان ده‌ها نمونه از کرامات این عالم ربانی و فرزانه، نظر شما را به يك نمونه جلب می‌کنیم:

مرحوم سلالۃ السادات سید محمد نصیر آبادی نقل می‌کند:
 آن گاه که آیه الله سید مرتضی کشمیری در عراق بود، یکی از دوستان به نام **نواب مولوی سید اصغر حسین**، به بیماری سختی مبتلا گردید ؛ به طوری که از درمان‌ها نتیجه نگرفت. شبی در عالم خواب دیدم در باغ سبز و خرمی هستم و در آنجا قصر با شکوهی وجود دارد. چون در فکر درمان سید اصغر حسین بودم، تصمیم داشتم از آن باغ بیرون آیم. ناگاه صدایی از آن باغ شنیدم که می‌گفت: کجا می‌روی؟ گفتم: برای پرستاری از سید اصغر حسین می‌روم. او گفت: چرا به محضر سید مرتضی کشمیری نمی‌روی تا برای سید اصغر دعا کند؟ گفتم: او در کجاست؟ گفت: در میان همین قصر است. در عالم خواب به طرف قصر رفته و وارد قصر شدم. سید مرتضی را در مصلائی قصر دیدم. سلام کردم، جواب سلام مرا داد و لبخند زد. عرض کردم: برای شفای سید اصغر حسین دعا کنید. ایشان دعا کرد. من از قصر بیرون آمدم، ناگاه از خواب بیدار شدم.

دریافتم که اول اذان صبح است. وضو گرفتم و نماز خواندم و سپس به خانه سید اصغر حسین رفتم. دیدم آیت الله سید مرتضی کشمیری به عبادت ایشان آمده و در کنار بستر سید اصغر حسین نشسته است، ماجرای خواب خود را برای آقا نقل کردم و تقاضای دعا برای شفای سید اصغر حسین نمودم، سید مرتضی گریه کرد و فرمود: شاید شخص دیگری را دیده‌ای. و به من فرمود: موضوع را مخفی بدار. برای شفای سید اصغر حسین دعا کرد، به طوری که او همان روز شفای کامل پیدا کرد.^(۶)

آیه الله سید مرتضی کشمیری در ۱۳ شوال سال ۱۳۲۳ هـ. ق در ۵۵ سالگی در شهر کاظمین به لقاء الله پیوست. جنازه مطهرش را با تشییع پر شکوهی به کربلا آوردند. مرقد مبارکش در حجره سوم جانب راست کسی که از صحن مبارك مرقد مطهر امام حسین علیه السلام از باب زینبیه خارج می‌شود، قرار گرفته است.^(۷)

شاگردان و تألیفات

آیه الله سید محمود مرعشی پس از وصول به درجات عالی علوم حوزوی و اجتهاد، به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت و حوزه تدریس خارج فقه و اصول را در حوزه علمیه نجف اشرف تشکیل داد و در کنار آن به تألیف کتاب‌های تحقیقی و استدلالی، پیرامون علم اصول و فقه و سایر مسائل اسلامی همت گماشت و شاگردان برجسته‌ای در محضر درس او پرورش یافتند. ایشان از آنجا که به زبان عربی تسلط کاملی داشت و

تدریس می‌کرد، بیشتر شاگردانش از طلاب لبنانی و عراقی بودند؛ از جمله آنها: **آیه الله سید حسین مکی جبل عاملی** است که اخیراً به جای **علامه سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه**، اقامه جماعت می‌کند و مدرسه علمیه‌ای در دمشق (سوریه) تأسیس نموده است. از شاگردان دیگر او، **آیه الله شیخ اسماعیل بعلبکی جبل عاملی**، **آیه الله سید عبدالصاحب جبل عاملی**، **شیخ موسی سودانی**، و **مرحوم شیخ کاظم ساعدی** است که در محضر ایشان به درجه اجتهاد نایل شده‌اند.

آیه الله سید محمود مرعشی امر تدریس و تألیف را با جدیت تمام تا سال ۱۳۶۵ قمری - که مصادف با رحلت مرجع بزرگ تقلید، **آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی** بود - ادامه داد. به این ترتیب ایشان از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۶۵، یعنی ۵۲ سال، در حوزه علمیه نجف اشرف به تحصیل، تحقیق، تدریس و فعالیت‌های علمی پرداخت و از عمر با برکت خود کمال استفاده را نمود.^(۸)

تألیفات ایشان به طور خلاصه عبارت است از:

- ۱ - «بیداری بشر، یا پرهیز از خطر» (که چاپ شده و پیرامون رد بابیت و بهائیت است).
- ۲ - «حاشیه بر فرائد الاصول» (رسائل شیخ انصاری) - خطی.
- ۳ - «حاشیه بر کفایة الاصول» (ملاً محمد کاظم خراسانی) - خطی.
- ۴ - «حاشیه بر کتاب طهارت شیخ انصاری» (به طور مبسوط، اما ناتمام) - خطی.
- ۵ - «کتاب رساله در وجوب حجاب» (استدلالی) - خطی.

- ٦ - «طريق الوصول الى دقائق العقول» چهار جلد، مشتمل بر: توحيد، نبوت، امامت و معاد - خطی.
- ٧ - «إبقاء الحلية في وجوب إعفاء اللحية» (استدلالی در حرمت تراشیدن ریش) - چاپ شده.
- ٨ - «رساله در رد صوفیه» - چاپ شده.
- ٩ - «شرح دعای ندبه به عربی» که در حقیقت يك دائرة المعارف بسیار عمیق و مفید است. - خطی.
- ١٠ - «نفحة الرّحمان في حکمة لقمان» - خطی.
- ١١ - «أعيان المرعشبة» - خطی. (٩)

سفر به آفریقا

آية الله سيد محمود مرعشي بياني شيوا داشت و در ابلاغ اسلام و احكام نورانی آن به مردم - بویژه مردم دور افتاده - به شدت احساس مسؤولیت می کرد. با این که فقیه و مجتهد بود، گاهی ترجیح می داد که هجرت کند و با سخنرانی و تبلیغات، مسایل اسلامی را به مردم بیاموزد. بر همین اساس در دوران جوانی، بنا به دعوت بعضی از بستگانش که در آفریقای شرقی اقامت دارند، به آنجا سفر کرد و ماه ها در شهرهای مقدشو، بمبابیه، دارالسلام زنگبار، جزیره مدگسگر به تبلیغ پرداخت و در آن سامان، منشأ آثار و برکات معنوی و مادی فراوانی برای شیعیان آفریقا گردید؛ از جمله با تبلیغات سادات مرعشی و ایشان، چندین مسجد در آن دیار تأسیس شد.

بازگشت به نجف و هجرت به تهران

آیه الله سید محمود مرعشی پس از مدتی اقامت در آفریقا، به نجف اشرف بازگشت و در حوزه علمیّه نجف به تدریس فقه و اصول و پرورش شاگرد ادامه داد. تا این که حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۶۵ ق. رحلت کرد. آن گاه ایشان به ایران هجرت نمود و چند سال در تهران به اقامه جماعت در مسجد امام زاده معصوم و رسیدگی به امور مسلمین، و تدریس و بحث‌های فقهی و اسلامی پرداخت و خدمات فقهی، فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی شایانی به عمل آورد. (۱۰)

مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد رازی درباره سفر ایشان به تهران می‌نویسد:

«آیه الله سید محمود مرعشی رحمه الله در زمان ریاست آیه الله مجاهد سید ابوالقاسم کاشانی رحمه الله به تهران عزیمت نمود، و چندین سال به اقامه جماعت و هدایت مردم همت گماشت. سپس به علی از آنجا به نجف اشرف مراجعت نمود.» (۱۱)

آیه الله سید محمود مرعشی در مسجد خود در تهران، با مردم ارتباط صمیمانه و بسیار با صفا داشت و مردم نیز او را دوست می‌داشتند و از محضرش کمال استفاده را می‌بردند. وقتی که از دنیا رفت، در مجالس ترحیم او شرکت نمودند؛ حتی نزد بستگان آن مرحوم آمده و پس از استجازه، مجلس بزرگداشت با شکوهی در مسجد ارك تهران برگزار

کردند و سوگوارانه در آن شرکت نموده و احساسات پاك و خالصانه خود را ابراز داشتند.

هجرت به حوزه علمیه قم

آية الله سيد محمود مرعشی، پس از سفرهای تبلیغی و مراجعت به حوزه علمیه نجف، آهنگ هجرت به قم نمود. و این در وقتی بود که حضرت آية الله العظمی بروجردی به قم آمده بود. (۱۲) و با ورود پر برکت ایشان به قم، حوزه نیز انسجام و رونق تازه‌ای یافته، زمینه‌های رشد و گسترش آن فراهم شده بود. از این رو نیاز شدیدی به حضور اساتید بزرگ و فقه‌ای عالی مقام داشت. در چنین موقعیتی، آية الله سيد محمود مرعشی وارد قم شد و در قم اقامت گزید و جلسات درس خارج فقه و اصول تشکیل داد و طلاب بسیاری از محضر درس ایشان استفاده کردند. در حقیقت هجرت به قم، فصل تازه‌ای از زندگی آية الله مرعشی بود، تا آنچه را از تجربیات علمی در حوزه نجف اندوخته بود، در حوزه علمیه قم به کار گیرد. لذا پس از ورود به قم، به درس و بحث و تربیت طلاب می‌پردازد.

هجرت به اهواز

سادات مرعشی شوشتری و تجار و مردم متدین اهواز، در قم به محضر آية الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله رسیدند و از ایشان تقاضا کردند که برای اقامه جماعت و تبلیغ دین و رسیدگی به امور، عالمی

را به اهواز اعزام کند. حتی ملتزم شدند که در بهترین نقطه اهواز، مسجد با شکوهی بسازند و ایشان در آنجا به اقامه جماعت و سایر امور بپردازد لذا آیت الله مرعشی با اصرار آیه الله العظمی بروجردی - و پس از استخاره به قرآن - دعوت آنان را اجابت کرد.

به این ترتیب ایشان از قم به اهواز هجرت نمود و در همان مسجد که بعدها به نام آیه الله مرعشی و از مساجد بزرگ و معروف اهواز شد، به اقامه جماعت و رسیدگی به امور دینی و اجتماعی مردم پرداخت و جلسات درس خارج فقه و اصول را نیز در آنجا برای طلاب مقیم اهواز تشکیل داد؛ ولی پس از سه سال و اندی اقامت در اهواز، بر اثر کهولت سن و علل دیگر، به قم مراجعت کرد لذا به امر آیه الله العظمی

بروجردی قدس سره، آیه الله حاج سید اسماعیل مرعشی، برادر زاده ایشان، رهسپار اهواز شد و در همان مسجد اقامه جماعت نمود. (۱۳)

آیت الله سید محمود مرعشی پس از مراجعت از اهواز تا سال ۱۴۰۸ هـ. ق، حدود ۳۰ سال در قم بود و مجدداً به تدریس خارج اصول و فقه اشتغال ورزید و طلاب و فضایی بسیاری از محضر درس او استفاده کردند؛ این برنامه تقریباً تا آخر عمر ایشان ادامه داشت.

شماره‌ای از زهد و حالات معنوی و اخلاقی ایشان

الف) بندگی و ولایت و تواضع

ایشان به راستی عبد صالح خدا بود. بندگی و تواضع در برابر خدا و تواضع در برابر مؤمنان را در حدّ اعلا رعایت می‌کرد. اهل تهجد و نماز

شب بود. از اشتغال به عبادت خدای یکتا و بی همتا لذت می‌برد و انس مخصوصی با خدا داشت. رابطه‌اش با خاندان رسالت و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بسیار قوی و عاشقانه بود و خود را از خادمان کوچک آن خاندان بزرگ می‌دانست. خواندن زیارت عاشورا را ترك نمی‌کرد، جمعه‌ها بسیار مواظب بود که غسل جمعه را بجا آورد؛ حتی در حال نفاقت و ناتوانی، آن را ترك نمی‌کرد. به خواندن نماز جعفر طیار (با این که طولانی است) اصرار می‌ورزید، با دعا و مناجات مأنوس و همواره به یاد خدا بود.

شیفتگی او به خاندان رسالت در حدّ اعلا بود و همواره با آنها ارتباط معنوی و عرفانی داشت؛ متجاوز از هشتاد سال، دهه اوّل محرم را در خانه خود مجلس عزاداری بر پا می‌داشت و خود، خالصانه و عارفانه در آن مجالس شرکت می‌نمود و با اظهار ادب به عزاداران و شرکت کنندگان، احساسات پاک و بی شائبه‌اش را نشان می‌داد. شنیدن مصائب جان سوز امام حسین علیه‌السلام و شهیدان کربلا او را منقلب می‌کرد و سرشک غم از چشمانش سرازیر می‌شد.

ایشان با آن که خود، در رتبه بالایی از علم و عمل قرار داشت، نسبت به همه شیعیان، بویژه طلاب، متواضع و فروتن بود و در حدّ توان از طلاب حمایت می‌کرد.

رابطه‌اش با حضرت ولیّ عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بسیار استوار و مخلصانه بود. همه روز صبح‌ها دعای عهد امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را می‌خواند و با آن بزرگوار رابطه معنوی

و ملکوتی خالصانه‌ای داشت. کتاب شرح دعای ندبه او، که بسیار مشروح و متفن است، نشان دهنده عمق ارتباط او با عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و بخصوص امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است. مسأله ولایت علی و ائمه علیهم السلام، در این کتاب به عربی اثبات شده است.

(ب) زهد و وارستگی

مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی، توجه خاصی به طلاب علوم دینی داشت؛ به طوری که خانه مسکونی خود را در نجف اشرف فروخت و پول آن را بین طلبه‌ها تقسیم کرد. در سال آخر عمر، به فرزند بزرگ خود دستور داد تا کتاب‌های شخصی‌اش را به طلاب نیازمند بدهد، که این دستور هم اجرا شد.

ایشان، تا آخر عمر در قم، در خانه استیجاری زندگی می‌کرد و اصرار دوستان و بستگانش را برای خرید خانه نپذیرفت در حالی از دنیا رفت که از مال دنیا چیزی نیندوخته بود. با این که از سادات و علمای بزرگ و دارای موقعیت اجتماعی عظیم بود، ساده زیستی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود. با وجودی که در سال‌های آخر عمر بر اثر کهولت سن و ضعف مزاج، پاهایش قدرت حرکت نداشت، اما برای خود خادم نگرفت؛ ایشان به راستی، عالمی ربانی و زاهدی وارسته بود.

(ج) رابطه او با انقلاب اسلامی و امام خمینی قدس سره

حضرت آیه الله سید محمود مرعشی که در آستانه پیروزی انقلاب و پس از آن، بر اثر کهولت سن و ناتوانی مزاج، خانه نشین بود، به انقلاب اسلامی علاقه فراوان داشت. برای حضرت امام خمینی قدس سره و پیروزی

انقلاب، همواره دعا می‌کرد و می‌فرمود:
«این انقلاب اسلامی که يك نوع زمینه سازی و انتظار فرج
است، مقدمه ظهور حضرت ولیّ - عصر عجل الله تعالی فرجه
الشریف - می‌باشد.»

امام خمینی نیز جویای حال او بودند و بارها نمایندگانی از طرف
خود، به عیادت آن مرحوم می‌فرستادند و از او تفقّد و دلجویی می‌کردند.
او معتقد بود که اسلام باید اجرا شود و بدون تشکیل حکومت
اسلامی، بسیاری از احکام آن اجرا نخواهد شد. لذا امید داشت تا با
پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدّس حکومت اسلامی، احکام نورانی
اسلام اجرا شده، کشور و ملّت از منجّلاب گمراهی‌ها، که طاغوتیان و
بیگانه پرستان عامل آن بودند، نجات یابند؛ چنانکه اجداد بزرگوارش در
قرون گذشته در طبرستان (مازندران و...) حکومت علوی تشکیل دادند،
می‌خواست حکومت علوی، سراسر ایران و جهان را فرا گیرد. (۱۴)

(د) تولّی و تبرّی

مسأله تولّی و تبرّی (دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان آنها)،
بویژه تولّی و تبرّی با دوستان و دشمنان حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و
دیگر امامان بر حق، از مهم‌ترین ارکان اسلام ناب و تشیّع علوی است،
زیارت عاشورا که بسیار به قرائت آن سفارش شده، نشانگر این واقعیت
است. از این رو، آیه الله سید محمود مرعشی، همانند پدرش، مرحوم آیه
الله سلطانه‌علی مرعشی، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت داشت. در
واقع ایشان با خواندن زیارت عاشورا، عشق و ارادت خود را به ولایت

اهل بیت علیهم السلام، بخصوص حضرت سید الشهدا علیه السلام ابراز می‌داشت و از دشمنان آن بزرگواران بیزاری می‌جست.

حکایت رحلت

آیه الله سید محمود مرعشی، ۱۰۱ سال عمر کرد. در سال‌های آخر عمر بر اثر کهولت سن، هر دو پایش ناتوان شده بود و نمی‌توانست راه برود یا بایستد. همواره در خانه بود و فضلا و علما به محضرش رسیده، از او عیادت می‌کردند و گاهی از محضرش استفاده‌های علمی می‌نمودند. به علت این که همسر اول او، دختر آیه الله سید مرتضی کشمیری از دنیا رفته بود، در اواخر عمر، زوجه موقت ایشان انجام امور خانه را بر عهده داشت. از آن هنگام که ایشان بیمار و بستری شد تا آخر عمر، تحت سرپرستی فرزندانش، بخصوص پسر عالی قدرش، آقای مهندس ابوالحسن مرعشی بود و همین فرزند نیز، مخارج پدر و عیالش را تأمین می‌کرد؛ برای آنها در قم و تهران خانه‌ای اجاره نمود. تا آخرین توان و در حد ایثار به آنها خدمت نمود و وسایل درمان و هزینه پزشک و دارو و سایر نیازهای پدر را فراهم کرد. و بحق خدمات شایان تقدیری نمود. روزهای آخر عمر که بستری بود، او را فرزند دیگرش، مرحوم حاج سید مهدی مرعشی - که در کرج سکونت داشت - به کرج برد و در همان جا به پرستاری و درمان وی پرداخت. سرانجام این مرد خدا و عاشق خاندان نبوت، پس از عمری طولانی و پربرکت، در بستر بیماری افتاده و تحت سرپرستی و پرستاری فرزندانش

مرحوم سید مهدی مرعشی و آقای مهندس ابوالحسن مرعشی قرار گرفت. ولی تقدیر الهی این بود که از دنیا به سوی عالم بقا کوچ کند. روح پاك او در كرج در خانه فرزندش به ملكوت اعلى پیوست. پیکر مطهرش را با تجلیل و تشییع با شکوه به قم آوردند و پس از طواف در حرم حضرت معصومه علیها السلام مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی به همراه انبوه مردم و علما و طلاب، در صحن بزرگ، بر آن نماز گزارد. سپس در حجره شماره ۳۸ صحن بزرگ، نزدیک مقبره آیه الله شهید شیخ فضل الله نوری که در قسمت شرقی آن واقع شده، به خاک سپردند. (۱۵)

رحلت او در روز ۲۷ شوال المکرم سال ۱۴۰۸ هـ. ق برابر با خرداد سال ۱۳۶۷ ش. رخ داد. بنابراین با توجه به سال تولد او که سال ۱۳۰۷ هـ. ق بود، ۱۰۱ سال عمر کرد.

سلام و درود همه پیامبران، صالحان، شهدا و کربویان بر روح بلند او باد که پاك زاد و پاك زیست و پاك مرد.

نوشته لوح قبر

بر سنگ قبر او که در گوشه حجره مذکور، در دیوار نصب شده، چنین نوشته شده است:

«هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ - هَذَا مَقْدُ الْعَالَمِ الْجَلِيلِ، وَالْخَبَرِ

التَّائِبِلِ، سَيِّدُ الْفُقَهَاءِ وَالْأَصُولِيِّينَ، آيَةُ اللَّهِ الْعَظْمَى الْحَاجِّ السَّيِّدِ

محمود الحسيني المرعشي، الَّذِي صَرَفَ عَمْرَهُ الْمُبَارَكَ فِي

خدمة العلم، والذي خرج علي يديه ثلّة من العلماء الاماثل في

الحوزتين النجف الاشرف و قم المحروسة. توفي قدس سره في يوم

٢٧ شوال المكرّم ١٤٠٨ هـ . ق.»

فرزندان

مرحوم آية الله سيد محمود مرعشي قدس سره، از همسر اصلی اش علویه مكرّمه، فاطمه خانم (ملقب به شمس السادات) دختر عالم ربّانی حضرت آية الله سيد مرتضی كشمیری، صاحب نه پسر و دو دختر شد. پسران عبارتند از آقایان: حاج سيد مهدی، حاج سيد هادی، حاج سيد ابراهيم، سيد رضا، (معروف به سيد جمال الدين)، سيد صادق، سيد ابوالقاسم، سيد ابوالحسن، سيد عبدالرزاق و سيد ابوطالب. مرحوم آقای حاج سيد مهدی از تجار محترم بود و سيد ابوطالب از اساتید دانشگاه (جندی شاپور) اهواز است. بعضی از فرزندان ایشان در عراق به کسب و تجارت اشتغال دارند و یکی از آنها در آمریکا اهل تدریس و تحقیق است. جناب آقای سيد ابوالحسن مرعشی، که شخصیتی خدمتگزار و فهیم و دلسوز است، مهندس برق و مدیر عامل بخش توانیر می باشد. چنان که اشاره شد، ایشان در رسیدگی به امور پدرشان، کمال سعی و تلاش را نمود و تا حد ایثار در خدمت پدر بود. به هر حال، فرزندان آن مرحوم، همه از نیکان می باشند. در خانواده ای پرورش یافته اند که نور درخشان علم و سیادت (از جانب پدر و مادر) آنان را فرا گرفته است. (١٦)

سلسله نسب خاندان مرعشی تا امام سجّاد علیه السلام

خاندان محترم مرعشی از شاخه‌های مختلف به امام سجّاد علیه السلام می‌رسند. یکی از شاخه‌های آن، سادات مرعشی محترم شوشتر است. چنان‌که در آغاز گفتیم، نخستین فرد از سادات مرعشی که به شوشتر آمد و سادات شوشتر همه به او منتهی می‌شوند، حضرت سید نجم الدین محمود مرعشی، عالم ربّانی خاندان مرعشی است. این سید بزرگوار با هفده واسطه به امام سجّاد زین العابدین علیه السلام می‌رسد. از سوی دیگر سلسله نسب مرحوم آیه الله سید محمود مرعشی با پانزده واسطه به سید نجم الدین می‌رسد که به ترتیب ذیل است:

«سید محمود بن سید سلطانعلی بن ابراهیم بن میرزا محمد بن ابوالفتح بن میرزا سید علی (سوم) بن اسحاق بن میرزا شاهمیر بن میرزا عبدالله بن میرزا سید علی (دوم) بن میر محمد باقر بن میر سید علی بن میر اسدالله صدر بن زین الدین بن محمد شاه بن مبارزالدین (مُنده) بن جمال الدین حسین بن میر نجم الدین محمود بن احمد بن تاج الدین حسین بن محمد بن علی بن احمد بن ابیطالب بن ابراهیم بن یحیی بن حسین بن محمد بن ابی علی بن ابوالقاسم حمزه بن علی المرعشی بن عبدالله بن محمد سلیق بن حسن الذکّة بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین بن امام حسین بن علی بن ابیطالب، علیهم السلام.» (۱۷)

پی نوشت‌ها:

- ۱ - محمد بندر ریگی، ترجمه «منجد الطالب وقاموس اللغه»، واژه مرعش، ص ۱۹۵.
- ۲ - برگرفته از یادداشت‌های آیه الله سید اسماعیل مرعشی صاحب کتاب ارزشمند «اجماعیات فقه الشیعه»، (چهار جلد و یک دوره کامل فقه استدلالی است) و کتاب «عنوان الطاعة فی اقامة الجمعة و الجماعة».
- ۳ - اقتباس از کتاب «گلستان پیغمبر، ص ۷۳»، حجة الاسلام سید مصطفی امام زاده موسوی جزائری، متوفای حدود سال، ۱۳۸۱ هـ. ق؛ «نقباء البشر»، ج ۲، ص ۸۲۵ و «رجال الفكر و الادب فی النجف»، دکتر محمد هادی امینی، ج ۳، ص ۱۸۴.
- ۴ - برگرفته از یادداشت‌های حضرت آیه الله سید اسماعیل مرعشی، برادر زاده آیه الله سید محمود مرعشی.
- ۵ - همان مدرک و «مستدرکات اعیان الشیعه»، ج ۴.
- ۶ - اقتباس از کتاب «نجوم السماء»، علامه میرزا محمد مهدی کشمیری، ص ۲۳۶ و ۲۳۷. در این کتاب بیش از ده مورد از کرامات آیه الله سید مرتضی کشمیری قس^س ذکر شده است.
- ۷ - «اعیان الشیعه»، چاپ ارشاد، ج ۱۰، ص ۱۲۱.
- ۸ - برگرفته از یادداشت‌های آیه الله حاج سید اسماعیل مرعشی.
- ۹ - همان مدرک؛ «رجال الفكر و الادب فی النجف»، ج ۳، ص ۱۸۵ و «گلستان پیغمبر»، ص ۸۱.
- ۱۰ - برگرفته از یادداشت‌های آیه الله سید اسماعیل مرعشی.
- ۱۱ - اقتباس از «گنجینه دانشمندان»، ج ۲، ص ۲۶۰.
- ۱۲ - حضرت آیه الله العظمی بروجردی در روز ۱۴ محرم سال ۱۳۶۴ قمری، برابر با ۹ دیماه ۱۳۲۳ ش. وارد قم شد و زعامت حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت. ایشان پس از حدود شانزده سال اقامت در قم، در روز پنجشنبه ۱۳ شوال ۱۳۸۰ قمری برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ ش. رحلت کرد.
- ۱۳ - توضیح این که: به حکم آیه الله العظمی آقای بروجردی و پیشنهاد آیه الله سید

محمود مرعشی و اهالی اهواز، برادرزاده ایشان، آیه الله سید اسماعیل مرعشی (صاحب تألیفات از جمله کتاب ارزشمند «اجماعیات فقه الشیعہ» به جای ایشان به اهواز رفت و در همان مسجد حدود ۲۷ سال به اقامه نماز جماعت و جمعه و رتق و فتق امور و تأسیس مدرسه علمیه و اداره آن مدرسه پرداخت.

۱۴ تا ۱۶ - بر گرفته از یادداشت‌های آیه الله سید اسماعیل مرعشی (دامت برکاته).

۱۷ - گلستان پیغمبر، ص ۴ و صفحه ضمیمه آن.

حاج سید جواد قمی

«فقیہ دلاور»

* * *

ناصرالدین انصاری قمی

جای عکس

حاج سید جواد قمی

فقیه نامور قم، آیه الله حاج سید جواد قمی، عالم و مطاع این شهر، در
اواخر قرن سیزدهم هجری بوده است، که نام و یاد و خدمات او به جهان
علم و دانش همواره در یادها جاودانه خواهد ماند. اینک در این مقال کوتاه
به ذکر شمه‌ای از آثار و مفاخرش می‌پردازیم.

ولادت

آیه الله حاج سید جواد قمی، که نام اصلی‌اش سید محمد تقی و به
سید جواد مشهور بود،^(۱) در سال ۱۲۴۰ ق، در قم در بیت علم و تقوا و
فضیلت زاده شد. البته سال ولادت ایشان در جایی به صراحت ذکر
نگردیده؛ اما از آنجا که وفاتش، در ۶۳ سالگی (۱۳۰۳ ق) واقع شده،
طبعاً ولادتش در ۱۲۴۰ ق باید بوده باشد.^(۲)

پدر و ملر

مادر ایشان، فرزند مرحوم آية الله العظمى ميرزاى قمى (صاحب قوانین)^(۳) و پدر بزرگوارش، مرحوم حجة الاسلام حاج ميرزا على رضا طاهرى قمى (فرزند سيد محمد بن كمال الدين موسى رضى)، يکى از دانشمندان بزرگ و رؤسای شهر قم و از شاگردان ميرزاى قمى، صاحب قوانین (و داماد معظم له) و مورد عنایت و محبت مخصوص او بوده است. مرحوم ميرزا محاکمات شهر قم را بدو ارجاع مى داد. به همين سبب محضر او و بعدها فرزندش، حاج سيد جواد، محلّ حلّ و فصل نزاعها و رفع محاکمات بود و در اجرای احکام شرعى و اقامه معروف و نهى از منکر، از سرزنش ديگران نمى هراسيدند و در رفع ظلم از مردم مى کوشيدند. وی در شوال ۱۲۴۸ ق بدرود زندگى گفت و در قبرستان شيخان کبير قم، به خاک سپرده شد. (۴) آية الله حاج سيد جواد در هشت سالگى پدرش را از دست داد.

گفتنى است که آية الله حاج سيد جواد قمى از نوادگان عالم جليل القدر ملا محمد طاهر قمى - شيخ الاسلام قم - است و اولاد و اعقابش در قم به خاندان «پيشوايى» شهرت دارند.

تحصيلات

مرحوم حاج سيد جواد، پس از پشت سر نهادن دوران کودکى و نوجوانى، دروس مقدماتى حوزه را در قم در حدود سال ۱۲۵۵ ق، به

اتمام رساند و برای ادامه تحصیل به اصفهان، که در آن زمان مهد علم و دانش و از بزرگترین حوزه‌های علمیه جهان اسلام به شمار می‌رفت، مهاجرت کرد و در درس اساتید بزرگ حوزه اصفهان مانند آیات عظام: **سید محمد باقر شفتی معروف به حجة الاسلام و شیخ محمد تقی رازی (و)** شاید **حاجی کلباسی و ملاعلی نوری**، که قطب‌های علم و دانش در اصفهان بودند، شرکت کرد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. (۵)

مهاجرت به نجف

حاج سید جواد، پس از وفات استادش، سید باقر شفتی، در سال ۱۲۶۰ق، به سوی نجف اشرف کوچ کرد و سالیان بسیار در درس‌های فقه و اصول آیات عظام: **شیخ محمد حسن نجفی**، صاحب جواهر و مدت کمی نیز در درس **شیخ مرتضی انصاری** حاضر شد و با استحکام بخشیدن به آموخته‌های خود به درجات عالی علم و اجتهاد نایل آمد. (۶)

اساتید

از آنچه گفته شد و در کتاب‌های تراجم بدان تصریح شده است، بر می‌آید که مرحوم حاج سید جواد قمی در درس اساتید ذیل حدود ۱۲ سال شرکت کرده است:

۱. **سید محمد باقر شفتی**، معروف به حجة الاسلام (۱۱۷۵ - ۱۲۶۰ق)، صاحب «مطالع الانوار».

۲. **شیخ محمد تقی ایوانکی رازی**، (۱۱۸۵ - ۱۲۴۸ق)، معروف به

- صاحب حاشیه «هدایة المستر شدين فی حاشیة معالم الدین».
۳. شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۰۲ - ۱۲۶۶ ق)، نویسنده «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام».
۴. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق)، صاحب «فوائد الاصول» و «المتاجر» و غیره.
۵. شیخ محمد کزازی قمی (م ۱۲۷۸ ق): وی که احتمالاً از اساتید اولیه ایشان می‌باشد، استاد اجازه مرحوم حاج سید جواد بوده و تاریخ اجازه‌اش نیز سال ۱۲۶۹ ق است. (۷)

بازگشت به قم

مرحوم حاجی پس از وفات استادش صاحب جواهر، در حالی که مجتهدی مسلم بود، در سال ۱۲۶۶ ق، به قم بازگشت و ریاست علمی و مذهبی قم بدو انتقال یافت و تمام وقت خود را به تدریس، تألیف، اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر و ترویج احکام گذراند. (۸) هر چند از نام شاگردانش اطلاع دقیقی نداریم، اما مسلم آن است که علمای قمی معاصرش پیش از مهاجرت از قم، چندی در درس وی حاضر می‌شده‌اند؛ از جمله دو نفر از فرزندان، حاج میرزا زین العابدین و حاج سید عبدالحسین قمی، از شاگردان او بوده‌اند.

منصب اجتماعی

او در قم بیشتر به رفع دعاوی و حلّ نزاع‌ها و امر به معروف و نهی از

منکر می‌پرداخت. در حقیقت این دو ویژگی از خصوصیات ممتاز وی به شمار می‌رفت. در این زمینه، نقل سخن برخی از نویسندگان خالی از فایده نیست.

فاضل مراغی می‌نویسد:

«حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروّجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور، قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی از هیچ نکته فرو نمی‌گذاشت.» (۹)

مرحوم محمد تقی بیگ ارباب هم می‌نویسد:

«... جناب مستطاب قدوة الانام آقای حاج سید جواد - سلمه الله - که در مرافعه سرآمد اهل روزگار خود است، اگر چه در دادن احکام تأملی دارد، اما بعد از دادن، هرگز ناسخ و منسوخ از ایشان ملاحظه نشده است، تمام احکام ایشان مثل محکم آیات است.» (۱۰)

ویژگی‌های اخلاقی

سخاوت

آن فقیه بزرگ، ثروت و باغ‌ها و مزارع فراوانی داشت؛ (۱۱) اما ثروتش را در راه دستگیری از مستمندان و کمک به بینوایان مصروف می‌داشت و به جود و سخاوت معروف بود.

آیه الله ملا حبیب الله کاشانی می‌نویسد:

«حاج سید جواد قمی، عالمی فاضل و بخشنده و سخاوتمند بود

و در روزگار قحطی و گرسنگی، تمام اموالش را بر فقیران و مستمندان بخشش نمود و رئیس بر علما بود....» (۱۲)

زهد و تعبد

یکی دیگر از فضایل اخلاقی و خصوصیات ممتازش، کثرت عبادت و تهجد و زهد و ورع بود.

فرزند بزرگوارش **حاج میرزا زین العابدین** هم می‌نویسد:

«... با این که مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین، و او را محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش، و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد و البكاء بود، بسیاری از اوقات مناجات ابی حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است...» (۱۳)

احیاگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر

دیگر از خصوصیات او، اقامه معروف و نهی از منکر بود و مانند پدرش، در رفع ظلم از مردم می‌کوشید و از ستمگران نمی‌هراسید و به این ویژگی اش، همه تصریح کرده‌اند.

ملا حبیب الله کاشانی در همین زمینه می‌نویسد:

«... او به ظالمان و حاکمان اعتنا نمی‌کرد و کارش، امر به معروف و نهی از منکر بود و من او را در قم ملاقات کردم....» (۱۴)

تواضع و فروتنی:

خصوصیت برجسته دیگر آن فقیه سترگ، فروتنی و تواضعش، به خصوص در تحصیل علم و دانش بود. او در این جهت ملاحظه نام و

عنوان خود را نمی‌کرد و از همه کس، علم را اخذ می‌کرد.
آیه الله حاج سید مهدی روحانی، با اشاره به این ویژگی ایشان، از پدر و عمویش (آیه الله حاج میرزا ابوالحسن و آیه الله حاج میرزا محمود روحانی) نقل می‌کند:

«هنگامی که حاج سید صادق قمی، در سال ۱۲۹۸ ق، به قم آمد، مورد استقبال فراوان آقای حاج سید جواد قرار گرفت. معظم له در آن زمان، در قم ریاست تامه داشت و چون از مطالب شیخ انصاری چیز مهمی در دست نداشت و از طرفی حاج سید صادق، به تازگی وارد قم شده بود و چندان موقعیتی نداشت، مرحوم حاج سید جواد با ایشان مباحثه خصوصی قرار داده بود و در حقیقت از او استفاده می‌کرد. آن مرحوم وصیت کرد که مَهرَم را تحویل حاج سید صادق بدهید و نماز بر جنازه‌ام را هم ایشان بخواند.» (۱۵)

تألیفات

از آن فقیه بزرگ، کتاب‌های متعددی در فقه، اصول، رجال و حدیث به جای مانده است که هر کدام شاهدهی بر اوج علم و دانش او است. تألیفات او عبارتند از:

۱. «مقالید الاحکام»: این کتاب دوره کامل فقه است. (۱۶) مؤلف بزرگوار، تألیف آن را به سال ۱۲۶۶ ق، در نجف اشرف آغاز کرده و در غدیر ۱۲۹۹ ق، در قم به پایان برده است. در بالای تمام صفحات این کتاب جمله مبارك «بسم الله و الحمد لله و الصلاة علي محمد و آله» دیده

- می‌شود (و این کثرت تعبّد معظم له را به رعایت مستحبات و آداب شرعی، نشان می‌دهد).
- نسخه اصلی آن در سه جلد، با شماره‌های ۳۵۲۱، ۳۹۱۵ و ۴۶۴۵، در کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی نجفی موجود است. موضوعات این سه جلد بدین ترتیب به چاپ رسیده است: ج ۱: از طهارت تا خمس؛ ج ۲: از صوم تا پایان حج و ج ۳: از جهاد تا حدود و دیات.
۲. «الذرة الباهرة في احكام العترة الطاهرة»: (۱۷) نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه مرحوم آیه الله سید محمد حجت کوه‌کمری، در مدرسه حجتیه قم موجود است.
۳. «حاشیه بر قوانین الاصول»: نسخه اصلی آن در کتابخانه «جامعه امّ القرى» در مدینه منوره موجود است.
۴. «کتاب الرجال». (۱۸)
۵. «ینابیع الحکم»: این کتاب درباره توحید، نبوت، اثبات کفر اهل الحاد و بدعت و در اخبار و روایات است. (۱۹)
۶. مجموعه ۲۰ رساله در موضوعات مختلف فقه، اصول و رجال که نام آن‌ها معلوم نشده است. (۲۰)

فرزندان

- آن فقیه بزرگوار فرزندان عالم و باتقوا تربیت و پرورش داد که عبارتند از:
۱. مرحوم آیه الله حاج سید زین العابدین رضوی حسینی قمی: وی

عالمی بزرگ و فقیهی مشهور و از شاگردان آیات عظام: شیخ محمد طه نجف، میرزا حسین خلیلی، شیخ هادی تهرانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند خراسانی رحمهم الله بود. ایشان از سوی آخوند خراسانی، به عنوان یکی از پنج مجتهد طراز اول، برای نظارت بر قوانین مصوب مجلس شورای ملی، به تهران آمد و پس از مدتی، در ۱۳۲۷ ق بدرود حیات گفت. او در مدت اقامت اندکش در تهران، مورد توجه بسیار خاص و عام قرار گرفت و به دلیل داشتن کمالات نفسانی و کثرت تقوایش، مورد اعتماد و رغبت و مرجعیت مردم بود. از آثار وی کتاب «البراهین الجلیة فی شرح القصيدة العلویة»، شرح قصیده استادش شیخ محمد طه نجف است. (۲۱) یکی دیگر از کتاب‌هایش، حاشیه رجال ابوعلی حایری (منتهی المقال) می‌باشد. (۲۲)

۲. حاج سید عبدالحسین طاهری قمی: وی نیز از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی بود و در علم و عمل به مرتبه‌ای والا دست یافته بود. در سال ۱۳۳۷ ق، پس از هفده سال تحصیل در نجف، به قم بازگشت و پس از اندکی، در گذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد؛ (۲۳)

۳. مرحوم حاج میرزا علیرضا پیشوایی (۱۲۸۲ - ۱۳۶۷ ق): ایشان سومین فرزند حاج سید جواد و نماینده مردم قم در دوره سوم و پنجم قانونگذاری در مجلس شورای ملی در عصر مشروطیت بوده است. (۲۴)

وفات

سرانجام این مرجع فرزانه قم روز شنبه سوم ماه صفر الخیر سال ۱۳۰۳ ق، در ۶۳ سالگی بدرود حیات گفت. پس از نماز گزاردن آیه الله حاج سید صادق قمی بر پیکر پاکش، در قبرستان شیخان در بقعه محدث جلیل القدر، زکریا بن آدم اشعری، نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید. (۲۰) محدث قمی، در اشاره به محل دفن و جلالت و شأن ایشان، می‌نویسد:

«ما بین قبر این دو بزرگوار، زکریا بن آدم و ملامحمد طاهر قمی، قبر سید سند و رکن معتمد، فحل الفقهاء العظام و مروّج الشریعة و الاحکام، السراج الوهاج، ذوالطبع الوقاد، سیدنا الاجل، آقای حاجی سید جواد قمی صاحب تصانیف رایفه و فضایل و مناقب فایقه، در زمانی که این احقر کوچک بودم، آن بزرگوار از دنیا رحلت فرمود، و جلالت و شأن و عظمت قدر آن بزرگوار بسیار است.» (۲۱)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۳۷.
- ۲ - همان.
- ۳ - تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۲۲۲.
- ۴ - رجال قم، مقدس زاده، ص ۱۳۷.
- ۵ - نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۳۷.
- ۶ - بیان المفاخر، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ۷ - الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۴۵.
- ۸ - بیان المفاخر، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ۹ - المآثر و الآثار، ص ۱۵۳.

- ۱۰ - تاریخ دارالایمان قم، ص ۳۰.
- ۱۱ - ر.ک: تاریخ دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، ص ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۸۳، ۹۳ و ۱۱۳.
- ۱۲ - لباب الالقب، ص ۷۷.
- ۱۳ - تاریخ قم، ص ۲۵۵.
- ۱۴ - لباب الالقب، ص ۷۷.
- ۱۵ - مجله مسجد، ناصر الدین انصاری، ش ۴۷، ص ۱۰۱.
- ۱۶ - الذریعة، ج ۲۲، ص ۲.
- ۱۷ - تاریخ قم، ج ۲، ص ۲۵۵ و رجال قم، ص ۹۸.
- ۱۸ - مصفی المقال، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۱۶.
- ۱۹ - الذریعة، ج ۲۵، ص ۲۸۸ و تاریخ قم، ص ۲۵۵.
- ۲۰ - رجال قم، ص ۹۸ و تاریخ قم، ص ۲۵۵.
- ۲۱ - نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۰۰ و رجال قم، ص ۱۳۹.
- ۲۲ - تاریخ قم، ص ۲۵۵.
- ۲۳ - نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۰۳۵.
- ۲۴ - گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، ص ۲۰۹ و رجال قم، ص ۱۳۷.
- ۲۵ - تاریخ قم، ص ۲۵۵ و رجال قم، ص ۹۸.
- ۲۶ - فوائد الرضویة، ص ۵۴۸.

منبع:

- ۱ - بیان المفاخر در احوالات حجة الاسلام سید محمد باقر، سید مصلح الدین مهدوی، چاپ اصفهان، مسجد سید.
- * تاریخ دارالایمان قم، محمد تقی بیگ ارباب، به کوشش: سید حسین مدرسی طباطبایی، چاپ قم، ۱۳۵۳ ش.
- ۲ - تاریخ قم، شیخ محمد حسین ناصر الشریعة، با مقدمه و پاورقی: علی دوانی، چاپ قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۵۰ ش.

- ۳ - الذريعة الى تصانيف الشيعة، شيخ آقا بزرگ تهراني، چاپ بيروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- ۴ - رجال قم، سيد محمد مقدس زاده، چاپخانه مهر ايران، دى ماه ۱۳۳۵ ش.
- ۵ - طرائف المقال فى علم الرجال، سيد على اصفى جابلقى بروجردى، تحقيق: سيد مهدى رجاى، قم، مكتبة آيت الله نجفى مرعشى.
- ۶ - فوائد الرضوية فى تراجم علماء المذهب الجعفرية، حاج شيخ عباس قمى، تهران، انتشارات مركزى.
- ۷ - گنجينه دانشوران، احمد رحيمى، چاپخانه قم، ۱۳۳۹ ش.
- ۸ - لباب الالقاب فى القاب الاطياب، ملاحيبب الله كاشانى، چاپ قم.
- ۹ - المآثر و الآثار، محمد حسن خان اعتماد السلطنة، تهران، كتابخانه سنائى.
- * مجله مسجد، ش ۴۸ - سال ۱۳۷۸ ش مقاله «آيت الله سيد صادق قمى» به قلم: ناصر الدين انصارى.
- ۱۰ - مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال، شيخ آقا بزرگ تهراني، مقدمه و فهرس: احمد منزوى، چاپ تهران.
- ۱۱ - نقباء البشر فى القرن الرابع عشر، شيخ آقا بزرگ تهراني، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.

حاج شیخ مهدی حائری تهرانی

«تندیس خدمت»

* * *

مهدی سلیمانی آشتیانی

جای عکس

حاج شیخ مهدی حائری تهرانی

یکی از چهره‌های خدمتگذار حوزه‌های علمیه که عمر کوتاه ولی
پربرکت خود را وقف خدمت به مردم، حلّ مشکلات نیازمندان و تأسیس
مراکز خیریه نمود، آیت الله مهدی حائری تهرانی است. آن بزرگوار
مصدق بارز این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود:
«حَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ»^(۱) محبوب‌ترین

بندگان خدا نزد او، نافع‌ترین ایشان برای بندگان است.»
همه افرادی که ایشان را می‌شناسند، عشق وافر و تلاش پیوسته او را
برای خدمت به مردم می‌ستایند. در این نوشتار، با زندگی آن فقید آشنا
می‌شویم.

پیر

پدر مرحوم حائری، آیت الله شیخ عباس حائری تهرانی است. او در سال ۱۲۹۸ ق، در تهران به دنیا آمد. پدر شیخ عباس که از مردان خیراندیش و علاقمند به روحانیت بود، او را تشویق کرد تا وارد سلك حوزویان شود.

وی دروس مقدمات علوم اسلامی را در مدرسه مروی تهران آموخت. بعدها برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و از محضر حضرات آیات: میرزا محمد تقی شیرازی، سید اسماعیل صدر، سید محمد فیروز آبادی، سید حسن صدر و آقا ضیاء عراقی استفاده کرد و از همه این بزرگان، اجازه اجتهاد دریافت داشت. (۲) وی سپس به قم رفت و مورد توجه و احترام آیت الله عبدالکریم حائری بود و در تأسیس حوزه قم با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم همکاری کرد.

ایشان پس از چندی به تقاضای عده‌ای از بازاریان و متدینان تهران و با اجازه آیت الله حائری یزدی به تهران رفت و در مقابل «امامزاده زید» بازار تهران در مسجدی که به نام ایشان احداث شده بود، مشغول تدریس، تبلیغ و اقامه نماز جماعت شد. در تهران به طور منظم برای طبقات مختلف مردم جلساتی تشکیل می‌داد و در تقویت مبانی اعتقادی و مذهبی مردم، بخصوص جوانان، به جدّ می‌کوشید؛ حتی در دوران خفقان رضاخان - که مانع تشکیل مجالس حضرت سید الشهدا علیه السلام می‌شدند. - او در سحرهای محرم، جلسات روضه برقرار می‌کرد. آن بزرگوار در ذیقعد ۱۳۶۰ ق (برابر با شهریور ۱۳۲۰ ش)، در اوج اختناق دوران پهلوی به رحمت ایزدی پیوست و علی‌رغم ممنوعیت هر

گونه اجتماع، بازار تهران تعطیل شد و پیکر پاکش از منزل تا حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام، با شکوه خاصی تشییع و در آن حرم ملکوتی به امانت سپرده شد. بعدها طبق وصیت ایشان به کربلا منتقل گردید و در جوار مرقد حضرت سیدالشهدا علیه السلام کنار درب قاضی الحاجات، در مقبره خصوصی دفن گردید. (۳)

از وی آثاری همچون: «الجواب الصائب عن شبهة ايمان ابی طالب»، «مواند الکرم لزوار عبدالعظیم»، «شرح زیارت عاشورا»، «شرح زیارت جامعه کبیره»، «اسرار الصلاة» و... به جای مانده است. (۴)

تولد و تحصیلات

خانواده حائری تهرانی در سال ۱۳۰۴ ش (۱۳۴۴ ق) مصادف با ولادت امام صادق علیه السلام در کربلا، صاحب فرزندی شدند و او را مهدی نام نهادند. این کودک تحت تربیت پدرش بود و نزد او مقدمات علوم را فرا گرفت.

سال‌های بعد در قم و تهران، تحصیلات خود را ادامه داد، تا این که در سن ۱۵ سالگی، پدر را از دست داد؛ ولی این غم سنگین، در عزم و اراده او برای ادامه تحصیل علوم اسلامی خللی وارد نیلورد.

در تهران از محضر اساتیدی همچون: آیت الله محمد حسین زاهد، آیت الله سید صدرالدین جزایری، آیت الله میرزا محمد باقر آشتیانی و آیت الله میرزا مهدی آشتیانی استفاده کرد.

ضمناً وی در طول این سال‌ها، با ورود به دانشکده الهیات و معارف

اسلامی، موفق به اخذ لیسانس شد و بعدها در همین رشته دکترا گرفت. (۵)

هجرت به قم و نجف

حاج آقا مهدی حائری در سال ۱۳۲۷ ش، برای طی مدارج علمی و استفاده از محضر علمای حوزه علمیه قم، عازم این شهر مقدس شد و از درس این بزرگان بهره برد:

۱. استاد الفقهاء مرحوم آیت الله العظمی بروجردی.

۲. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی.

۳. مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۴. مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری.

۵. مرحوم آیت الله العظمی اراکی.

۶. مرحوم آیت الله علامه طباطبایی.

۷. امام خمینی قدس سره.

ایشان همچنین در درس خصوصی تفسیر و فلسفه علامه طباطبایی،

که برای جمع معدودی از فضلا تشکیل شده بود، شرکت داشت.

حاج آقا مهدی در سال ۱۳۳۵ ش، برای زیارت بارگاه امیرمؤمنان

علی علیه السلام و سایر امامان معصوم به عراق مسافرت کرد. در حوزه علمیه

نجف اشرف، از حضرات آیات عظام: سید جمال گلپایگانی و سید

عبدالهادی شیرازی اجازه اجتهاد دریافت نمود و از علامه حاج آقا بزرگ

تهرانی نیز اجازه نقل روایت گرفت. (۶)

ایشان پس از چندی به قم بازگشت و مشغول مباحث علمی و خدمات اجتماعی شد.

فعالیت سیاسی

مرحوم حائری تنها به مباحث علمی بسنده نکرد، بلکه در کنار بسیاری از فضلاء آن دو حوزه، به فعالیت‌های سیاسی و مبارزه با رژیم ستم شاهی هم می‌پرداخت؛ چنان که خود نوشته‌اند، جلساتی درباره «مبانی حکومت در اسلام و ریشه‌های انقلاب» تشکیل دادند و همچنین در چاپ و تکثیر اطلاعیه‌های حضرت امام نقش داشتند. در این جلسات که معمولاً شب‌های جمعه در منزل آقای حائری در قم برگزار می‌شد، فضایی چون: شهید ریائی شیرازی، شهید بهشتی، شهید قنوسی و... شرکت می‌کردند.^(۷)

همچنین مرحوم حائری، با امضای بیانیه‌ها و نامه‌هایی، که در سال‌های اولیه نهضت اسلامی، فضلاء حوزه منتشر می‌کردند، همراهی خویش را با حرکت ملت قهرمان ایران نشان می‌داد. نمونه‌های زیر، بخشی از فعالیت‌های سیاسی ایشان را نشان می‌دهد:

* امضای نامه‌ای خطاب به مرحوم آیت الله طالقانی و تقدیر از

مبارزات ایشان در تاریخ ۷ / ۶ / ۱۳۴۲.^(۸)

* امضای نامه‌ای خطاب به منصور، نخست وزیر وقت، جهت آزادی

امام و جمعی از علما در اسفند ۱۳۴۲.^(۹)

* بیانیه‌ای در اعتراض به بازداشت امام در تاریخ ۸ / ۷ / ۱۳۴۳.^(۱۰)

* ارسال نامه به مراجع تقلید در مورد وظیفه مبلغان و وعظ نسبت به برخورد دولت وقت با امام امت، در دی ماه ۱۳۴۳ (۱۱)

* و همچنین صدور بیانیه‌ای در اعتراض به اهانت روزنامه اطلاعات به امام خمینی. (۱۲)

ایشان در سال ۱۳۵۵ ش، به دعوت جمعی از مردم متدین تهران، در مسجد ارك و سال‌های بعد، در مسجد الغدير - در خیابان میرداماد - به فعالیت پرداخت؛ ظهرها در مسجد ارك و شب‌ها در مسجد الغدير اقامه جماعت می‌نمود.

خلمت اجتماعی

آنچه حاج آقا مهدی حائری تهرانی را از دیگران متمایز می‌کند، دامنه وسیع فعالیت ایشان در امور خیر و بنیان‌گذاری مؤسسات خدماتی و فرهنگی و تأسیس اماکن و مراکز دینی است. چنان‌که دوستان و هم دوره‌های آن مرحوم گفته‌اند: «

وی از همان اوایل جوانی و زمان تحصیل، در اغلب کارهای اجتماعی و خدایسندانه شرکت داشت.»

در این نوشتار به رئوس کارهایی که با همت او انجام شد، اشاره می‌کنیم: (۱۳)

۱ - تأسیس و تکمیل کتابخانه

او در تأسیس کتابخانه مدرسه حجتیه قم - با دستور مرحوم آیت الله حجت - و تهیه بالغ بر ۲۰ هزار جلد کتاب برای آن کتابخانه شرکت

داشت.

و نیز در تأسیس کتابخانه‌های بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام*، کتابخانه‌ای در کنار دبیرستان دین و دانش قم، کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر علیه السلام (با همکاری مسجد جمکران در خیابان آذر قم)، کتابخانه حائری تهرانی در مدرسه علمیه حضرت بقیة الله علیه السلام در مشهد، کتابخانه بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام در مشهد و چهارده کتابخانه کوچک در روستاهای اطراف شیراز و... زحمات فراوانی کشید.

۲ - فعالیت در امور مدارس علوم دینی

آیت الله حائری در تأسیس مدرسه فاطمیه قم، تجدید بنای مدرسه رضویه قم، تأسیس مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه امام باقر علیه السلام و مدرسه بقیة الله علیه السلام در مشهد مقدس و تجدید بنای مدرسه حاج شیخ فضل الله نوری در تهران و... حضور چشمگیری داشت.

۳ - تأسیس مراکز آموزشی و فرهنگی

آن مرحوم، بنیان گذار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران بود، که دارای ساختمانی بسیار بزرگ با امکانات مختلف است و خود، ریاست این دانشکده را تا آخر عمر بر عهده داشت.

از فعالیت‌های دیگر ایشان در این زمینه، موارد ذیل است:
احداث مجتمع فرهنگی - آموزشی «آیین روشن»، چندین مدرسه غیر انتفاعی، مؤسسه دین و دانش، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، همکاری در تأسیس مدرسه دین و دانش قم و

همچنین تأسیس انتشارات دارالفکر، دارالعلم، هجرت و انتشارات دینی که با همکاری دیگران انجام گرفت.

آیت الله حائری، در تأسیس مؤسسه «در راه حق» نیز همکاری داشت و بخشی از هزینه‌های این مرکز به وسیله ایشان، از سوی حضرت آیت الله العظمی خویی، تأمین می‌شد.

۴ - احداث مساجد

آقای حائری، از ساخت مسجد نیز غافل نبود و لذا در احداث مسجد حضرت سجاد علیه السلام در تهران، مسجد ولی الله الاعظم علیه السلام در میدان آرژانتین تهران، مسجدی در شهرک غرب و... نیز حضور و فعالیت داشت.

۵ - تأسیس مراکز خیریه

آقای حائری برای حل مشکلات نیازمندان و محرومان اهتمام زیادی می‌ورزید و در این راستا مراکز متعددی را تأسیس، اداره و یا تأمین کرد که برخی از مراکز عبارتند از:

تأسیس بیمارستان امام سجاد علیه السلام در شهرک کاروان تهران، احداث ۵۰۰ واحد مسکونی برای استفاده افراد محروم در شرق تهران، ایجاد مرکز خیریه مسجد الغدير، مؤسسه خیریه امام سجاد علیه السلام و بنیاد حمایت از بیماران جزامی در مسجد ارك، بنیاد ازدواج كوثر در مشهد، صندوق‌های قرض الحسنه متعدد و

البته روشن است که همه این خدمات به مدد و توفیق الهی، و با همت و مساعدت مردان نيك‌اندیش و متدین، مخصوصاً دوستان و

علاقه‌مندانش در مسجد الغدير و ارك انجام می‌شد كه جا دارد از همه آنان تقدیر و تجلیل شود.

تألیفات و آثار

حاج آقا مهدی حائری، اگر چه عمده نیروی خود را صرف امور اجتماعی و رفاهی کرد، ولی از تألیف کتاب‌هایی كه مفید برای عوام و خواص بود، غفلت نمی‌کرد. آثار آن بزرگوار به شرح ذیل است: (۱؛)

۱. «تاریخ علوم قرآن».
۲. «تاریخ فقه».
۳. «تاریخ ادیان».
۴. «تاریخ فلسفه».
۵. «تاریخ و سیر کتابخانه».
۶. يك دوره فقه برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۷. يك دوره اصول لفظیه و عقلیه برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۸. يك دوره فلسفه و حكمت نظری و عملی برای تربیت معلّم و مبلّغ تهران.
۹. يك دوره درس اخلاق نظری و عملی.
۱۰. يك دوره درس علوم قرآن.
۱۱. «بنیادهای اخلاق اسلامی» كه همواره با اخلاق مرحوم شبّر چاپ شده است.
۱۲. «شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت».

۱۳. «اصول عقاید و آفریدگار جهان».

۱۴. «راز خوشبختی».

۱۵. «پندهای معصومین علیه السلام».

۱۶. «منتخب ادعیه و زیارات».

۱۷. «بشارات غیبی».

۱۸. «اخلاق از نظر قرآن».

۱۹. تقریرات دروس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی و همچنین مقالات متعدد در مجلات مکتب اسلام، مکتب تشیع و معارف جعفری، از دیگر آثار مرحوم حائری است. گفتنی است که اکثر کتابهای ایشان را بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام، به چاپ رسانده است.

وفت

سرانجام آیت الله حائری تهرانی پس از سالها تلاش خستگی‌ناپذیر و خدمت به جامعه اسلامی و به جای گذاشتن دهها مرکز و بنیاد دینی و فرهنگی و رسیدگی مستمر به فقرا و ایتم، در اثر سکته قلبی، روز جمعه ۳۰ دی ماه ۱۳۷۹ (برابر با ۲۴ شوال ۱۴۲۱) در تهران دار فانی را وداع کرد و به جوار رحمت الهی شتافت. پیکر او در میان حزن و اندوه جمع کثیری از علاقه‌مندان و مردم متدین و علمای تهران تشییع شد. حضرت آیت الله آقا سید رضی شیرازی - دامت برکاته -، نوه میرزای بزرگ شیرازی از علمای بزرگ تهران، که سابقه دوستی طولانی با مرحوم

حائری داشت، طبق وصیت او، بر جنازه وی در مسجد الغدیر، نماز گزارد و عصر همان روز جنازه ایشان را به قم انتقال دادند. در قم نیز با حضور علما و بزرگان و بعضی مراجع معظم، پس از تشییع باشکوهی از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و طواف حرم ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. جالب توجه است که زمان خاکسپاری ایشان، عصر روز ۲۵ شوال، مصادف با سالروز شهادت رئیس مذهب، حضرت صادق علیه السلام بود و ولادتش، همزمان با روز ولادت حضرت صادق علیه السلام بود.

از منظر دیگران

همه کسانی که آن مرحوم را می‌شناختند و با او آشنایی داشتند، به روح بلند و صفای باطن و روحیه خدمتگزاری - که خداوند در وی به ودیعت نهاده بود - اذعان دارند.

آیت الله سید رضی شیرازی در این باره می‌فرمودند:

«حاج آقا مهدی را به صفای ضمیر، دیانت، حسن نیت و خدمت به مردم می‌شناختم. فقدانش در تهران ضایعه بزرگی بود و خلأ

وسعی به وجود آورد.» (۱۵)

حضرت آیت الله سبحانی هم از وی چنین یاد کردند:

«واقعاً يك انسان ارزنده‌ای بود؛ عواطفش مرز نداشت، انسانی

وارسته و در اخلاص در درجه بالا بود. در خدمت کم نظیر بود و هیچ

گاه به درخواست کسی، نه نمی‌گفت. اگر کسی به ایشان کاری را

ارجاع می‌داد و توانایی انجامش را داشت، طرف را بی‌جواب رد نمی‌کرد.» (۱۶)
حضرت آیت الله گرامی نیز که سابقه دوستی طولانی با آن مرحوم داشته‌اند، فرمودند:

«آقای حائری يك امتیازات اخلاقی خیلی خوب داشت که درس است برای دیگران: اول این که، همواره شاکر خداوند بود و من از ایشان يك شکایت در طول عمر نشنیدم؛ دوم، اهل غیبت و بدگویی از کسی نبود؛ سوم این که، بسیار اهل تولی و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام بود و چهارم این که، با دعا و اذکار و بعضی ختومات انس داشت و مقید بود.» (۱۷)

پی‌نوشت‌ها:

* این کتابخانه هم اکنون در ابتدای خیابان صفائیه قم واقع است و با ساختمانی بزرگ و امکاناتی مناسب و با بیش از ده هزار جلد کتاب مرجع مورد استفاده محققان می‌باشد.

- ۱ - تحف العقول، ص ۴۹.
- ۲ - نقباء البشر، ص ۹۹۰.
- ۳ - شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، مهدی حائری تهرانی، ص ۴۱ - ۳۹.
- ۴ - نقباء البشر، ص ۹۹۱.
- ۵ - شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، ص ۴۲.
- ۶ - همان، ص ۴۳.
- ۷ - همان، ص ۵۳.
- ۸ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۹۹.
- ۹ - همان، ص ۱۰۹.
- ۱۰ - همان، ص ۱۰۴.

- ۱۱ - همان، ج ۱، ص ۲۸۰.
- ۱۲ - همان، ج ۳، ص ۲۳۶.
- ۱۳ - شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، ص ۵۳.
- ۱۴ - همان، ص ۴۵.
- ۱۵ - مصاحبه نگارنده با ایشان.
- ۱۶ - مصاحبه نگارنده با ایشان.
- ۱۷ - مصاحبه نگارنده با ایشان.

علامہ سید عبدالعزیز طباطبائی

«آموزگار تحقیق»

* * *

مہدی سلیمانی آشتیانی

جای عکس

علامہ سیّد عبدالعزیز طباطبائی

علامه محقق، آقا سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله نامی آشنا برای اهل قلم و تحقیق است. نام آن بزرگوار بر تارک پژوهش‌های علوم اسلامی چون ستاره‌ای می‌درخشد و يك عمر تلاش و کوشش و خوشه چینی از خرمن معارف بلند اهل بیت علیهم السلام را تداعی می‌کند. ایشان مرجع محققان و پشتوانه‌ای برای جویندگان زلال دانش در عصر ما بود. درب خانه‌اش به روی همه باز بود و با رویی گشاده به مشکلات و سؤالات افراد پاسخی شایسته می‌داد.

آیه الله سید محمد علی ابطحی اصفهانی در این باره فرموده‌اند:
«تا آقای سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله زنده بود، اهل تحقیق می‌دانستند در زیر آسمان شهری زندگی می‌کنند که می‌توانند در هر بعدی از ابعاد مختلف مسائل اسلامی مشغول تحقیق باشند، در هر

موردی که با مشکل مواجه شوند، استاد راهنمایی در آن شهر در گوشه خانه‌اش نشسته که در هر لحظه از لحظات شب و روز مهباست تا مشکل آنها را بدون هیچ متنی با يك تلفن حل کند.»^(۱)

سخن از عالمی سخت کوش، محقق بلند همت، دانشمندی فرزانه یعنی علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبایی است. اگر چه زرشناسان او را نيك می‌شناسند و قدر می‌دانند، ولی برای آن که مجموعه حاضر از نام و یاد آن عزیز خالی نباشد، در این مجال به زندگی و آثار آن مرد بزرگ نگاهی گذرا خواهیم داشت.

در یکمین سال افول شمع وجود ایشان، به همت مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام و به قلم جمعی از ارادتمندان یادنامه‌ای برای او در سه جلد به چاپ رسید که شرح يك عمر پژوهش محقق طباطبایی بود. آن یادنامه منبع عمده نگارنده در این مقاله است.

خاندان

بیت طباطبایی یزدی از خانواده‌های ریشه دار و شریف ایران هستند و مردان بزرگی را در دامن خود پرورش داده‌اند. اصل این خاندان از «کسنویه» یزد است و اولین کسی که از آنها به عراق هجرت کرد، فقیه و عالم نامی، مرحوم آیه‌الله العظمی سید محمد کاظم یزدی رحمه‌الله، است. ایشان از مراجع عالیقدر شیعه در قرن چهاردهم و از نظر جامعیت در فروع فقهی کم نظیر است. کتاب معروف او «عروه الوثقی»، تقریباً به

وسیله همه مراجع بعد از خودش حاشیه خورده است. آن بزرگوار در عید مبعث ۱۳۲۸ ق در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوست. یکی از افراد بیت طباطبایی - که پسر عموی صاحب «عروة» می باشد. - آقا سید اسماعیل طباطبایی است. او که دروس عالی حوزه را در نجف اشرف فرا گرفته بود و از فضلاء حوزه به شمار می رفت، به دامادی صاحب «عروة» درآمد. فرزند سید اسماعیل، مرحوم آقا سید جواد طباطبایی، پدر محقق طباطبایی است. مادر سید عبدالعزیز نیز فرزند سیداحمد طباطبایی، پسر صاحب عروة است. لذا محقق طباطبایی هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، نواده صاحب عروه محسوب می شود. (۲)

پدر محقق طباطبایی، یعنی آقا سید جواد، از چهره های معروف علمای نجف اشرف بود.

آقا سید عبدالعزیز درباره پدر گرامی اش می گوید:

«ایشان از اهل علم، مشهور به تقوی و زهد بود... قسمت زیادی از وقت خود را مشغول نماز و نوافل بود و نصف آخر قرآن را حفظ داشت و هر روز قرائت می کرد.» (۳)

سید جواد طباطبایی در سال ۱۳۶۳ ق برای معالجه به ایران آمد و در تهران در گذشت و در جوار حرم مطهر حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام مدفون شد.

تولد

در بیت طباطبایی یزدی در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۴۸ ق (چهارم آبان

۱۳۰۸ ش) کودکی پا به عرصه وجود گذاشت. او را سید عبد العزیز نام نهادند. بعد از دوران طفولیت به مکتب رفت و خط و قرآن و حساب و دیگر مقدمات را فرا گرفت. پس از آن به سلك طلاب علوم دینی درآمد و تحت اشراف پدر گرامی اش مراحل آغازین دانش را طی کرد. پانزده سال داشت که همراه پدر به ایران آمد و در همین سفر پدرش در گذشت. اگر چه از دست دادن سایه مهر پدری برای او سخت بود، ولی سید عبد العزیز خیلی زود به قم رفت و مدتی مشغول تحصیل بود و از درس مرحوم آیه الله حاج آقا رضا صدر استفاده کرد. سال بعد به نجف اشرف و جوار آستان مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام برگشت و در پرتو آن قبه نورانی مشغول کسب علم گردید.

اساتید

محقق طباطبایی رحمه الله سالیان متمادی از محضر بزرگان حوزه سترگ نجف بهره ها برد. بعضی از شخصیت هایی که وی از خرمن دانش آنها استفاده کرده است، عبارتند از:

- ۱ - آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله (م ۱۴۱۳ ق)
- ۲ - آیه الله العظمی سید عبد الهادی شیرازی رحمه الله (م ۱۳۸۲ ق)
- ۳ - آیه الله العظمی سید عبد الا علی سبزواری رحمه الله (م ۱۴۱۴ ق)
- ۴ - آیه الله سید علی علامه فانی رحمه الله (م ۱۴۰۹ ق)
- ۵ - آیه الله سید هاشم حسینی طهرانی رحمه الله (م ۱۴۱۱ ق)
- ۶ - آیه الله میرزا محمد علی اردوبادی رحمه الله (م ۱۳۸۰ ق)

۷ - آية الله شيخ مجتبی لنکرانی رحمه الله (م ۱۴۰۶ ق)
 ۸ - آية الله شيخ صدر ابادکوبه‌ای رحمه الله (م ۱۳۹۲ ق)
 آقا عبدالعزيز طباطبائی مراتب عالی فقه، اصول، کلام و فلسفه را از این بزرگان فرا گرفت؛ ولی آنچه از دوران جوانی مورد علاقه فراوانش بود، علم کتابشناسی و بررسی و احیای میراث کهن شیعه بود. در سالهای تحصیل او در نجف، دو شخصیت فرزانه و استوانه استوار این رشته حاضر بودند: علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، صاحب اثر عظیم «الذریعه» و علامه حاج شيخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب گرانسنگ «الغدير». این دو بزرگوار که از چهره‌های تابناک حوزه‌های علمیه به شمار می‌رفتند و خود کتابخانه‌ای سیار از میراث شیعه بودند، در رشد و پرورش آقا سید عبدالعزيز بسیار تأثیر گذار بودند. از همان اوان تأسیس کتابخانه عمومی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف به وسیله مرزبان غیور حریم تشیع، علامه امینی رحمه الله، محقق طباطبائی در آنجا مشغول تحقیق و تدوین فهرست کتابخانه شد. این امر باعث انس و ارتباط مداوم با علامه امینی گردید. در همین سالها محقق طباطبائی برای شناسایی نسخ خطی، کتابشناسی و سایر ظرایف و دقایق این رشته، با علامه عالیقدر حاج آقا بزرگ تهرانی رحمه الله مرآده مستمر داشت. سید عبد العزيز از سه نفر از بزرگان اساتید خود نیز دارای اجازه نقل روایت بود که عبارتند از حضرات آیات: سید ابوالقاسم خویی؛ سید عبدالهادی شیرازی و علامه آقا بزرگ تهرانی رحمه الله.

مهاجرت به ایران و ادامه فعالیت‌های علمی

محقق طباطبایی در سال ۱۳۹۶ ق (۱۳۵۶ ش) به علت فشارهای رژیم عراق به ایرانی‌ها، به میهن آباء و اجدادی خویش مهاجرت کرد و در جوار نگین شهر قم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، اقامت گزید. حضور ایشان در حوزه مقدس قم برای فضلا و محققین بسیار مغتنم و نیک بود و خیلی زود شمع جمع اهل قلم گردید. اخلاق پاک و روحیه بی آلاش، سخاوت علمی، تواضع و محبت آن عزیز باعث ارادت و علاقه مضاعف شاگردانش به او می‌شد. حافظه بسیار خوب، اخلاص و عشق به نشر آثار اسلامی، تجربه عملی و معاشرت طولانی با اساتید و اهل فن، از محقق طباطبایی دانشمندی جامع پدید آورده بود، به طوری که هر کسی از محضرش بهره‌ای می‌برد. علاوه بر محققین و شاگردان، مؤسسات تحقیقاتی و علمی نیز از تجربه و تخصص او بی‌نیاز نبودند. مراکزی همچون: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لایحیاء التراث، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی و... با ایشان ارتباط داشتند و آثار زیادی با نظارت و همکاری مستقیم وی تحقیق و چاپ شد. بر اساس فهرستی که فرزند گرامی‌شان، آقای سید محمد طباطبایی، تهیه کرده‌اند، تعداد ۹۴ عنوان کتاب با استفاده از راهنمایی‌ها و یادداشت‌های محقق طباطبایی تحقیق شد که در مقدمه این آثار بدین نکته اشاره شده است. (۴)

علامه محقق طباطبایی همچنین در مجامع و همایش‌های علمی مختلفی شرکت می‌جست و در بسیاری از آنها مقالاتی نیز ارائه می‌نمود. از آن جمله به کنگره علامه شریف رضی در ۱۴۰۶ ق در تهران، کنگره

هزاره شیخ مفید در ۱۴۱۳ ق، در قم، کنگره امام حسین علیه السلام در ۱۴۰۴ ق در لندن و کنگره امام علی علیه السلام در ۱۴۰۶ ق در لندن، می‌توان اشاره نمود.

محقق طباطبایی و فهرست نگاری

آقا عبدالعزیز طباطبایی را بدون شك باید از نامدارترین کتاب شناسان و نسخه شناسان عصر اخیر به شمار آورد. از او ان نوجوانی علاقه و افری به فهرست نگاری و کتاب شناسی نشان می‌داد و چنان که خود فرموده‌اند، در سن هشت یا نه سالگی کُتُب کتابخانه مدرسه سید رحمه الله را در نجف اشرف در دفتر کوچکی فهرست کردند. این دفتر اولین فهرستی است که ایشان تهیه نمود. (۵)

در دوران جوانی درك محضر کتاب شناس شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی رحمه الله و ۲۵ سال ارتباط با وی، تبخر و تخصص ویژه‌ای به آقای طباطبایی بخشیده بود و شاید بتوان او را یادگار و وارث علمی صاحب «ذریعه» در قم دانست.

ایشان فهرست‌های زیادی را از نُسخ خطی داخل و خارج کشور تهیه کرد که در بخش آثار به آنها اشاره خواهیم کرد.

محقق طباطبایی در مورد فهرست نگاری در ایران فرموده‌اند:

«در ایران، در کل بسیار خوب است ؛ و من مکرراً گفته‌ام که هیچ کشور دیگری به اندازه ایران، فهرست تهیه و چاپ نکرده است.»

ایشان در مورد زبان فهرست‌ها گفته‌اند:

«به نظر من بهتر است که فهرست به زبان کتاب‌ها باشد؛ مثلاً

کتاب عربی به زبان عربی و کتاب‌های فارسی به زبان فارسی
فهرست شوند.»

مرحوم طباطبایی درباره فهرست نگاری کتابخانه مرکزی آستان قدس
رضوی نیز ضمن تجلیل، فرموده‌اند:

«کار اشتباهی که انجام شده فهرست موضوعی است؛ زیرا
کتابخانه‌ای را که دائماً در حال رشد است نمی‌توان به صورت
موضوعی فهرست کرد، بلکه باید کتاب‌ها را شماره‌ای فهرست
کرد.» (۶)

پیرپژوهش در نگاه هنرشناسان

همه کسانی که با محقق طباطبایی رحمه الله آشنایی داشتند به صفای روح او
و خلوص و ارادت ایشان به مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و
همچنین تبخر و تخصص او در کتاب‌شناسی شیعه، اذعان دارند.
استاد فرزانه حضرت آیه الله آقا موسی شبیری زنجانی - دامت برکاته
- درباره آقا سید عبد العزیز می‌فرمودند:

«سه نکته در مورد ایشان قابل ذکر است: اول این که تسلط او بر
کتاب‌شناسی اسلامی جای شک و شبهه نبود، به صورتی که اگر
نگوییم بی نظیر، مسلم کم نظیر بود؛ دوم این که اهل مسامحه و
تعارف در تعبیر نبود و مطالبی که نوشته است با توجه به پشتوانه
تحقیق ایشان قابل اعتماد و اعتنا است و سوم این که اگر می‌فهمید
کسی اهل استفاده و تحقیق است، با عشق تمام و با سخاوت و

سماحت به او كمك مى‌كرد.» (۷)

علامه محمد تقى جعفرى رحمه‌الله در مورد تواضع و فروتنى او فرموده‌اند:

«از محاسن با اهميت شخصيت آن مرحوم، كه متأسفانه تا حدودى كمياب است، اين بود كه معمولاً در صدد ابراز معلومات و افرى كه اندوخته بود برنمى آمد. اگر كسى روزها با آن بزرگوار همنشيني مى‌كرد نمى‌توانست از كميت معارفى كه در درون داشت، اطلاع پيدا كند.» (۸)

استاد محمد تقى دانش پژوه رحمه‌الله نيز چنين فرموده‌اند:

«هيچ آخوندى مثل او چنان پراطلاع ندیده بودم.» (۹)

و استاد عبدالحسين حائرى نيز درباره ميزان تسلط وى نوشته‌اند:

«در باب تسلط ايشان بايد گفت كه از مسلم‌ترين امور كه جاي شك در آن نيست، تسلط كامل ايشان بر ميراث فرهنگى مخطوط اسلام و تشيع است.» (۱۰)

از خصوصيات بارز آن بزرگوار سماحت و سخاوت وى در كمك به پژوهشگران و شاگردان بود كه همه كسانى كه از او استفاده كرده‌اند، به اين خصيصه اشاره مى‌كنند. آقاى صحتى سردردى در اين باره نوشته‌اند:

«هرگز فراموش نمى‌كنم آن شبى را كه استاد براى معالجه مى‌خواست چند صبايحى به تهران رود و من بى خبر از همه جا، سر در كتاب و دفتر فرو برده بودم و مى‌نوشتم كه ديدم استاد خم شد و كليدهاى خانه را پيشم نهاد و گفت: ما عازم تهرانيم و در خانه كسى

نیست. کتابخانه در اختیار شماست، هر وقتی از شبانه روز که خواستی می‌توانی بیایی و مطالعه کنی؛ و اگر هم خواستی می‌توانی به خانه خود تلفن بزنی و همین جا بمانی و شبانه روز به تحقیق بپردازی.» (۱۱)

غروب آفتاب پژوهش

با وجود آن که علامه طباطبایی در اواخر عمر از ناراحتی قلبی رنج می‌برد، ولی کار و تلاش را رها نکرد و همچنان به فعالیت‌های علمی خود ادامه می‌داد. تا این که روز دوشنبه ۶ ماه رمضان ۱۴۱۶ ق به علت نارسایی شدید قلبی در بخش ccu بیمارستان آیة الله العظمی گلپایگانی رحمه‌الله بستری شد و ساعت ۲ بامداد روز بعد، یعنی ۷ رمضان المبارک ۱۴۱۶ (۱۸ اسفند ماه ۱۳۷۴)، مرغ روح آن عزیز کالبد تن را رها نمود و به ملائع علی پر کشید.

عصر همین روز پیکر پاک او در میان موج تألم، تأثر و نابوری هزاران نفر از دوست داران و ارادتمندان و شاگردانش از مسجد امام حسن عسگری علیه‌السلام به سوی حرم حضرت معصومه علیها‌السلام تشییع شد. پس از اقامه نماز به وسیله حضرت آیة الله آقا موسی شبیری زنجانی - دامت برکاته - ، در جوار بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام، در حجره ۱۴ صحن بزرگ به خاک سپرده شد. در واقع با دفن این محقق فرزانه، کتابخانه‌ای وسیع در گوشه‌ای از حرم مدفون گشت.

آثر و تألیفات

اگر چه چندین سال است که از فیض حضور آن محقق سخت کوش محروم شده‌ایم، ولی آثار جاوید او همواره عطر وجودش را در دل و جان مؤمنان زنده خواهد ساخت. فهرست مختصر تألیفات و نوشته‌های ایشان بر اساس مقاله «خزان در گلشن تحقیق» (۱۲)، اثر فاضل ارجمند جناب صدرایی خویی - که خود از ارادتمندان و شاگردان محقق طباطبایی است. - به شرح ذیل می‌باشد.

آثار ایشان را می‌توان به هفت بخش تقسیم کرد:

الف) آثاری که در تکمیل تألیفات استادشان علامه تهرانی تألیف نمودند
 مثل «مستدرک الذریعه»، «اضواء علی الذریعه»، «مهدب الذریعه»، «معجم اعلام الشیعه»، «تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعه» و «تنظیم و تصحیح نقباء البشر».

ب) آثاری که در تکمیل تألیفات استادشان علامه امینی تألیف نمودند
 مانند «علی ضفاف الغدير» در تکمله الغدير و «انباء السماء برزیه کربلا» در تکمیل سیرتنا و سنتنا.

ج) تحقیق و تصحیح آثار بزرگان
 مانند «فهرست منتخب الدین»، «الاربعون المنتقى من مناقب المرتضى»، «عقدالدرر فی اخبار المهدي المنتظر»، «مقتل امیر المؤمنین علیه السلام از ابن ابی دنیا»، «مناقب امیر المؤمنین علیه السلام از احمد بن حنبل»، «ترجمه امیر المؤمنین علیه السلام از تاریخ دمشق»، «ترجمه امام حسن و امام حسین علیهما السلام از طبقات ابن سعد» و...
د) فهرست نسخ خطی

مانند «فهرست کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف»، «فهرست نسخ خطی آستان قدس رضوی»، «فهرست نسخ کتابخانه علامه طباطبایی در شیراز»، «فهرست نسخ کتابخانه سید محمد علی قاضی طباطبایی در تبریز»، «فهرست نسخ کتابخانه فراز عبدالقادر گیلانی در بغداد»، «فهرست نسخ کتابخانه ثقة الاسلام در تبریز» و...

ه) کتابنامه‌ها

از جمله «اهل البيت في مكتبة العربية»، «الغدير في التراث الاسلامي»، «حياة الشيخ المفيد»، «مكتبة العلامة الحلي»، «في رحاب نهج البلاغة»، «مخطوطات اللغة العربية»، «فهرست تصانیف کراچکی» و...

و) یادداشت‌ها و مطالب منتخب از کتابخانه‌ها که در سفرهای ایشان تنظیم شده است

مانند «نتایج الاسفار»، «قید الاوابد و جمع الشوارد»، «فهرست نسخه‌های منتخب از کتابخانه‌های ترکیه»، «فهرست نسخ خطی منتخب از حجاز»، «فهرست نسخ منتخب از کتابخانه‌های تبریز» و...

ز) سایر آثار

مثل «الحسين عليه السلام والسنة»، «المهدي عليه السلام في السنة النبوية»، «حياة الشيخ يوسف بحراني»، «شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی» و.... علاوه بر آثار مذکور، مقالات متعددی نیز از آن فقید در مجله وزین «تراثنا» به چاپ رسیده است. برای شناخت دقیق و تفصیلی آثار ایشان می‌توان به جلد اول یادنامه مراجعه نمود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - المحقق الطبائى فى ذكراه السنوية الاولى، ج ۳، ص ۱۱۷۸.
- ۲ - الغدير فى النراث الاسلامى، ص ۲۳۳.
- ۳ - المحقق الطبائى فى ذكراه السنوية الاولى، ج ۱، ص ۳۵۰ - ۳۴۸.
- ۴ - همان، ج ۳، ص ۱۱۳۵ - ۱۰۹۰.
- ۵ - همان، ص ۱۲۲۳.
- ۶ - همان، ص ۱۲۲۳ - ۱۲۱۹.
- ۷ - مصاحبه نگارنده با معظم له.
- ۸ - المحقق الطبائى فى ذكراه السنوية الاولى، ج ۳، ص ۱۰۳۰.
- ۹ - همان، ص ۱۰۳۶.
- ۱۰ - همان، ص ۱۰۳۹.
- ۱۱ - «پدر پير پژوهش زنده است» محمد صحتى سردردى، هفته نامه گلستان قرآن، ش ۶، ص ۳۵.
- ۱۲ - «خزان در گلشن تحقيق» على صدرائى خوى، فصلنامه وقف ميراث جاويدان، ش ۱۲ - ۱۱.

احمد بن حمزة بن یسع اشعری قمّی

«واله ولایت»

* * *

ابوالحسن ربّانی سبزواری

جای عکس

احمد بن حمزة بن یسع اشعری قمی

در این نوشتار برآنیم با یکی دیگر از ستارگان پرفروغ حریم اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم که عاشقانه و مجدانه، عمرش را در طریق گردآوری و حفظ و نقل احادیث آل محمد صلی الله علیه و آله سپری کرد.

نام و شهرت و ولادت

در اواخر سده دوم هجری (۱) در شهر قم حمزة بن یسَع* بن عبدالله اشعری قمی، صاحب فرزندی شد که او را احمد نام نهاد. ظاهراً چون این کودک در شهر قم و در خاندان اشعری متولد شده، به اشعری قمی مشهور گشته است. البته تاریخ دقیق و بی ابهام ولادت این محدث بزرگ، معلوم نیست.

خاندان

احمد بن حمزه، در خاندانی پا به عرصه گیتی نهاد که بیشتر افراد آن، از یاران امامان بزرگوار شیعه و از محدثان فرزانه و نامور بودند؛ پدرش حمزه بن یسع قمی، یکی از راویان برجسته و مورد عنایت نخبگان تراجم بوده و از یاران امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام به شمار می آمده است. (۲) از دیدگاه بعضی از نقادان دانش تراجم، جناب حمزه از وجاهت بلندی برخوردار بوده است. (۳)

یکی از برادران احمد، به نام محمد بن حمزه، نیز در سلسله راویان اخبار اهل بیت علیهم السلام قرار دارد. کنیه احمد را ابو طاهر نوشته اند. علامه حلی درباره او چنین می نگارد: محمد بن حمزه و ابوطاهر اشعری از چهره های موجه و از یاران امام هادی علیه السلام هستند. (۴) جدّ احمد، یسع بن عبدالله، هم که در مسیر روشن تشیع گام برمی داشت، از اصحاب حضرت صادق علیه السلام به شمار می رود و روایاتی از آن سرچشمه دانش نقل کرده است. (۵) از طرف دیگر، عموی او به نام سهل بن یسع اشعری قمی نیز از راویان پرآوازه و برجسته و موجه خاندان اشعری است که از حضرت کاظم و حضرت رضا علیهما السلام روایاتی را نقل کرده است. اکثر رجال نویسان شیعه از او به نیکی یاد کرده اند. (۶)

صحبی امام

از براینده سخنان تمام رجال نویسان معروف، این نکته قطعی می نماید که جناب احمد بن حمزه، در شمار یاران امام هادی علیه السلام بوده است. شیخ طوسی در کتاب ارزشمند خود، او را در سلسله روایتگران و

یاران حضرت امام هادی علیه السلام به شمار آورده است. (۷)
مرحوم آیه الله خویی در «معجم الرجال» و علامه شوشتری در
«قاموس الرجال» نیز تصریح داشته‌اند که احمد بن حمزه، از اصحاب امام
دهم شیعیان بوده است. (۸)

شخصیت و منزلت احمد بن حمزه

از آنچه گذشت، به خوبی معلوم می‌گردد که احمد بن حمزه محدثی
ارجمند و گرانقدر بوده است. درستی این سخن هنگامی آشکار می‌شود
که حجت خدا، حضرت امام زمان علیه السلام، او را مورد تأیید و عنایت خویش
قرار داده است؛ چنان که شیخ کنتی و شیخ طوسی چنین نقل کرده‌اند:
ابو محمد رازی گفت: من و احمد بن محمد بن خالد برقی، در
عسکر- سامراء - بودیم. در این هنگام، فرستاده‌ای از طرف امام
عصر علیه السلام به سوی ما آمد و گفت: احمد بن اسحاق اشعری قمی،
ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن حمزه بن یسع، موثق و
موجه‌اند. (۹)

همه ترجمه نویسان، این روایت را نقل کرده و معتقدند که این حدیث،
منزلت بلند احمد بن حمزه را آشکار می‌سازد.
همچنین از قرائن تاریخی و احادیث شیعه بر می‌آید که احمد بن
حمزه در ارتباط با نماینده حضرت ولی عصر علیه السلام در غیبت صغرا، بوده
است. شیخ طوسی در این زمینه، اذعان دارد که:
«برای گروهی از بزرگان توقیعات و نامه‌هایی از ناحیه حضرت

حجت علیه السلام به وسیله سفیران ویژه آن حضرت می‌رسید، که از آن
گروه‌ها: محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق قمی، ابراهیم بن
محمد همدانی و احمد بن حمزه بن یسع. (۱۰)

از این کلام شیخ طوسی چند نکته روشن می‌شود: اولاً او و جمعی از
بزرگان و عالمان آن روزگار، مورد تأیید امام علیه السلام و از چهره‌های شاخص و
موجه بوده‌اند؛ ثانیاً، مردم در فراگیری مسائل دینی به آنها رجوع
می‌کرده‌اند و ثالثاً، احمد بن حمزه، در دوران غیبت صغریا در قید حیات
بوده است.

نیز از پاره‌ای روایات - که در آخر مقاله ذکر می‌شود - به دست می‌آید
که او وکیل امام هادی علیه السلام در شهر قم بوده و وجوهات شرعی را به امام
می‌رسانده است.

از طرف دیگر، از آنجا که امام علیه السلام او را در ردیف بزرگانی همچون
احمد بن اسحاق قمی، برجسته‌ترین روایتگر شیعه، قرار داده است،
نشانه دیگری از جلالت شأن و فرهیختگی این محدث نامور قمی است.
علاوه بر این، تمامی رجال شناسان، نیز از آغاز تا فرجام، احمد بن
حمزه را به عنوان محدثی مورد اعتماد و موجه یاد کرده‌اند. در اینجا به
سخنان چند تن از آنها بسنده می‌کنیم.

نجاشی در میراث مکتوب و ارزشمند خود می‌گوید:

احمد بن حمزه، چهره‌ای بسیار بسیار موجه و بلند مرتبه
است. (۱۱)

علامه حلی می‌گوید:

احمد بن حمزه چهره برجسته است. (۱۲)
سخن آخر در این زمینه، از شیخ طوسی است که چنین می‌نگارد:
احمد بن حمزه بن یسع قمی، مورد اعتماد و از وجاهت بلندی
برخوردار است. (۱۳)

استادان

احمد بن حمزه، به عنوان يك محدّث و ولایت مدار در تکاپوی
شنیدن و گردآوری سخنان اهل بیت، تلاش مقدّسی را آغاز کرد. ایشان
برای فراگیری حدیث و شنیدن کلمات امام خود، حتی از قم به سامراء
هجرت می‌کند. با وجود آن که در آن عصر دو تن از امامان بزرگوار شیعه،
حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام در این شهر به حالت تبعید و
تحت نظر حکومت ستم پیشه زمان، زندگی می‌کردند، اما او موفق به
ملاقات با امام هادی علیه السلام می‌شود و از محضر نورانی و دریای مّوّاج دانش
آن حضرت، بهره گرفته، بسیاری از مشکلات علمی و مسائل شرعی
خویش را بدین گونه حل می‌نماید. (۱۴) از این رو می‌بینیم ایشان روایات
بسیاری از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند و گاه، روایات او به صورت پرسش و
پاسخ می‌باشد.

بعد از وجود مقدس امام علیه السلام، در محضر بزرگان دانش، که هر يك
استوانه‌ای در فقه و حدیث و تقوا بودند، حاضر شد و از خرمن دانش آنان
خوشه‌ها چید. از میان استادان این محدّث بزرگ، می‌توان افراد ذیل را نام
برد:

۱. ابان بن عثمان؛ ۲. حسین بن مختار؛ ۳. یاسر خادم قمی؛ ۴. محمد بن خَلَف؛ ۵. زکریّا بن آدم قمی؛ ۶. محمد بن خالد برقی قمی؛ ۷. مرزبان بن عمران قمی.
همان طور که ملاحظه می‌شود، بعضی از این راویان، در شمار بزرگان حدیث هستند. (۱۵)

دانش آموختگان از محضر استاد

احمد بن حمزه، با تلاش و جدّیت و تحمل رنج سفر، توانست به درجات بلندی از موقعیت علمی برسد؛ به گونه‌ای که گروهی از شیفتگان روایات اهل بیت، پروانه وار به گرد شمع وجود او جمع شده و از این سرچشمه زلال بهره‌ها بردند. در اینجا نام جمعی از این دانش اندوختگان را ذکر می‌کنیم:

۱. محمد بن احمد بن یحیی؛ ۲. علی بن مهزیار اهوازی؛ ۳. محمد بن عیسی غبیدی؛ ۴. حسین بن سعید اهوازی؛ ۵. عبدالله بن جعفر حمیری قمی؛ ۶. سعد بن عبدالله قمی. (۱۶)

بر اهل نظر پوشیده نیست که وجود افرادی مانند علی بن مهزیار و عبدالله بن جعفر و سعد بن عبدالله، در میان شاگردان احمد بن حمزه نشانه شخصیت بلند مرتبه او است.

اثر قلمی

با وجود آن که، از این محدّث دانشمند اخبار زیادی در منابع اصیل

روایتی شیعه، نقل شده است، اما گویا ایشان به جز کتاب «النوادر» که تمام بزرگان به ایشان نسبت داده‌اند، کتاب دیگری نداشته است. از این کتاب شیخ نجاشی و آقا بزرگ تهرانی در کتاب گرانسنگ خود، نام برده‌اند. (۱۷)

غروب ستاره

احمد بن حمزه اشعری قمی بعد از تلاش‌های بی وقفه و مستمر خویش در راه روشن و سعادت آفرین مذهب اهل بیت، تا آخرین لحظه از عمر با برکت خود از نشر حدیث و ترویج مکتب ناب تشیع دست نکشید؛ ولی چنان که سرنوشت محتوم هر انسانی هجرت از این جهان مادی است، او نیز روزی جان به جان آفرین تسلیم کرد و روح مقدس او به سوی بهشت پرکشید. این که در کدامین سال و کدامین سرزمین از دنیا رفت، نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد؛ گو این که ظاهراً او در نیمه دوم سده سوم هجری رحلت کرد و امکان دارد او هم مانند دهها و صدها محدث قمی، در این شهر دانش پرور آرمیده باشد.

گزیده‌ای از روایت

این بزرگوار روایات فراوانی نقل کرده است که برخی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم.

زکات به شیعیان

عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن حمزه قمی روایت می‌کند که:

از امام هادی علیه السلام پرسیدم: مردی از شیعیان شما، قوم و قبیله‌ای دارد که همه آنان از شیعیان شما به شمار می‌روند؛ آیا می‌شود تمام زکات مال را به آنها داد؟ امام در پاسخ فرمود: بله. (۱۸)

ذبیحه مخالفان تشیع

احمد بن حمزه از زکریا بن آدم روایت می‌کند که امام هادی علیه السلام فرمود: من تو را نهی می‌کنم از ذبیحه هر کسی که مخالف و معاند با عقاید شما شیعیان است، مگر در هنگام ضرورت و ناچاری. (۱۹)**

وضوی پیامبر اسلام

احمد بن حمزه از ابان بن عثمان و او از حضرت امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

امام علیه السلام روزی به ابان فرمود: آیا برای تو بگویم که رسول خدا چگونه وضو می‌گرفتند؟ در این هنگام امام علیه السلام با کف دست خود مقداری آب برداشت و به صورت خود ریخت. دوباره مقداری آب برداشت و بر دست راست خود ریخت و بعد با مقداری آب دست چپ را شست. سپس سر و پاها را مسح کرد و در مسح پاها، دست‌ها را بر روی پاها کشیدند و فرمودند: اینجا کعب است. (۲۰)

وکالت در اخذ اموال

علی بن مهزیار از احمد بن حمزه نقل می‌کند:

به حضرت امام هادی علیه السلام گفتم: در شهر ما چه بسا افرادی اموالی برای آل محمد صلی الله علیه و آله وصیّت می‌کنند و آن اموال را نزد من می‌آورند. من دوست دارم آن اموال را با اذن شما، به خدمت شما

بیاورم. امام فرمود: نزد من نیاور و خود را در معرض خطر دشمنان قرار مده. (۲۱)

رفتار با مخالفان

احمد بن حمزه با واسطه از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: در روزگاری که حکومت در دست بچه‌ها (و افراد کم سن و سال)

است، با مخالفان ما معاشرت کنید؛ اما در دل با آنان مخالفت ورزید. (۲۲)***

صید با سگ شکاری

با واسطه از محمد بن مسلم روایت می‌کند که:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: هنگامی که گروهی از شکار چپان به شکار می‌روند، و در حالی که سگ شکاری برای یکی از آنان است؛ در صورتی که صاحب سگ، او را به سوی شکار بفرستد، ولی یکی دیگر از شکارچیان نام خدا را بر زبان جاری می‌کند؛ آیا در این صورت، شکار حلال است؟ امام فرمود: باید صاحب سگ، نام خدا را بر زبان جاری کند تا شکار حلال شود و الا حرام خواهد بود. (۲۳)

شهادت دادن زنازاده

همچنین با واسطه از ابو بصیر روایت می‌کند که:

از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم: آیا شهادت فرزند زنا قبول است؟ امام در پاسخ فرمود: نه. به امام گفتیم: «حکم»*** گمان می‌کند که شهادت دادن او در

محضر قاضی جایز است. امام حکم را نفرین کرد و فرمود: بارخدا یا!
گناهانِ حکم را نبخش. (۲۴)

پی نوشت ها:

- * «یَسَع» نام یکی از قبایل معروف یمن است. در قرآن نام «الیاس» و «یَسَع» ذکر شده است و در «تاج العروس» آمده: «یَسَع» اسم پیامبری از فرزندان حضرت هارون، برادر موسی علیه السلام، است. (تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۰۲).
- ** قال ابو الحسن علیه السلام: اثنى انهارك عن ذبيحة كل من كان على خلاف الذى انت عليه و اصحابك الا فى وقت الضرورة اليه.
- *** خالطوهم بالبرانية و خالفوهم بالجوانية اذا كانت المرأة صنيانية.
- **** حكم بن غيثة، زیدی مذهب و از فقهاء اهل سنت بود.
۱. رجال نجاشی، جامعه مدرسين قم، ص ۹۰، شماره ۲۲۴؛ رجال شيخ طوسي، ص ۴۰۹؛ رجال ابن داود، ص ۳۷؛ الرجال تفرشی، ص ۲۱؛ مجمع الرجال، عنايت الله قهپايی، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بهجة الأمال، ج ۲، ص ۵۹؛ الجامع فی الرجال، ص ۱۱۳؛ قاموس الرجال، جامعه مدرسين قم، ج ۱، ص ۴۵۹؛ الذريعة، ج ۲۴، ص ۳۲۰؛ تهذيب المقال، سيد محمد ابطحي اصفهانی، ج ۳، ص ۳۲۹؛ رجال بو علی حائری، مؤسسه آل البيت، ج ۱، ص ۲۶۱؛ معجم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶؛ تنقيح المقال، ج ۱، ص ۶۰؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۴۹؛ خلاصة الاقوال، علامه حلی، ص ۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۲۷؛ معجم الثقات، ص ۸ و غيبة الطوسي، نینوا، ص ۲۵۸.
 ۲. رجال شيخ طوسي، ص ۱۷۸ و ۳۴۷.
 ۳. تنقيح المقال، ج ۱، ص ۲۷۶.
 ۴. خلاصة الاقوال، ص ۱۸۷؛ مجمع الرجال، ج ۵، ص ۲۰۳ و تنقيح المقال، ج ۳، ص ۱۱۵.
 ۵. تنقيح المقال، ج ۳، ص ۳۲۹.
 ۶. رجال نجاشی، داوری، ص ۱۳۲؛ رجال طوسي، ص ۳۳۷ و لمعه دمشقيه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۱۴۱.
 ۷. رجال طوسي، ص ۴۰۹.
 ۸. معجم الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶ و قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۵۹.
 ۹. رجال کشی، مؤسسه آل البيت، ج ۲، ص ۸۳۱؛ غيبة شيخ طوسي، ص ۲۵۸ و بحار الانوار، بيروت، ج ۵۱، ص ۳۶۳.

١٠. غيبة طوسي، ص ٢٥٨.
١١. رجال نجاشي ص ٢٢٩.
١٢. خلاصه علامه، ص ١٤.
١٣. رجال طوسي، ص ٤٠٩.
١٤. فروع كافي، ج ٣، ص ٥٥٢ و تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٨٠.
١٥. جامع الروات، ج ١، ص ٤٩؛ الجامع في الرجال، ص ١١٣ و معجم الرجال، ج ٢، ص ١٠٦.
١٦. جامع الروات، ج ١، ص ٤٩ و معجم الرجال، ج ٢، ص ١٠٦.
١٧. الذريعة، ج ٢٤، ص ٣٢٠؛ رجال نجاشي، داوري، قم، ص ٦٦ و تنقيح المقال، ج ١، ص ٦٠.
١٨. من لا يحضره الفقيه، مكتبة صدوق، ج ٤، ص ٢٣٩.
١٩. تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٨٠، حديث ٣٣.
٢٠. همان، ج ١، ص ٧٨، حديث ٣٩.
٢١. همان، ج ٧، ص ٥٨، حديث ٣.
٢٢. اصول كافي، ج ٢، ص ٢٢٠، حديث ٢٠.
٢٣. تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ٣٢، حديث ١٠٢.
٢٤. همان، ج ٦، ص ٢٧٦، حديث ١٠٢.

حاج شیخ محمد علی حایری قمی

«استاد دانشوران»

* * *

ناصر الدین انصاری

جای عکس

آیت الله

حاج شیخ محمد علی حایری قمی

از دیر باز فقیهان و محدثان شهر قم در حفظ معارف اهل بیت علیهم السلام و تعمیق باورهای دینی مردم شیعه سهمی به سزا داشته‌اند و در این راه، هر گونه رنجی را به جان خریده‌اند. یکی از آنان، که برای گسترش علوم اهل بیت علیهم السلام سر از پای نمی‌شناخت، مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی حائری قمی است، که در این مقال به اجمال، زندگی‌اش را بررسی می‌کنیم.

ولادت و تحصیلات

آیه الله حائری قمی، در سال ۱۲۹۱ ق. (۱) در قم زاده شد. در ایام نوجوانی خواندن و نوشتن و قرآن مجید را در مکتب خانه فرا گرفت؛ سپس به آموختن علوم دینی روی آورد و در محضر علمای بزرگ قم،

ادبیات و سطوح فقه، اصول و حدیث را به خوبی فرا گرفت.

اساتید وی در قم، عبارتند از آیات عظام:

۱. حاج میرزا محمد ارباب قمی (۱۲۷۳-۱۳۴۱ ق)، صاحب «اربعین الحسینیة» و «تشید البیان».

۲. حاج سید صادق قمی (۱۲۵۳ - ۱۳۳۸ ق)، صاحب «کتاب الزکاة».

۳. شیخ محمد حسن نادی قمی (م: ۱۳۱۷ ق).

۴. شیخ محمد حسن وزوایی قمی (م: ۱۳۱۰ ق).

۵. شیخ محمد حسین پایین شهری قمی (معروف به متکلم).

۶. میرزا ابو القاسم طباطبایی قمی (م: ۱۳۳۳ ق)، برادر آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی.

۷. ملا علی اکبر قمی (م: حدود ۱۳۱۴ ق).

شوق آموختن و ترک وطن

روح جستجوگر و اشتیاق فراوان آیه الله حایری به آموختن، موجب شد که ایشان مسافرت‌های متعددی به مراکز علم و دانش کند. از این رو به شهرهای تهران، نجف، سامرا و کربلا هجرت کرد و از اساتید معروف و مبرز آن سامان بهره گرفت. در این قسمت، به ترتیب در شهرهایی که ایشان رحل اقامت افکند، اشاره می‌کنیم.

الف) تهران:

مرحوم آیه الله حایری قمی، در حدود سال ۱۳۱۳ ق، رهسپار تهران شد و از محضر آیات عظام: حاج میرزا محمد حسن آشتیانی (م: ۱۳۱۹

ق) و مرحوم میرزا ابوطالب زنجانی (م: ۱۳۲۹ ق)، سطوح عالی فقه و اصول را به خوبی فرا گرفت. (۲)

ب) نجف:

ایشان پس از ۵ سال اقامت در تهران، در سال ۱۳۲۸ ق، راهی نجف شد و در درس‌های اساطین حوزه علمیه نجف شرکت جست و به تقریر درس آنان پرداخت. اساتید ایشان در نجف عبارتند از آیات عظام:

۱. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، صاحب کتاب‌های «حاشیه بر رسائل»، «کفایة الاصول» و «شرح تبصرة المتعلمين».

۲. حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق)، صاحب کتاب‌های «مصباح الفقيه فی شرح شرايع الاسلام» و «حاشية المكاسب».

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (م ۱۳۳۷ ق)، صاحب کتاب‌های «منجزات المریض»، «صلاة الاحتیاط» و «عروة الوثقی».

۴. شیخ هادی بن محمد امین تهرانی (م ۱۳۲۱ ق)، صاحب کتاب‌های «محجة العلماء»، «تفسیر آية النور» و «ودایع النبوة».

او در میان اساتید خود، بیشتر دلبسته آخوند خراسانی بود. لذا بیشترین استفاده را از محضر شریف وی برد و تقریرات درس اصول (قطع و ظن، برائت و استصحاب) وی را به زیبایی به رشته تحریر درآورد. (۳)

ج) سامرا:

آية الله حایری قمی پس از شش سال اقامت در نجف، در سال ۱۳۲۴ ق، همزمان با اوج‌گیری نهضت مشروطه، رهسپار سامرا گردید تا از

محضر آية الله العظمى ميرزا محمد تقى شيرازى بهرهمند شود. در سامرا مورد اكرام و احترام بسيار ميرزا قرار گرفت و ضمن شركت در مجلس درس استاد، خود به تدريس سطوح پرداخت.

با شروع جنگ جهانى اول، كه سامرا محل تجمع لشكر عثمانى و پادگان نظامى گرديد، درسهاى حوزه تعطيل شد و ميرزاى شيرازى به كربلا مهاجرت نمود. به اين علت، آية الله حائرى به كاظمين كوچ كرد و مدت ها از محضر آية الله سيد حسن صدر كاظمى (م ۱۳۵۴ ق) بهره برد؛ (۴) اما پس از مدتى، بنا به دعوت استادش، به كربلا هجرت كرد. (۵)

د) كربلا:

آية الله حائرى در سال ۱۳۳۶ ق، به كربلا هجرت كرد و از آنجا كه بسيار مورد توجه و اطمينان ميرزاى شيرازى بود، مرحوم ميرزاى دوم، احتياطات خويش را بدو ارجاع نمود. (۶)

پس از وفات استاد بزرگوارش در سال ۱۳۳۸ ق، در صحن حرم مطهر امام حسين عليه السلام، به جاى ميرزاى شيرازى به اقامه جماعت پرداخت و به اين ترتيب در حوزه هاى علمى شيعه، شهرت يافت. (۷)

وى علاوه بر اقامه جماعت، به تدريس و تاليف و وعظ و ارشاد هم اشتغال داشت و از علمائى بزرگ كربلا به شمار مى رفت. (۸)

بزرگشت به قم

آية الله حائرى قمى، در سال ۱۳۴۹ ق كه پنجاه ساله بود، به قصد زيارت مرقده مطهر حضرت امام رضا عليه السلام، به سوى ايران حركت كرد. در

مشهد مقدس، چندی نزد مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی میهمان بود.

مرحوم طباطبایی قمی، وی را به بازگشت به زادگاهش - که در آن زمان دارای حوزه‌ای باشکوه و آبرومند گردیده و از طرفی با توطئه‌های گوناگون رژیم پهلوی برای تضعیف و نابودی آن، رو به رو بود. - بسیار ترغیب نمود. این عوامل باعث شد که ایشان در همان سال، به قم بازگردند و به درخواست زعیم حوزه، آیه الله العظمی حائری یزدی، در قم ماندگار شود و به خدمات دینی بپردازد. (۹)

تدریس

برنامه مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد علی حائری قمی از همان اوان ورود به قم، این بود که شب‌ها به اقامه نماز در مدرسه فیضیه و پس از نماز به تدریس خارج فقه و اصول می‌پرداخت.

در این زمینه سید علی رضا ریحان یزدی می‌نویسد:

«... معظم له از علمای نجف اشرفند و به تازگی به وطن اصلی خود مراجعت کرده‌اند. شب‌ها بعد از نماز، در مدرسه فیضیه، مجلس درسشان منعقد می‌شود و تخصص جناب ایشان، در علم اصول است.» (۱۰)

علامه تهرانی هم می‌فرماید:

«... وی شأن و جایگاهی بلند در حوزه داشت و طلاب به وی، علاقه فراوان و به درس و بحثش، شوق بسیار داشتند...» (۱۱)

مرحوم ناصر الشریعه هم می‌نویسد:
«... وی از بزرگان علما و مدرسین این سرزمین بود... جماعتی
زیاد به درس و نماز او حاضر می‌شدند...» (۱۲)

شگردان

برخی از شاگردان آن فقیه بزرگ، که در «آینه دانشوران» آمده است، عبارتند از حضرات آیات:

۱. شیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی.
۲. شیخ مرتضی انصاری قمی (۱۳۲۲-۱۳۹۱ ق).
۳. حاج سید سجاد علوی گرگانی (۱۳۲۲-۱۴۰۷ ق).
۴. شیخ محمد فکور یزدی.
۵. شیخ محمد باقر شریعتی اصفهانی.
۶. سید مرتضی علوی فریدنی.
۷. سید مهدی هاشمی شاهرودی.
۸. شیخ عباس صفایی حایری قمی، فرزند معظم له، (۱۳۳۲ - ۱۳۹۹ ق).
۹. میرزا عباس مستقیم قمی.
۱۰. شیخ یحیی فاضل همدانی.
۱۱. میرزا علی اصغر شفیعی همدانی.
۱۲. میرزا محسن ضیایی همدانی.
۱۳. شیخ محمد باقر سعیدی رانکوهی.

۱۴. شیخ عبد الرحیم تنکابنی.
۱۵. شیخ ابو القاسم فروغی شاهرودی.
۱۶. شیخ محمد رفیعی طالقانی.
۱۷. سید حسین بحرینی.
۱۸. سید محمد ابو هاشم رشتی.
۱۹. سید شفیع واحدی رشتی.
۲۰. شیخ محمد تقی لنگرودی املشی.
۲۱. آقا محمد کاجی همدانی.
۲۲. سید محمد باقر سلطانی طباطبایی (۱۳۳۲-۱۴۱۸ ق).

تألیفات

- آن فقیه بزرگ، به جز تدریس و تربیت شاگردان، دارای تألیفات بسیاری در فقه و اصول است که عبارتند از:
۱. «مختارات الاصول» یک دوره اصول به سبک جدید است و در دو جلد به چاپ رسیده است. (۱۳)
 ۲. «حاشیه برگزیده» (دو جلد و مطبوع سال ۱۳۴۴ ق). این حاشیه بر آمده از درس اصول میرزای شیرازی و آخوند خراسانی است. (۱۴)
 ۳. «رد بر وهابیت» (چاپ شده). (۱۵)
 ۴. «تقریرات درس اصول آخوند خراسانی» (اصول عملیه). (۱۶)
 ۵. «اجتهاد و تقلید» این کتاب همراه با «مختارات الاصول» به چاپ رسیده است. (۱۷)

۶. «تعال و تراجیح» که همراه با «مختارات الاصول» به چاپ رسیده است. (۱۸)
 ۷. «رساله در بطلان ترتب». (۱۹)
 ۸. «كتاب الطهارة». (۲۰)
 ۹. «كتاب الصلاة». (۲۱)
 ۱۰. «كتاب الزكاة». (۲۲)
 ۱۱. «كتاب الخمس». (۲۳)
 ۱۲. «شرح استدلالی تبصرة المتعلمين»؛ (۲۴) که ظاهراً همان کتاب‌های فقهی بالا باشد.
 ۱۳. «رسالة فی الرضاع» که اتمام آن، در سامرا، در سال ۱۳۲۶ ق. بوده است. (۲۵)
 ۱۴. «رسالة فی العدالة». (۲۶)
 ۱۵. «رسالة فی الوقف». (۲۷)
 ۱۶. «رسالة فی العصمة»: این نوشتار، پیرامون عصمت امامان بوده و آن را در ۱۳۴۳ ق، تألیف کرده است. (۲۸)
- این قبیل کتاب‌ها باعث شد تا آن مرحوم، پس از وفات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حایری از سوی برخی، به عنوان مجتهد اعلم مورد توجه و عنایت قرار گیرد (۲۹) و چشم‌های حوزه علمیه برای زعامت حوزه و مرجعیت شیعه، به سوی وی متوجه شود؛ اما افسوس که اجل بدو مهلت نداد و چندی پس از درگذشت آیه الله حایری، او هم بدرود زندگی گفت. (۳۰)

از مرحوم آیه الله حایری قمی، به جز تألیفات و شاگردان فراوان، آثار دیگری هم بر جای مانده است؛ از جمله: «مسجد نو» در مقابل قبرستان شیخان کبیر قم. این مسجد که اخیراً به صورت زیبایی تجدید بنا شده است، در یکی از نقاط پر رفت و آمد، نزدیک حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرار گرفته و هماره آکنده از نمازگزاران مقیم و مسافر است.

ویژگی‌های شخصی

معظم له، عالمی عامل بود و مصداق کامل توفیق شریف «و اما من کان

من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام ان

يقلدوه» به شمار می‌آمد. از حیث مقام علم و دانش، زهد و تقوا در

مرتبه‌ای بلند قرار داشت (۳۱) و از ریاست و مرجعیت دوری می‌جست. لذا از حاشیه بر کتاب‌های فتوایی خودداری کرد و با این که گروهی بسیار به او روی آوردند، اما خود را در معرض تقلید مردم قرار نداد. (۳۲) او به فرزندش می‌فرمود:

فرزندم! آیه‌ای در قرآن است که کمرشکن است و آن، آیه

مبارکه «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في

الارض ولا فسادا و العاقبة للمتقين» می‌باشد که خداوند

متعال، آخرت را برای کسانی قرار داده که فکر و خیال ریاست و بزرگی را در سر نداشته باشند.

وفات

آیه الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی، پس از درگذشت ز عیم حوزه علمیه آیه الله حاج شیخ عبد الکریم، بیش از سه سال زنده نماند و در این مدت هم، مبتلا به کسالت قلبی و بیماری استسقاء بود تا این که در ۶۷ سالگی، در دوشنبه، ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۵۸ ق (برابر با ۱۳۱۸ ش) دار فانی را بدرود گفت.

به دنبال اعلام خبر وفاتش، تمام شهر و حوزه علمیه تعطیل شد و پیکر او به صورت باشکوهی تشییع شد. جسد مطهر آن فقیه ربانی، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام، در جانب بالای سر آیه الله حایری، به خاک سپرده شد. مجالس بزرگداشت وی، نخست از سوی آیه الله حجت و سپس از طرف آیه الله صدر و سومین روز، از جانب آیه الله سید محمد تقی خوانساری برگزار شد و آن گاه طبقات و اصناف دیگر ختمهای متعدد گرفتند. (۳۳)

همان گونه که زندگی آن مرد بزرگ موجب برکت برای حوزه علمیه بود، وفاتش نیز برکاتی را فراهم آورد؛ زیرا قرار بود در همان ایام وفات ایشان از سوی رژیم طاغوتی رضاخان، از طلاب حوزه علمیه قم، امتحان گرفته شود تا به بهانه امتحان، حوزه علمیه از میان برداشته شود؛ اما با درگذشت آن مرحوم، امتحان دولت در آن سال به تأخیر افتاد و در سالهای بعد هم، به کلی بساط امتحان برچیده شد. (۳۴)

بزمندگان

از آن فقیه بزرگ، فرزندان بر جای ماند که مشهورترین آنها مرحوم

آية الله حاج شيخ عباس صفایي حایري (۱۳۲۲- یکشنبه ۴ ذی الحجة الحرام ۱۳۹۸ ق)، از علمای قم است. وی در سامرا متولد شد و تحصیلات خویش را نزد پدر بزرگوارش و آية الله العظمی حایري فرا گرفت و پس از وفات پدرش، به جای آن مرحوم در مسجد نو، اقامه جماعت نمود و کتابهای بسیار به رشته تحریر درآورد و در ضمن به تدریس فقه و اصول مشغول بود؛ از جمله کتاب هایش:

۱. تاریخ مجاهدات پیامبر اکرم؛ ۲. تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر؛
۳. تاریخ امیرالمؤمنین؛ ۴. تاریخ حضرت سید الشهداء علیه السلام، (در ۲ جلد). (۳۵)

از کتابهای غیر چاپی ایشان هم میتوان از: «حاشیه بر عروه»، «کتاب الطهارة»، «کتاب الصلاة»، «کتاب الخمس» و «اصول الفقه» نام برد. فرزند دیگر ایشان، مرحوم استاد حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی صفایي حایري بود که از شاعران و فضلاي مشهور حوزه علمیه قم به شمار میرفت. وی نیز از شاگردان پدر بزرگوارش بود و کتابهای بسیاری نگاشت و طلاب فراوانی را پرورش داد. وی در ۴۸ سالگی، در ۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۰ در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در اثر تصادف، بدرود حیات گفت. (۳۶)*

پی‌نوشت‌ها:

* ر.ک: ستارگان حرم، ج ۱۰، زندگینامه مرحوم علی صفایي حایري.
 ۱ - الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۷ و آینه دانشوران، ص ۷۸ (و یا متولد سال ۱۲۹۹ ق ر.ک):

- آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۱۶ و رجال قم، ص ۱۵۳).
- ۲ و ۳ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۴ - الذريعة، ج ۲۰، ص ۱۶۷.
- ۵ و ۶ - آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۱۶.
- ۷ - تاریخ قم، ص ۲۸۲.
- ۸ و ۹ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۱۰ - آینه دانشوران، ص ۷۹.
- ۱۱ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۱۲ - تاریخ قم، ص ۲۸۳.
- ۱۳ - الذريعة، ج ۲۰، ص ۱۶۷.
- ۱۴ - همان، ج ۶، ص ۱۸۸.
- ۱۵ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۸.
- ۱۶ - همان، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۱۷ و ۱۸ - الذريعة، ج ۲۰، ص ۱۶۷.
- ۱۹ - مع علماء النجف، ج ۲، ص ۴۳۷.
- ۲۰ تا ۲۲ - همان، به نقل از نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۲۳ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۲۴ - رجال قم، ص ۱۵۳ و تاریخ قم، ص ۲۸۳.
- ۲۵ - الذريعة، ج ۱۱، ص ۱۹۲.
- ۲۶ و ۲۷ - نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۶۹.
- ۲۸ - الذريعة، ج ۱۵، ص ۲۷۳.
- ۲۹ - گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۳۵.
- ۳۰ و ۳۱ - آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۱۶.
- ۳۲ - میراث اسلامی ایران، ج ۱۰، ص ۱۲۷.
- ۳۳ و ۳۴ - آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.
- ۳۵ - همان، ج ۲، ص ۵۵؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۱۸۹؛ آینه دانشوران، ص ۲۵۳ و رجال قم، ص ۱۲۵.
- ۳۶ - مجله آینه پژوهش، ش ۵۹، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

منبع:

۱. آثار الحجة يا تاريخ و دائرة المعارف حوزة علميه قم، محمد شريف رازی، قم، کتابفروشی برقی، ۱۳۳۲ ش، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
۲. آينه دانشوران، سيد عليرضا ريحان يزدي، پاورقی و اضافات: ناصر باقری بيدهندي، قم، کتابخانه آيت الله مرعشي، ۱۳۷۲ ش، ص ۷۸ و ۷۹.
۳. الاجازة الكبيرة، آيت الله سيد شهاب الدين مرعشي نجفی، تدوين: محمد سمایی حایري، قم، کتابخانه آيت الله مرعشي، ص ۲۰۶.
۴. تاريخ قم، محمد حسين ناصر الشريعة، پاورقی و اضافات: علی دواني، قم، دارالفکر، ۱۳۴۲ ش، ص ۲۸۲.
۵. الذريعة الى تصانيف الشيعة، علامه شيخ آقا بزرگ تهرانی، بيروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق. (مجلدات مختلف)
۶. رجال قم، سيد محمد مقدس زاده، تهران، چاپخانه مهر ايران، ۱۳۳۵ ش، ص ۱۵۳.
۷. گنجينه دانشمندان، محمد شريف رازی، تهران، کتابفروشی اسلاميه، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۳۳۵.
۸. مع علماء النجف، سيد محمد غروي، بيروت، دارالتقنين، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۴۳۷.
۹. معجم رجال الفكر و الادب في النجف خلال الف عام. محمد هادی اميني نجفی، ج ۳، ص ۱۰۱۴.
۱۰. معجم المؤلفين العراقيين، كودكيس عواد، ج ۳، ص ۲۱۷.
۱۱. معجم المطبوعات النجفية، محمد هادی اميني نجفی، ص ۱۴۵ و ۲۸۶.
۱۲. نقيب البشر في القرن الرابع عشر، شيخ آقا بزرگ تهرانی، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۳۶۸.

حاج میرزا علی احمدی میاجی

«فقیه اخلاقی»

* * *

عبدالرحیم اباضری

جای عکس

آیت الله

حاج میرزا علی احمدی میانجی

اجداد

مرحوم آخوند ملاعلی، جد دوم آیت الله احمدی میانجی به شمار می‌آید. او در روستای جهندنیر، از توابع شمالی شهرستان میانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همان جا سپری کرد. سپس جهت تحصیل علوم دینی، راهی حوزه علمیه تبریز شد. با فقر و تنگدستی شدید به تحصیلات حوزوی پرداخت. چون خط خوشی داشت، به ناچار با خطاطی و استنساخ متون درسی حوزه، بخشی از نیازهای مادی خود را تأمین می‌ساخت. وی با وجود مشکلات مادی، تا حدودی توانست به مراتب خوبی از علوم اسلامی دست یابد؛ چنان که در رشته‌هایی مانند:

ادبیات عرب، معانی و بیان، فقه و اصول زحمات زیادی کشید و در بُعد اعتقادی به کتاب «عدة الداعی و نجاح الساعی» علامه حلی حاشیه زد و درباره امامت نیز جزوه‌های نوشت.

او مدتی بعد به زادگاه خود بازگشت و در منطقه گرمرود و روستاهای آن، به تبلیغ دین و خدمت به مردم پرداخت. تا این که يك سال به دلایل نامعلومی به منطقه «اوچ تپه» از توابع غربی شهرستان میانه به روستای «پورسخلو» رفت. رفتار و کردار و فعالیت‌های وی، با استقبال و پسند مردم آن روستا مواجه شد و به درخواست آنان، مرحوم ملاعلی برای همیشه در آن روستا ماندگار گردید و همت خود را در جهت رسیدگی به امور مذهبی و رفع مشکلات روزمره مردم معطوف ساخت.

او در رفتار و کردار و در عبادت و بندگی سرمشق بود؛ چنان که مردم منطقه به شدت تحت تأثیر این بُعد از شخصیت وی قرار گرفتند و پس از درگذشت آن عالم ربانی، محل عبادت و سکونت او را مورد تبرک و نذر و نیاز خود قرار دادند.

از وی دست نوشته‌هایی ارزشمند به صورت استنساخ از کتاب «شرح لمعه»، «شرایع الاسلام» و قسمتی از «تفسیر صافی» به جای مانده است. مرحوم ملاعلی، دو فرزند پسر به نام‌های محمود و احمد داشت، که هر دو راه پدر را پیش گرفتند و به تحصیل علم و دانش روی آوردند و در تبلیغ دین و هدایت مردم منطقه، نقش به سزایی داشتند.

حجة الاسلام و المسلمین شیخ احمد فرزند کوچک پدر (جدّ اول آیت الله احمدی میانجی)، بیش از برادر بزرگش محمود به فراگیری علوم

اسلامی علاقه نشان داد. لذا به آموخته‌های خود در خدمت پدر بسنده نکرد و به حوزه علمیه تبریز هجرت نمود. با تلاش پی‌گیر خود به مراتب بالایی از علوم و فضایل اخلاقی رسید؛ به طوری که پس از بازگشت به روستای خود، مردم میانه از وی خواستند که بدانجا هجرت کند؛ اما او به دلایلی منطقه و زادگاه خود را مقدم داشت و در آنجا، علاوه بر رسیدگی به امور مذهبی، سیاسی و اجتماعی مردم، به کشاورزی نیز اشتغال داشت. او پس از سال‌ها تلاش و خدمت در سال ۱۳۳۶ ه. ق درگذشت.^(۱)

پرومادر

ثقة الاسلام ملاحسینعلی احمدی (فرزند حجة الاسلام شیخ احمد)، پدر آیت الله احمدی میانجی است. او در همان روستای پورسخلو به دنیا آمد. پس از دوران کودکی با تشویق و همت پدر در سال ۱۳۳۱ ق، رهسپار حوزه علمیه تبریز شد. حدود پنج سال در آن مرکز علمی به تحصیل پرداخت و از محضر اساتیدی مانند آیت الله آقا میرزا خلیل مجتهد تا سطح شرح لمعه فیض برد. همزمان با درگذشت پدر که مصادف با سال ۱۳۳۶ بود، به منطقه بازگشت و به جای پدر مسئولیت رهبری و هدایت مردم را بر دوش گرفت. چون از روحیه اجتماعی خوبی برخوردار بود، در مدت کوتاهی توانست به امور تبلیغی، فرهنگی و مذهبی توسعه و کارایی بیشتر و بهتر بدهد. قدرت و نفوذ معنوی وی در منطقه به قدری چشمگیر بود که افراد شرور و خوانین از برخوردهای صریح و ظلم ستیز او در

هراس و اضطراب بودند و هرگز نمی‌توانستند پای خود را از گلیم خویش
بیشتر دراز کنند؛ چنان که نقش تاریخی وی در غائله آذربایجان در سال
۱۳۲۵ ش، در جهت هدایت مردم و مبارزه آنان با مسلک کمونیستی بر
کسی پوشیده نیست. (۲)

آیت الله احمدی میانجی، در یادداشت‌های پراکنده خود ویژگی‌های
اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی پدر را چنین بیان می‌کند:

«... مادرم از فرزندان حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مرحوم پدرم طبق
نوشته خودش، که در آخر جلد دوم «شرح لمعه» آمده، در سال
۱۳۳۵ ق «شرح لمعه» می‌خوانده است و در سال ۱۳۳۶ ق. که
قحطی بزرگ اتفاق افتاد و پدرم ترك تحصیل نموده و مشغول تبلیغ
و خدمت در محل شده است. پدرم خود زارع بود و کشاورزی داشت.
خود در باغ‌ها در آبیاری کردن و حفر چشمه‌ها و درختکاری، و وقت
خرمن کوبیدن گندم، کار می‌کرد و هر سال زکات و خمس می‌داد.
در ایام ماه رمضان و محرم منبر می‌رفت و در طول سال به
کارهای شرعی مردم، تبلیغ احکام، رفع منازعات و اصلاح
بین‌الناس می‌پرداخت. به حضرت امام حسین علیه‌السلام علاقه خاصی
داشت. گاهی تنها برای خودش روضه می‌خواند و گریه می‌کرد.
حتی در صحرا و در باغ، هنگام کارکردن، و در مجالس مختلف که
برای مردم صحبت می‌نمود، در آخر روضه می‌خواند.
من در ایشان حرص بر دنیا، و حسد به هم نوع ندیدم؛ بلکه بر
عکس، خدمت به هم نوع و احترام را لازم می‌دید و در رفع حوائج

مردم کوشش می‌کرد...»

او در اواخر عمر، به شهر میانه رفته و در همانجا ماندگار شد. بعد از اندکی در سال ۱۳۵۱ ش، چشم از جهان فرو بست. پیکر این عالم پرتلاش به شهر قم انتقال داده شد و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

تولد و تحصیل

آیت الله علی احمدی میانجی، چهارم محرم الحرام ۱۳۴۵ ه. ق (۱۳۰۶ ش) در روستای پورسخلو دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کاملاً تربیت اسلامی یافت. وی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشآت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود.

استاد دلسوز

سال ۱۳۵۸ ه. ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. این روحانی ربّانی، مرحوم حضرت آیت الله آقا میرزا ابومحمد

حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت الله آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود. (۳) او با مشورت و هدایت آیت الله حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت الله احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

آیت الله احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت الله حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.

استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. آیت الله میانجی با اشاره به همین زحمات استاد می‌نویسد: «... انصافاً ایشان در راه تحصیل حقیر، بسیار زحمت کشیده‌اند. جزاه الله خیر...»

بنا به نوشته آیت الله احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را

می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد. او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت الله آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجة الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید.

دومین راهنما

آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی دومین استاد وی در میانه به شمار می‌آید. حاج شیخ لطفعلی، برادرزاده آیت الله میرزا رضی زنوزی تبریزی است. در نجف اشرف از محضر آیات عظام: نایینی، ایروانی و کاشف الغطا استفاده شایان برد و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد. وی مجتهدی مسلم و از علمای بزرگ تبریز محسوب می‌شد؛ اما به دلیل آن که در شهر میانه ساکن بود، قدر و منزلت وی در محافل علمی شناخته نشد. ضمناً ایشان در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. (۴) به هر حال ایشان نیز با مشاهده استعداد و ضمیر پاک آیت الله احمدی به گوهر وجودی او پی‌برد. لذا برای جلوگیری از ضایع شدن استعداد

شاگردش، توقف بیش از پنج سال در حوزه میانه را به صلاح وی ندانست. بدین جهت به آیت الله احمدی پیشنهاد کرد که هر چه زودتر به یکی از حوزه‌های قوی و مهم هجرت کند. آیت الله احمدی، این پیشنهاد را چندان جدی نگرفت؛ ولی آیت الله زنوزی که موضوع را همچنان پی‌گیری می‌کرد، با مساعدت آیت الله حجتی، وی را به این مهم ملزم ساخت. نامه‌ای به علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان)، که در تبریز بود، نوشت و از ایشان خواست تا مقدمات تحصیلات سطوح عالی را در آن شهر برای آیت الله احمدی فراهم کند. بدین ترتیب آیت الله احمدی، در سال ۱۳۲۳ ه. ش بنا به اصرار آیت الله زنوزی، عازم حوزه تبریز شد و در مدرسه «حسن پاشا» ساکن گردید. ایشان خود در این باره نقل می‌کرد:

«... بعد از استقرار در مدرسه، خواستم به خدمت علامه طباطبایی برسم و نامه را تقدیم کنم. لذا از طلاب و اساتید و سایر علمای شهر، آدرس منزل ایشان را خواستم؛ اما هیچ کس ایشان را نمی‌شناختند و می‌گفتند ما تا به حال يك همچون اسمی و شخصی را نشنیده و ندیده‌ایم. به مدارس دیگر مانند طالبیه رفتم، آنها هم چنین گفتند. چند روز به همین سبب معطل شدم تا این که بالاخره پس از مدتی با مشقت بسیار آدرس منزل ایشان را به دست آوردم. فوری به خدمتشان رسیدم و نامه را تحویل دادم. ایشان مرا مورد لطف قرار داد و به آیت الله میرزا رضی زنوزی که در آن ایام از مدرسین بزرگ حوزه تبریز بود، معرفی کرد...» (۵)

آیت الله احمدی، در مدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر

استاتید بزرگ از جمله آیت الله میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد.

تشریف به قم

آیت الله احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت الله سید حسین قاضی آموخت. (۶) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.

آیت الله احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملك یاد گرفت. (۷) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد (۸) و علامه طباطبایی رحمه الله بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

آیت الله احمدی درباره آشنایی خود با علامه نقل می‌کرد: «اوائل، با این که از طریق مرحوم آیت الله زنوزی به ایشان

معرفی شده بودم، اما چندان توجهی به من نمی‌کردند تا این که بعداً مأنوس شدیم و رفت و آمد به خدمت ایشان زیاد شد و معظم له نیز به بنده لطف داشتند. ولی همیشه در ذهنم بود که چرا آقای طباطبایی در اوایل این طور برخورد می‌کردند؟ يك روز که فرصتی پیش آمد، این سؤال را با ایشان در میان گذاشتم، فرمودند: اول تصورم این بود که می‌خواهید بی‌جهت وقت مرا بگیرید و عمر خودتان را هم ضایع کنید. این بود که نمی‌خواستم این طور بشود. اما بعد دریافتم این طور نیست. لذا نظرم عوض شد...» (۹)

آیت الله احمدی، در بُعد اخلاقی به شدت تحت تأثیر شخصیت علامه طباطبایی بود و گاه از ایشان نکات اخلاقی ظریفی را نقل می‌کرد و به متانت، وقار و ادب استاد عنایت خاص داشت. نمونه‌هایی را در این رابطه بیان می‌نمود که در بخش‌های آینده به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

تشکیل محفل تفسیری

او در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تتی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر

مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت الله احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:

به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قرآن، يك برداشت و حرف جدیدی داشت. گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. در این مورد آیت الله احمدی نقل می‌کرد:

«من هنگام جمع‌بندی جلسه به شوخی می‌گفتم: يك فایده جلسه تفسیر ما این است که با این اشکالات و مباحثات، آیات محکمه خداوند، متشابه می‌شود؛ چون آقایان آن قدر دقت و موشکافی می‌کردند که آن احتمال و نظری که انسان هنگام مطالعه داشت، از او گرفته می‌شد.»

اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت الله احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت الله

احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

مدرس فقه و معلم اخلاق

وی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلاء پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت الله احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت الله قدوسی در مدرسه حقانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد. علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلاء در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که يك عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی يك «فقیه اخلاقی» بود.

در خدمت امام و انقلاب

سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت الله

احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح الله خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.

آیت الله احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می‌کرد به دور از احساسات و افراط‌کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.

عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عمومی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایات‌های رژیم بپردازد، آیت الله احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد همانگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت، چنانکه در یکی از گزارش‌های اسناد ساواک آمده است:

شهریانی کل اطلاعات آقای میرزا علی احمدی - یکی از واعظان مبرز و سخنور این

شهرستان شمار می‌رود که به تازگی برای عزاداری از قم وارد شده بود، پیوسته اعمال و رفتار و مراوده وی زیر نظر مأمورین مربوطه قرار و در نتیجه معلوم گردید، نامبرده از طرفداران آیت الله خمینی بوده که برای انجام مأموریت وارد شده تا این که با تبانی و تشریک مساعی آقایان امام جمعه و فرماندار، اخیراً از میانه خارج، به قم یا به کرج عزیمت نموده است.

۵ / ۱۱ / ۱۳۴۲۹ / ۳ / ۲۰

سروان سمیعی رئیس شهربانی میانه (۱۰)

پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، که منجر به دستگیری حضرت امام خمینی شد و دولت، ایشان را به اصطلاح به اعدام محکوم کرد، مراجع بزرگ و علمای اعلام به عنوان اعتراض، از استان‌ها و شهرستان‌های مختلف کشور به سمت تهران سرازیر شدند و به تحصن نشستند. به دنبال آن، آیت الله احمدی نیز از قم به تهران آمد و به جمع علمای مهاجر و متحصن پیوست. این حرکت، در آن فضای اختناق، نسبت به شخصیت‌های درجه دو و سه، کار بسیار خطرناکی به شمار می‌رفت و شجاعت بیشتر می‌طلبید.

وقتی نهضت پرشکوه اسلامی در آبان سال ۱۳۵۶، با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی به اوج خود رسیده بود، او نیز در این مقطع به صحنه آمد و به مبارزات خود عمق بیشتری بخشید. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، همواره در مراحل مختلف انقلاب اسلامی، بخصوص با صدور اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های روشنگرانه خود، در جهت بیداری افکار عمومی و

پشتیبانی از نهضت الهی امام خمینی قدس سره سهم به سزایی داشته است. در این میان از جمله اعلامیه تاریخی جامعه مدرسین در مورد خلع سلطنت از شاه بود که امضای این عالم مجاهد را نیز در آن مشاهده می‌کنیم. (۱۱) ایشان که عرصه مبارزه را بسیار فراتر از حد صدور اعلامیه‌ها می‌دید، در شهر خود، «میانه» نیز از ستیز با طاغوت غفلت نمی‌ورزید و در سنگر انجمن دین و دانش، مدرسه علمیه و مسجد آقا یار سلطان، به ایفای نقش می‌پرداخت؛ چنان که در بخشی از صورتجلسه «شورای هماهنگی تأمین شهرستان میانه» مورخه ۱۷ / ۹ / ۱۳۵۶ که با حضور فرماندار، رئیس شهربانی، فرماندهان پادگان و ژاندارمری، جهت زمینه سازی برای دستگیری ایشان و روحانی مبارز شهر حاج سید سجاد حجی، تشکیل شده بود، چنین آمده است:

«... ۲ - آقای میرزا علی احمدی که از قم آمده و در منزل برادرش سکونت دارد که نامبرده در دین و دانش و مساجد، تبلیغات وسیعی را بر علیه رژیم و قانون اساسی و تخریب و آتش سوزی اماکن عمومی شروع و ادامه می‌دهد و همه مردم را به عناوین مختلف جمع نموده؛ مخصوصاً دانش‌آموزان و جوانان را به تظاهرات و قیام مسلحانه ترغیب و تحریک می‌نماید و توسط همین اشخاص بارها وسایل موتوری نیروهای انتظامی تخریب و مأمورین به وسیله پرتاب سنگ مجروح که نامبردگان دستگیر و توسط مأمورین اعزامی بدرقه و معرفی می‌شدند...»

در پی این نشست، بلافاصله حکم دستگیری آیت الله احمدی به جرم

(به اصطلاح) اخلال در نظم و امنیت و ایجاد اغتشاش در منطقه، صادر شد. ساعت ۳ بامداد روز شنبه، هشتم محرم سال ۱۳۵۷ مزدوران ساواک مغول‌وار به منزل وی هجوم بردند، در حیاط و پنجره‌ها را شکسته و وارد اتاق خواب شدند. ایشان را با لباس خواب و با اهانت و جسارت و ضرب و شتم به وسیله قنداق تفنگ به کوچه کشاندند و در سرمای آذر ۵۷، با خودروی ارتش او را به پاسگاه ژاندارمری انتقال دادند. با فاصله اندکی، روحانی مبارز، حاج سید سجاد حجی را نیز با همان وضع دستگیر می‌نمایند و هر دو را به صورت اهانت‌آمیزی با خودروی روباز ارتشی روانه تبریز کردند که شرح و تفصیل آن در این مختصر نمی‌گنجد. (۱۲)

همچنان در صحنه

این عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست؛ چنان که حضرت امام خمینی قدس سره طی سه حکم جداگانه در تاریخ‌های: ۱۹ فروردین، ۷ تیر و ۷ شهریور ۱۳۵۸ وی را به عنوان قاضی شرع، مسؤول رسیدگی به امور دادگاه‌ها و ساماندهی اوضاع جاری مناطق و برای رفع مشکلات و ایجاد وحدت میان اقشار مختلف به ترتیب در شهرهای: «ملایر و حومه»، «میانه و شهرهای اطراف» و «مشکین شهر و حومه» منصوب کردند. به عنوان نمونه، متن یکی از این احکام را در ذیل می‌آوریم:

بسمه تعالی
جناب حجة الاسلام آقای احمدی میانجی دامت افاضاته
مقتضی است جنابعالی مسافرتی به شهر ملایر و شهرهای
دیگر آن ناحیه نموده و نسبت به کار کمیته‌ها و اصلاح امور آنها و
هم چنین اصلاح و تنظیم سایر امور اقدام لازم را بنمایید و چنانچه
لازم بود متصدی مقام قضاوت شرعیه بشوید و ضمناً مردم آن ناحیه
را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده و از اختلاف و تفرقه بر حذر
دارید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم و السلام
علیکم و رحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی(۱۳)

علاوه بر آن، وی طی حکم‌های متعدد از سوی «دفتر عملیاتی
حضرت امام خمینی قدس سره» مستقر در قم، «دفتر جامعه مدرسین» و
«دادسرای انقلاب کل کشور» به عنوان سرپرست هیأت‌های منتخب،
جهت رسیدگی به وضع دادسراها و دادگاه‌های انقلاب و سایر امور جاری
به استان‌های: خوزستان، لرستان و آذربایجان غربی عازم شد و به نحو
مقتضی انجام وظیفه نمود.

آیت الله احمدی در رخدادهای مهم کشور از جمله: انتخابات خبرگان
قانون اساسی، غائله حزب جمهوری خلق مسلمان، ماجراهای بنی صدر
و منافقین، به طور جانانه در دفاع از حریم انقلاب و ولایت فقیه وارد
صحنه می‌شد و با اقدامات سریع و به موقع خود جلوی بسیاری از
توطئه‌ها و ترفندهای دشمن در منطقه میانه و حومه را می‌گرفت.

او درباره انقلاب و رهبری بسیار دقیق و ظریف عمل می‌کرد. هر گاه حرکت یا حرفی را در جهت تضعیف نظام و رهبری تشخیص می‌داد، از آن دوری می‌جست و مصلحت آن دو را در هر شرایطی بر همه چیز و همه کس ترجیح می‌داد. خاطره ذیل همین عملکرد ظریف و بسیار سنجیده ایشان درباره نظام و رهبری را نشان می‌دهد.

ایشان يك باری از جانب بعثه حضرت امام خمینی ^{قدس سره} و بعد از آن از سوی بعثه مقام معظم رهبری به شرکت در مراسم حج دعوت شد؛ اما به سبب موانعی، از جمله پرستاری از مادر پیر و تنهایی همسر، نتوانست این دعوت را اجابت کند. چند سال بعد، از طرف بعثه یکی از مراجع تقلید نیز این دعوت انجام پذیرفت؛ اما او با این که این بار مشکل چندانی نداشت، ولی این دعوت را هم نپذیرفت و گفت:

چون نتوانستم در خدمت بعثه حضرت امام و آیت الله خامنه‌ای باشم، بنابراین در این بعثه نیز نمی‌توانم حاضر شوم.

فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی

عمده خدمات فرهنگی - اجتماعی مرحوم آیت الله احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:

الف) میانه:

در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت الله شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارس به نام‌های

«مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت الله احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود. در سال ۱۳۴۸ آیت الله احمدی در يك اقدام دیگر، مرکز فرهنگی - مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانان دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.

مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همت آیت الله احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت. مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، اما صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می‌کند.

(ب) قم:

صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء علیها السلام و جامعه ناصحین

قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت الله احمدی جزء مؤسسين پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.

اشتقاق آیت الله احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بود که محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

غمخوار درملنگان

نوع فعالیت‌های اجتماعی آیت الله احمدی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. او همواره این شعر پروین اعتصامی را بر لب زمزمه می‌کرد که:

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست

برای خاطر بیچارگان نیاسودن

او بحق آسایش خود را تنها در شادی و راحتی محرومان می‌دید. حاج محمد ولی طیبی از معتمدین بازار و اعضای هیأت رئیسه صندوق قرض الحسنه مهدیه در میانه می‌گفت:

«... پیش از انقلاب، ایامی که حاج میرزا علی آقا احمدی از قم

به میانه تشریف می‌آوردند، جلسات هفتگی صندوق مهدیه با حضور ایشان برگزار می‌شد. در یکی از همین روزها قرار شد يك جلسه در مغازه مرحوم حاج میربابا سیدی، یکی دیگر از اعضا و از ریش سفیدان بازار تشکیل بشود. من سر ساعت مقرر رفتم. دیدم هنوز کسی از اعضای صندوق نیامده است تنها، شاگرد مغازه بود. وقتی داخل مغازه شدم، دیدم که حاج میرزا علی آقا هم تشریف آورده و بر صندلی نشسته و مشغول نوشتن چیزی بر روی يك کاغذ هستند. جلو رفتم. پس از سلام و احوالپرسی، نشستیم. حاج آقا کاغذ را جلویم گذاشتند. دیدم همان يك بیت شعر پروین اعتصامی را با خط درست بر روی آن نوشته‌اند. سپس اعضای محترم صندوق یکی پس از دیگری آمدند و حاج آقا موضوع صحبت خویش را همان يك بیت شعر قرار دادند و اداره جلسه را بر عهده گرفتند. ایشان در اغلب توصیه‌های خود، بر اخلاص تأکید بیشتر داشتند و همواره می‌فرمودند: هر چه در بازار و جای دیگر، اعتبار و آبرو دارید، بیاباید، برای خدا در این صندوق خرج کنید، بعد اضافه می‌کردند: مبادا بر عکس عمل کنید و از اعتبار و نام و نشان صندوق برای خود اعتبار و حیثیت کسب کنید.»

آثر منگل

آیت الله احمدی میانجی، در وادی قلم و تحقیق نیز به حق نبوغ، نوآوری، استعداد و تلاش طاقت‌فرسای خود را به وضوح در معرض دید

و قضاوت تاریخ گذاشته است. آثار این دانشمند فرزانه از جهات مختلف قابل توجه و تأمل می‌باشد.

۱. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می‌کنند؛ اما آیت الله احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.

کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت‌گر استعداد و ژرف‌اندیشی آیت الله احمدی است.

۲. در آثار این عالم سختکوش، موضوعات و مسائل تکراری کمتر به چشم می‌خورد. اغلب به موضوعاتی ناب پرداخت شده که تا به امروز یا اصلاً مطرح نبوده و یا اگر هم بوده، چندان مورد توجه لازم و کافی قرار نگرفته است.

۳. اغلب این آثار تا حدودی می‌تواند برخی از خلأهای موجود در حوزه و جامعه اسلامی را پر کند و به نحوی پاسخگوی برخی اشکالات و

رفع برخی ابهامات باشد که انتخاب و تحقیق عمیق در این گونه موارد، حکایت از ذوق سرشار، تعهد و اهداف بلند و والای مؤلف دارد. اکنون با توجه به امتیازات مذکور که در آثار مکتوب آیت الله احمدی مشهود است، به معرفی اجمالی این آثار می‌پردازیم:

۱ - مکاتیب الرسول: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم علیهم‌السلام، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.

استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.

این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم‌نظر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال ۱۳۳۹، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات دارالحدیث در

چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد. در ارزش و اهمیت این کتاب همین بس که وقتی آیت الله موسوی اردبیلی، در سال‌های پیش از انقلاب در قاهره از يك كتاب فروشی معتبر درخواست كتاب باارزشی کرد، فروشنده كتاب بلافاصله «مکاتیب الرسول» را نشان می‌دهد و خرید و مطالعه آن را به ایشان توصیه می‌کند؛ و یا شخصیت بزرگی چون امام موسی صدر، «مکاتیب» را از مؤلفش به عنوان هدیه نمی‌گیرد؛ بلکه آن را از بازار تهیه می‌کند تا در ترویج آن سهیم باشد. این کتاب با همه دقت‌هایی که در چاپ آن از سوی انتشارات دارالحديث انجام گرفته است اما در عين حال به طور پراکنده، اغلاط املائی و چاپی در آن مشاهده می‌شود، که امید است در چاپ‌های آینده برطرف گردد.

۲ - **مواقف الشيعه:** این کتاب، شامل نزدیک به يك هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اصحاب امامان معصوم علیهم السلام، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد: «هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و

برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل بیت علیهم‌السلام گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ يك این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»

این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست - به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده و يك سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

۳ - التبرک: در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت الله احمدی با درك ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او در این اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان

شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ يك از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.

این کتاب در سل ۱۳۵۶ ش به زیور چپ‌مزمین گردید و هم‌اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۴ - **الاسیر فی الاسلام:** مؤلف در این کتاب ارزشمند نخست در مقدمه، ضمن ارائه مباحثی از قبیل مفهوم قیام، جهاد و دفاع، آداب و احکام جنگ، توصیه‌های امام علی علیه‌السلام در جنگ، حقوق حیوانات در اسلام و چگونگی رفتار با اسیران در جنگ‌های صلیبی، مغول، دولت عثمانی، جنگ جهانی دوم، جنگ کره شمالی و ویتنام با آمریکا، جنگ اسرائیل و جنگ عراق، به چگونگی رفتار ایران با اسیران عراقی در مقایسه با کشورهای دیگر می‌پردازد، سپس مباحث اصلی کتاب را با موضوعاتی همچون: بحث لغوی جنگ، انگیزه‌های جنگ، جنگ در تورات و انجیل، وجود دعوت به اسلام، رفتار امام علی علیه‌السلام با اسیران، اسیر در عصر جاهلیت و اسیر در اسلام مطرح می‌سازد. آن‌گاه موضوع اخیر را در دو مقام «گرفتن اسیر از طوائف مختلف کفار» و «احکام اسیران بُغاة» دنبال می‌کند و در نهایت، کتاب با مباحثی درباره «حقوق اسیر» به پایان می‌رسد. آیت الله احمدی در هر بخش این کتاب، موضوعات مربوطه را، با آیات، روایات و شواهد تاریخی از سیره امامان معصوم علیهم‌السلام به هم آمیخته و اضافه بر آن، از منابع اهل سنت نیز بیشترین بهره را برده است.

این کتاب را مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۹ به چاپ رساند و اخیراً نیز آقای محمد احمدی فرزند ایشان آن را ترجمه کرده است که در آینده به چاپ خواهد رسید.

۵ - **السجود علی الارض:** در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقهاتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین علیه‌السلام با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.

اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز يك بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶ - **مالکیت خصوصی:** در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروه‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره يك نوع استثمار و بهره‌کشی از ضعیفان است و... . آیت الله احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیراموی مالکیت خصوصی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن

دین و دانش میانه آغاز می‌کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۷ - احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنة: این کتاب ارزشمند اثر مشترك آیت الله احمدی و مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل بیت علیهم السلام در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود يك تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید. این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت علیهم السلام و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان و اثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۸ - لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی: در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات

اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.

چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است.

۹ و ۱۰ - حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت الله احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و يك سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.

اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است. امید است به همت فرزندان برومند و علاقه‌مندان ایشان در آینده نزدیک، تنظیم و تدوین شده به مرحله چاپ و نشر راه یابند و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرند.

حکومت از دیدگاه آیت الله احمدی

یکی از ویژگی‌های بارز آیت الله احمدی، این بود که مسائل اسلامی

را از دیدگاه حکومتی ارزیابی می‌کرد و اعتقاد داشت که فقه اسلامی و شیعی برای اداره بشر از گهواره تا گور است و می‌تواند جوامع بشری را به خوبی اداره کند.

او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جد اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلأش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشغول خواهد شد. ایشان در باب اخذ وجوه شرعی (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. با توجه به نگرش پویای آیت الله احمدی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی

ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند. (۱۴)

توصیه‌های ناب به طلاب

آیت الله احمدی میانجی در بُعد اخلاقی و عرفانی به سطح بسیار والایی نایل گردیده بود. او به عنوان یکی از اساتید بزرگ اخلاق در حوزه علمیه، سیر و سلوک ویژه و منحصر به فردی داشت که البته از قرآن و سیره امامان معصوم علیه‌السلام سرچشمه می‌گرفت. وی هرگز این بُعد از شخصیت ممتاز خویش را بروز نمی‌داد و در مجالس و محافل عمومی به خصوص هنگام اقامه نماز جماعت، عبادات واجب و مستحب خود را به صورت خیلی ساده و در عین حال دقیق انجام می‌داد. در طول شصت سال زندگی در قم کوچک‌ترین تظاهری از این عالم عامل دیده نشد. رابطه عاشقانه و جانسوز خود با خدا را در حد بسیار عمیق همواره در خلوت و به دور از چشم مردم و حتی نزدیکان انجام می‌داد. او با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بُعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلاء جوان می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت الله احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل

عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را يك روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی ^{قدس سره} و آیت الله بهاء الدینی و یا آیت الله بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با يك دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت الله احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:

- ۱ - سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ - از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ - از خوراك خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ - خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ - خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ - در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

آیت الله احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بالاستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیع دفاع کنند. و نیز همواره تأکید می‌کرد:

«طلبه باید اهل مطالعه باشد و بیکار ننشیند؛ حتی اگر مطالعه کتاب «موش و گربه» و یا «نان و حلوا» باشد.»

به همین علت، خود ایشان در شب‌های قدر ماه مبارک رمضان بعد از این که مقداری از شب را به عبادات و انجام مستحبات می‌پرداخت، باقیمانده زمان را تا سحرگاه به بحث علمی و مطالعه می‌گذراند و به طلبه‌ها هم اجازه نمی‌داد که در شب‌های چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف شوند؛ چون شبِ درسی بود؛ در عوض توصیه می‌کرد که این کار در شب پنج‌شنبه یا شب جمعه انجام پذیرد تا خلل و صدمه‌ای به درس و بحثشان وارد نشود و در آینده عالمی فاضل و مایه افتخار برای حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشند.

البته بر صاحبان بصیرت پوشیده نیست که این شیوه آیت الله احمدی میانجی بدان رو بود که ایشان مشاهده می‌کردند که نه تنها طلاب، بلکه بسیاری از مردم، از سویی امور مادی و معنوی خود را با افراط و تفریط انجام می‌دهند و از سوی دیگر گاه امر مهم و لازمی را فدای امر فرعی و غیرضروری می‌نمایند.

چنان که در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود که يك عمل مستحب یا واجب مهم نسبت به يك واجب اهم بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد یا يك عمل مستحب غیر مؤکد، بیش از يك واجب عینی مهم، رواج و رونق می‌یابد. به قول شهید مطهری برای انجام يك عمل مستحبی، مثل زیارت کربلا، ده‌ها حرام و گناه کبیره، مانند دروغ و عدم رعایت نوبت و مراعات حقوق دیگران انجام می‌گیرد، (۱۵) که تشخیص این موارد از عمل به وظیفه

شرعی نیاز به شناخت صحیح از اسلام و روشن بینی و درایت در امور دارد.

آیت الله احمدی میانجی، از شخصیت‌های نادری بود که به این موضوع مهم توجه داشت و خود نیز بدان عمل می‌نمود. چنان که وقتی به سفر حج دعوت شدند، نمی‌پذیرند و چون فرزندان اصرار می‌کنند در جواب اظهار می‌دارد:

«من راضی نیستم به خاطر يك عمل مستحبی، همسرم مجبور شود به خاطر فرار از تنهایی به خانه فرزندان برود.»

پرواز تابی نهیت

این عالم فرزانه پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امام قم به حرم حضرت معصومه علیها السلام تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد. با درگذشت این عالم ربّانی، از سوی برخی از حضرات آیات عظام و علمای اعلام، پیام‌ها و بیانیه‌های تسلیتی صادر شد که در اینجا به ذکر بیانیه آیت الله خامنه‌ای - مدّ ظله العالی - اکتفا می‌کنیم.

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم
 با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که عالم جلیل القدر و فقیه اخلاقی
 و پارسا و پرهیزکار آیت الله آقای حاج میرزا علی احمدی میانجی
 دنیا را بدرود گفته و حوزه علمی قم به فقدان این استاد وارسته
 و با فضیلت، دچار گشته است. ایشان در شمار عالمان و برگزیدگان
 بودند که علم را با عمل، و تقوا را با جهاد، و فقاہت را با تبلیغ دین، و
 برجستگی رتبه دانش و تحقیق را با کمال فروتنی و زهد و کم
 توقعی در هم آمیخته و در عرصه دین و معنویت همچون میدان
 حضور و نشاط انقلابی، از پیشروان و گوی سبقت ربودگان بودند.
 آزمون شہلت فرزند همچون دیگر محتث‌های دوران مبارزه علمی و
 جهاد سیاسی، بر صبر و صفا و وارستگی این مرد بزرگ افزوده و
 اسوهی برای فضلالی جوان و شاگردان و ارادتمندان ایشان پدید
 آورده بود. فقدان خسارتبار این روحانی عالی مقام را به حضرت بقیة
 الله روحی فداہ و حوزه علمی قم و خاندان محترم و فرزندان
 مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات ملکوتی ایشان را
 از خداوند رحیم مسئلت می‌نمایم.

سید علی خامنہ‌ای
 ۱۳۷۹ / ۶ / ۲۲

پی‌نوشت‌ها:

۱ - سیمای میانه، خطه ولایت، عبدالرحیم ابانری، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۷۴، ص

۱۹۷.

۲ - همان، ص ۲۰۸ و تاریخ انقلاب اسلامی شهرستان میانه، عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ فصل اول.

۳ - ر.ک: ستارگان حرم، جمعی از نویسندگان، انتشارات زائر، قم، ۱۳۷۹، ج ۷ و سیمای میانه.

۴ - برای آگاهی از شرح حال مختصر ایشان ر.ک: سیمای میانه، ص ۲۱۳.

۵ - آیت الله احمدی برای نگارنده نقل می‌کرد: در اوایل، هرگز به منزوی و گمنام بودن علامه طباطبایی توجه نداشتیم؛ چون از موقعیت علمی و تقوایی ایشان آگاهی نداشتیم و خیال می‌کردم که آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی مرا به يك روحانی معمولی معرفی کرده است؛ اما وقتی بعدها در قم به خدمتشان رسیدم و استفاده علمی از محضرشان بردم، به گمنامی ایشان در تبریز پی بردم و همواره برایم سؤال بود و تأسف می‌خوردم که چرا و چگونه عالمی به آن بزرگی و با آن همه معنویت، این چنین منزوی به سر می‌برد و از محضرش استفاده نمی‌شد!

۶ - آیت الله سید حسینی قاضی در آن وقت یکی از اساتید معروف فقه و اصول در سطح عالی و مورد احترام و قبول بزرگان حوزه علمیه قم بود. وی سال ۱۳۱۷ قمری در شهر تبریز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در آن شهر پیش حاج میرزا علی اصغر ملکی و آیت الله انگجی فرا گرفت. بعد به نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا از محضر حضرات آیات عظام: کاشف الغطاء و آقا ضیاء عراقی و ایروانی بهره برد. سپس در مشهد مقدس، در دروس حضرات آیات آقا سید حسین قمی، آقازاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی شرکت نمود و در سال ۱۳۵۴ ه. ق به قم وارد شد و در جوار کریمه اهل بیت علیهم‌السلام برای خود مسکن همیشگی گزید و ضمن این که از محضر آیت الله حائری یزدی و آیت الله حجت کومکمره‌ای استفاده می‌کرد، تا آخر عمر به تدریس و تربیت شاگرد اشتغال داشت. وی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ چشم از جهان فرو بست و در قبرستان حائری قم به خاک سپرده شد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۲، ص ۲۲۷.

۷ - آیت الله میرزا احمد کافی الملک نیز از مدرسین میرزا حوزه علمیه قم در سطوح

عالی و خارج اصول بود و در میان حوزویان به زهد، کمال و تقوا شهرت داشت. او از روستای کافی الملک از توابع تبریز بود. دروس مقدماتی را در مدرسه طالبیه تبریز خواند. از شاگردان حضرات آیات: میرزا ابوالحسن انگجی و شهیدی در مکاسب و کفایه بود. فلسفه را هم از مرحوم آقا سید عبدالعظیم در تبریز یاد گرفت. وی در سال ۱۳۵۰ ه. ق به شهر قم هجرت کرد. محضر حضرات آیات عظام: حائری یزدی، خوانساری، حجت را درک نمود و حدود هیجده سال نیز از محضر علمی آیت الله العظمی بروجردی کسب فیض کرد و به مراتب عالی از فقه و اصول رسید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۴۰.

۸ - مرحوم حضرت آیت الله حاج سید محمد محقق، سال ۱۳۲۵ ه. ق، در احمد آباد اردکان به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در همان محل آموخت. بعد به یزد رفت، از اساتید بزرگ یزد استفاده‌های شایان برد. سال ۱۳۴۱ ه. ق به قم مهاجرت کرد و در خدمت اغلب بزرگان، مانند: حائری یزدی، خوانساری، حجت، رفیعی قزوینی، سید علی یثربی و... کسب فیض نمود و به مراتب والایی از علم و حکمت رسید. او چون داماد حضرت آیت الله حائری بود، در میان فضلا و طلاب به محقق داماد شهرت یافت. او یکی از شخصیت‌های بارز علمی در حوزه به حساب می‌آمد و درس خارج معظم له از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود و فضایی مانند: شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید قدوسی، شهید حاج آقا مصطفی خمینی و آیات دیگر مانند: جوادی آملی، موسی زنجانی، مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، حسین مطهری، محمد مؤمن، طاهری اصفهانی و... می‌توانستند در آن شرکت جویند.

او پس از سال‌ها تلاش، تعلیم و تربیت شخصیت‌های بزرگ علمی و با تألیفات ارزشمند، روز چهارشنبه دوم ذی الحجه ۱۳۸۸ دار فانی را وداع کرد و در ضلع شرقی صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. ر.ک: ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۱۵.

۹ - نقل به مضمون. این مطلب در مواقع متعدد با عبارات‌های مختلف توسط نگارنده از ایشان شنیده شد.

۱۰ - ر.ک: تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان میانه، فصل پنجم.

۱۱ - ر.ک: مجموعه پنج جلدی اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

- تهران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۰۷، ۴۹۱، ۴۵۰، ۲۹۲، ۲۷۲، ۲۶۸، ۵۲۱، ۲۳۹ و ۱۰۶.
- ۱۲ - ر.ك: تاريخ انقلاب اسلامي در شهرستان ميانه، فصل پنجم.
- ۱۳ - ر.ك: خاطرات آيت الله احمدی ميانجی، عبدالرحيم اباذری، مركز اسناد انقلاب اسلامي، تهران، ۱۳۸۰ که در آنجا متن احکام ديگر نيز موجود است.
- ۱۴ - برای آگاهی از متن اين حکم، ر.ك: روزنامه اطلاعات، ۹ / ۱۰ / ۱۳۷۱ ش ۷ ۱۹۸۰۶
- ۱۵ - اسلام و مقتضيات زمان، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۲، ص ۸۳.

حسین بن محمد اشعری قمی

«استاد کلینی»

* * *

ابوالحسن ربّانی سبزواری

جای عکس

حسین بن محمد اشعری قمی

آغاز سخن

هنگامی که يك پژوهشگر، در تاریخ حیات فرهنگی محدثان بلند مرتبه و برگزیده امامان مکتب شیعہ مطالعه می‌کند گاهی به چهره‌هایی بسیار با صفا و برجسته و اثرگذار، برخورد می‌کند که در حقیقت آیینه تمام نمای کمالات يك انسان بزرگ‌اند.

یکی از ستارگان آسمان دانش و حدیث حرم اهل بیت علیهم السلام که نامش و روایات او همچنان، از شهرت و آوازه زیادی برخوردار است حسین بن محمد اشعری است. در این کاوش برآنیم که با شناخت بیشتر این چهره شاخص حدیث، راه او را مد نظر خویش قرار داده و در آن مسیر گام

برداریم.

آشنایی با محدّث

ولادت

هنگامی که در کتاب‌های تراجم به کندوکاو می‌پردازیم، در می‌یابیم که در حدود نیمه سده سوم هجری، در خاندان نامور و دانش طلب و فرهنگ دوست اشعری، در شهر قم، کودکی دیده به جهان گشود. او در خانه‌ای به دنیا آمد که نور تشیع و ایمان و عشق به خاندان وحی، درخشش خیره کننده‌ای داشت. برای این نورسیده نام حسین را برگزیدند. کنیه‌اش، ابو عبدالله و شهرتش، اشعری قمی و نام پدرش محمد بن عمران اشعری است.^(۱)

زمان دقیق و قطعی ولادت این محدّث بزرگ مرتبه را نمی‌توان مشخص کرد؛ زیرا در منابع و مدارك دست اوّل و دیرینه عالمان اسلامی در این زمینه سخن قابل اعتمادی به چشم نمی‌خورد. با وجود این پاره‌ای از شواهد و مستندات، مانند مطالعه در زندگی استادان و شاگردان او که در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت، آنچه را که در ابتدا گفتیم، می‌تواند اثبات کند.

عصر شکوفایی

به هر حال، روزگار طلوع امید بخش این ستاره دانش فقه و حدیث

شیعه را، می‌توان روزگار ظهور مردان بزرگ و فرهیختگان برجسته حدیث، نامید. محدثان و فقهایی در این عصر زندگی می‌کردند که صاحب آثار ارزشمند و والایی در حوزه فقه و حدیث بودند؛ همانند محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن خالد برقی (پدیدآورنده کتاب گرانسنگ محاسن، م: ۲۸۱)، استاد مُسَلَّم و فرزانه حدیث شیعه ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی و ده‌ها محدث نامور دیگر.

حسین بن محمد اشعری، در چنین زمانی ترقی و رشد خود را آغاز کرد و با علوم اهل بیت علیهم‌السلام آشنا شد. او در صدد برآمد که جان تشنه‌خویش را با بهره بردن از این سرچشمه‌های زلال معنویت سیراب سازد و در این مسیر رنج‌های فراوانی به جان خرید تا این که در سلسله بزرگ‌ترین محدثان و استادان حدیث شیعی قرار گرفت.

خندان

بر تمام کسانی که در زمینه تراجم محدثان شیعی قلم می‌زنند و تحقیق می‌کنند، آشکار است که اشعریان قم، سهمی به سزا در نشر و گسترش معارف اهل بیت علیهم‌السلام و روایات آنان داشته‌اند. حسین بن محمد در چنین خاندانی دیده به جهان گشود.

در این که پدرش، محمد بن عامر بن عمران قمی، در گروه راویان حدیث شیعی است، تردیدی نیست - همچنان که ابن قولویه قمی از او حدیث نقل می‌کند. - * ولی میزان و جاهت او در این علم چندان معلوم نمی‌باشد. عموی حسین بن محمد، عبدالله بن عامر است که در ادامه از

او نیز یاد خواهیم کرد.

استادان

در اینجا مناسب است، اشاره‌ای گذرا و کوتاه به شخصیت‌هایی داشته باشیم که این راوی بزرگوار، در حوزه درس آنان زانوی شاگردی به زمین زد و از خرمن دانش انبوهشان، ذخیره علمی بی‌بدیلی را گرد آورد و در قالب روایت، به نسل‌های آینده انتقال داد. در این جا به نام تعدادی از آنان بسنده می‌شود:

۱. **عبدالله بن عامر بن عمران اشعری قمی:** (۲) این استاد پرآوازه و برجسته شیعی از چنان جایگاه رفیعی برخوردار بود که برجسته‌ترین رجال شناس شیعه، در منزلت او می‌نگارد:

«ابومحمد شیخ من وجوه اصحابنا، ثقة.»

کنیه‌اش ابومحمد و یکی از نخبگان و برگزیدگان عالمان شیعه و محدثی موجه است. (۳) نام مبارك این محدث بزرگ، در سرتاسر کتاب کافی مانند ستاره‌ای می‌درخشد و مرحوم کلینی از این استاد، روایات بسیاری نقل می‌کند.

۲. **احمد بن اسحاق قمی:** (۴) این محدث قطعاً از برازنده‌ترین عالمان و محدثان پرورش یافته در مکتب امامان شیعه است. موقعیت بلند مرتبه او را می‌توان از کلام دانشمند رجال شناس شیعه به دست آورد. احمد بن اسحاق قمی نماینده و وکیل امام در میان شیعیان قم بود. هنگامی که شیعیان به خدمت امامان می‌رسیدند، او به عنوان پیشوای قافله مطرح

بود. ایشان یکی از یاران خاص حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و از یاران و روایتگران امام جواد و امام هادی علیه السلام محسوب می‌شد. (۵)

۳. **معلی بن محمد بصری:** (۶) نام این روایتگر مشهور در جای جای کتاب «کافی» همچون ستاره‌ای درخشان، نمایان است. گرچه بعضی از بزرگان دانش رجال درباره‌اش گفته‌اند: از منظر نقل روایت و مذهب دارای لغزش‌هایی است؛ (۷) اما به گفته حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، مدظله العالی:

«این که شخصیتی همانند کلینی در چنین کتاب معتبری، این همه روایات از معلی نقل می‌کند، این بهترین دلیل بر وثاقت و بزرگواری معلی بن محمد بصری است.»**

۴. **محمد بن عمران بن حجاج بسیعی:** (۸)

۵. **محمد بن احمد بن خاقان النهدی:** (۹) درباره این محدث بزرگ گفته شده: محدثی بسیار فاضل و نیکو حال و موجه؛ بلکه بعضی از بزرگان شیعه او را از اصحاب اجماع محسوب کرده‌اند؛ (۱۰)

۶. **احمد بن علویه اصفهانی،** معروف به ابن ابی الاسود: (۱۱) وی ضمن این که در گروه راویان جای دارد، شاعر توانایی هم بوده است. نوشته‌اند که او قصیده‌ای را در مدح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سرود که ۳۳۰ بیت داشت و در فصاحت و بلاغت و پندآموز بودن معانی و مضامین، در حدی بوده که ابوحاتم سجستانی روزی در شهر بصره به پای خاست و چنین گفت:

ای اهل بصره! شاعر اصفهانی، در سرایش شعر و استحکام

شعری و غنی بودن مضامین، بر شما غلبه کرد.

او در سال ۳۲۰ به عالم باقی شتافت؛ (۱۲)

۷. محمد بن بNDAR ذهلئ: (۱۳) کنیه این بزرگوار ابوجعفر و چون در قم

دیده به جهان گشود و در همان جا زیست، به قمی هم شهرت دارد.

درباره اش گفته اند:

روایتگری است موجه و شاخص که کتاب‌هایی تألیف کرده

است. (۱۴)

شیخ طوسی نیز به کتاب او اشاره کرده است و می‌گوید:

او را کتابی است به نام «المثالب». (۱۵)

شاگردان

حسین بن محمد اشعری که برهه‌ای از عمر پربرکت خویش را در راه

گردآوری اخبار و روایات خاندان عصمت و طهارت سپری کرد و به

اندیشه در پیرامون آنها پرداخت، با گذشت روزگار، در گروه محدثان

عالی‌مقام شیعه جای گرفت. او که میراث گرانبهای احادیث خاندان

عصمت و طهارت را در جان خود جای داده بود، برای حفظ این میراث،

به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگی پرداخت.

وقتی شاگردان حوزه درس او را ملاحظه می‌کنیم، به بزرگترین

محدثان مکتب تشیع برمی‌خوریم که از این آبشخور زلال و گوارا عطش

دانش‌طلبی خود را سیراب کرده‌اند و خوشه چین خرمن علم و فضل او

بوده‌اند.. در اینجا تنها به چهره‌های شاخص و ممتاز شاگردان او اشاره

می‌کنیم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی: (۱۶) کلینی، صاحب کتاب «اصول و فروع کافی» است. این کتاب به گواهی تمامی صاحب نظران، در طی قرن‌های گذشته تا کنون، از معتبرترین کتاب‌های حدیثی اسلامی و شیعی است. این کتاب‌ها در بردارنده سه محور کلی است:

اعتقادات و باورهای دینی، منش‌های اخلاقی و مسائل فقهی. نجاشی درباره او می‌گوید:

دانشمند بزرگ و استاد حدیث شیعه در شهر ری و چهره برجسته آنان است، او از موثق‌ترین و موجه‌ترین مردم در نقل حدیث به شمار می‌آید. آن بزرگوار کتاب کافی را در مدت ۲۰ سال تألیف کرد و در این راه زحمت فراوان کشید. در سال ۳۲۹ ق در شهر بغداد بدرود حیات گفت و محمد بن جعفر خستنی، معروف به ابوقیراط، بر بدن پاک او نماز خواند و در محله باب الکوفه یا دروازه کوفه به خاک سپرده شد. (۱۷)

شیخ طوسی در فهرست چنین می‌نگارد:

کلینی کنیه‌اش ابوجعفر و چهره موثق و حدیث شناس بزرگی است.

سپس از ابن عبدون نقل می‌کند که قبرش را دیده و بر سنگ قبرش، نام خود او و پدرش حَك شده است. (۱۸)

۲. محمد بن حسن بن ولید قمی: (۱۹) در شأن و منزلت این فقیه و محدث نوشته‌اند:

وی از استادان و دانشمندان قم و فقیه، پیشوا و چهره برجسته آنان بوده است. او در قم زیست می‌کرد و بسیار بسیار با وجاهت است. این بزرگوار استاد معروف شیخ صدوق است. او در سال ۳۴۳ ق از دنیا رخت برپست و به آرامگاه ابدی خود شتافت. (۲۰) شیخ طوسی می‌گوید:

او محدثی جلیل‌القدر و آشنا و متخصص در فنّ روایت‌شناسی است. (۲۱)

۳. **علی بن بابویه قمی:** (۲۲) فقیه و دین‌شناس و محدث عالی‌مقام شیعه، پدر بزرگوار شیخ صدوق و یکی از مخلص‌ترین عالمان طول تاریخ شیعه است. همو است که به وسیله حسین بن روح نوبختی، سفیر خاص حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام نامه‌ای به حضور آن حضرت نوشت و از آن امام بزرگوار درخواست کرد تا از خداوند بخواهد به او فرزندی عنایت کند. بعد از مدتی نامه امام رسید که نوشته بود: ما دعا کردیم و از خداوند متعال مسئلت کردیم. به زودی پروردگار توانا به شما دو فرزند پسر از فلان کنیز، عطا می‌کند. زمانی نگذشت که این بشارت امام به وقوع پیوست و ابن بابویه، صاحب دو فرزند پسر شد: یکی به نام محمد، که همان «شیخ صدوق» است و دیگری حسین بن علی بن بابویه.

به همین مناسبت بود که شیخ صدوق بارها و بارها افتخار می‌کرد و به خود می‌بالید که به دعای حضرت امام زمان علیه‌السلام به دنیا آمده است. زهی افتخار و عظمت و شکوه! علی بن بابویه در سال ۳۲۹ ق رحلت کرد. (۲۳)

۴. جعفر بن محمد بن قولویه قمی: (۲۴) کنیه‌اش ابوالقاسم است. او یکی از دانشمندان و فقهای حوزه شیعه بود. هر چه او را در فقه و فضایل زیبای انسانی وصف کنیم، باز او بالاتر از آن است. (۲۵)***

شیخ طوسی می‌گوید:
او چهره موجه و صاحب کتاب‌هایی است. (۲۶)
این عالم فقیه و فرزانه، به سال ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق، در بغداد از دنیا رفت و در نزدیک قبر مطهر حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد علیهما السلام به خاک سپرده شد. (۲۷)

۵. جعفر بن محمد بن مسرور: (۲۸) این محدث یکی از استادان روایتی شیخ صدوق است و شیخ بارها او را در کتاب‌هایش نام برده و ستایش نموده است. بر همین اساس میرداماد - که از محققان و ژرف اندیشان تراجم شیعه است. - او را در ردیف بزرگان حدیث و چهره‌های صاحب منزلت یاد کرده است. (۲۹)

ارزیابی شخصیت

از آنچه گذشت و با توجه به استادان و شاگردان حسین بن محمد بن عامر قمی، به خوبی به شخصیت علمی و اخلاقی این محدث پی می‌بریم. با این همه بهتر است قامت استوار و پرشکوه این محدث بزرگ را در آینه سخنان بزرگان دانش تراجم به نظاره بنشینیم.
در دیرینه‌ترین کتاب رجال‌شناسی شیعه درباره او چنین می‌خوانیم:
ابو عبدالله اشعری قمی، صاحب منزلت و دارای چهره‌ای

و جاهت مند است. (۳۰)

دیگری می‌گوید:

او روایتگر بسیار بسیار ارزشمند و موجهی است. (۳۱)

میرزا حسین نوری، که فاضل‌ترین رجال شناس اخیر شیعه است، درباره او می‌نگارد:

بنا به اتفاق تمام عالمان شیعه، سندی که به حسین بن محمد اشعری می‌رسد صحیح است و او محدث موجه و از بزرگان استادان روایتی ثقة الاسلام کلینی می‌باشد. (۳۲)

باز مناسب است نظر یکی از دانشمندان معروف اهل سنت به نام این **حجر عسقلانی** را در اینجا بیاوریم. او می‌گوید:

شیخ طوسی او را در سلسله مشایخ و استادان شیعه قرار داده و او از استادان معروف شیخ کلینی صاحب کتاب کافی است. حسین اشعری کتابی به نام «**طب اهل بیت**» علیه السلام تألیف نموده که از بهترین کتاب‌های تألیف شده در این زمینه است. (۳۳)

آقا بزرگ تهرانی می‌فرماید:

او محدثی جلیل‌القدر و موجه است و کلینی در کافی از این شخصیت روایات بسیار زیادی نقل کرد. (۳۴)

در اینجا مناسب است روایتی را که نشانگر ارتباط این راوی با سفرای امام زمان علیه السلام است، ذکر کنیم؛ اما قبل از نقل روایت، لازم است مقدمه‌ای را بیاوریم: در روزگار امام عسکری علیه السلام، شخصی از راه امامان شیعه منحرف شد و گرایشهای خطرناکی پیدا کرد؛ به طوری که فساد عقیده او

باعث گسترش فساد و فتنه در جامعه شیعه می‌شد. تا این که امام حسن عسکری علیه‌السلام دستور کشتن او را صادر کردند و فرمودند: «هر کس که او را بکشد و مرا از شر او راحت کند، جایگاه او در بهشت خواهد بود.»

یکی از پیروان انقلابی و اصیل حضرت عسکری علیه‌السلام به نام جنید می‌گوید: من سلاحی خریداری کردم و رفتم او را از پای درآورم. در اینجا حسین بن محمد اشعری می‌گوید:

از ناحیه حضرت عسکری علیه‌السلام کمک‌هایی به جنید عنایت می‌شد. وقتی که حضرت عسکری علیه‌السلام از دنیا رفت، همان کمک‌ها به وسیله حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام به جنید ادامه می‌یابد. کم کم دریافتم کمک‌های حضرت ولی عصر علیه‌السلام قطع شده است. من ناراحت و اندوهناک شدم (که نکند جنید هم راه امامان را ترک کرده و دچار لغزش عقیده شده است). مدتی در این اندیشه بودم که توقیعی از حضرت حجت علیه‌السلام رسید که خبر مرگ جنید را داده بودند. پس از این توقیع بود که متوجه شدم قطع کمک‌ها به علت وفات آن شیعه معتقد و ولایی بود، نه از جهت دیگر. (۳۵)

از این روایت معلوم می‌شود که این راوی، روزگار امام عسکری علیه‌السلام را درک کرده و نیز با سفیران حضرت حجت علیه‌السلام ارتباط تنگاتنگ داشته و ظاهراً متن نامه آن حضرت را هم ملاحظه کرده است؛ و البته این امر همه نشانه آن است که حسین بن محمد، عالمی ولایت‌مدار و مورد توجه امام زمان خویش بوده است.

یلگر علمی

حسین بن محمد که در گردآوری اخبار امامان معصوم علیهم السلام سعی فراوان داشت، همه آنچه را که از امامان معصوم علیهم السلام و استادان خود آموخت، در کتاب‌هایی به یادگار گذاشت.

نجاشی به کتاب «النوادر» او اشاره کرده است. (۳۶)
ابن حجر عسقلانی به کتاب دیگری از او اشاره می‌کند و می‌نویسد:
حسین بن محمد اشعری کتابی به نام «طبّ اهل البیت» تألیف کرد که مانند آن تألیف نشده و کم نظیر است. (۳۷)
استاد بزرگ حوزه قم، آیت الله جعفر سبحانی هم در اثر ارزشمند خود می‌گوید:

او صاحب کتاب «نوادر» است. روایاتی که او نقل می‌کند و در کتاب‌های روایتی شیعه ذکر شده، به ۹۶۱ روایت می‌رسد. این زیادی روایت، بهترین گواه وسعت دانش و درایت او در حدیث‌شناسی است. (۳۸)

رحلت

حسین بن محمد قمی، پس از سال‌ها تلاش و کوشش در حفظ و گسترش سخنان گهربار امامان، مرغ جانفش به سوی حق پرکشید. درباره سال و مکان مرگ این راوی، نظر قاطعی نمی‌توان ابراز کرد؛ اما شاید از مجموع داده‌های تاریخی و گزارشهای تراجم‌نویسان بتوان حدس زد که

آن بزرگوار در اوایل سده چهارم هجری قمری رحلت کرده است.

هیهای بهر اصحاب

حسن خلق

حسین بن محمد، با واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که: روز قیامت، در ترازوی اعمال انسان چیزی بهتر و نیکوتر از حُسن خلق نهاده نمی‌شود. (۳۹)

عزت نفس

باز روایت می‌کند از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هر کس از ما چیزی سؤال کند و نیازش را با ما مطرح کند، او را ناامید نمی‌کنیم؛ ولی اگر عزت نفس را پیشه خود سازد و از ما سؤال نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند. (۴۰)

نیکی با خویشان

روایت می‌کند از حضرت رضا علیه السلام که فرمود:

ما چیزی را نمی‌دانیم که عمر انسان را زیاد کند جز نیکی کردن به خویشاوندان؛ چنان که ممکن است شخصی از عمرش بیش از سه سال باقی نمانده باشد؛ اما چون که به خویشان خود مهرورزی کرده است، خداوند متعال عمر او را سی سال قرار می‌دهد. و گاهی هم شخص دیگری - در تقدیر الهی - سی و سه سال از عمر او باقی مانده است، ولی چون پیوند خود را با خویشانش بریده، عمرش به سه سال کاهش می‌یابد. (۴۱)

فهم دين

از حضرت صادق عليه السلام روايت مي‌کند:

هنگامي که خداوند اراده نمايد به کسی خير برساند، فهم و درك او را در مسائل دين، زياد مي‌کند. (۴۲)

منزلت راويان

باز حسين بن محمد روايت مي‌کند از امام صادق عليه السلام که محدثي از امام اين را پرسش کرد که: مردی اخبار شما را در ميان مردم نشر مي‌دهد و قلب‌های آنان و شيعيان شما را نيرومند و محکم مي‌گرداند و فرد ديگري هم باشد که انسان عابدي است، ولي به نشر و ترويج اخبار شما نمي‌پردازد؛ کدام يك از اين دو (محدث و عابد) نزد شما بهتر است؟ حضرت فرمود:

آن محدثي که روايات ما را منتشر مي‌کند و قلب‌های پيروان ما را نيرومند مي‌سازد، بهتر است از هزار عابد. (۴۳)

ارزش حفظ حديث

روايت مي‌کند از حضرت صادق عليه السلام که فرمود: هر آن کس که چهل حديث از احاديث ما را حفظ کند، خداوند او را در روز قيامت به عنوان دانشمند دين شناس مبعوث مي‌فرمايد. (۴۴)

پي‌نوشت‌ها:

* «کامل الزياره» باب ۵۲، ص ۱۳۷.

**** این سخن را نگارنده در درس خارج فقه معظم له در مسجد اعظم قم، از ایشان شنیده است.**

***** کل ما یوصف به الناس من جمیل و فقه فهو فوقه.**

- ۱ - رجال نجاشی، جامعه مدرسین قم، ص ۶۶؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۶۹؛ خلاصة الاقوال، ص ۵۲؛ نقد الرجال تفرشی، ص ۱۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۷۸، ش ۳۸۶؛ مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، ص ۷۲۹؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۴۱؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۲۴؛ طبقات اعلام الشیعه فی القرن الرابع، ص ۱۲۰؛ الذریعه، ج ۲، ص ۲۶۵؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۲۵۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۷۲ و تهذیب المقال، سید محمد علی ابطحی، ج ۲، ص ۲۴۷.
- ۲ - طبقات اعلام الشیعه، ص ۱۲۰؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷ و رجال نجاشی، چاپ داوری، ص ۱۵۱.
- ۳ - رجال نجاشی، ص ۱۵۱؛ جامع الروات، ج ۱، ص ۴۹۴.
- ۴ - موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳.
- ۵ - رجال نجاشی، ص ۶۶.
- ۶ - سرتاسر اصول کافی و فروع کافی، از باب نمونه: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۶.
- ۷ - رجال نجاشی، ص ۲۹۶.
- ۸ - موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹.
- ۹ - همان و تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۰.
- ۱۰ - موسوعة الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۹ و رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۲.
- ۱۱ - رجال شیخ طوسی، ص ۴۴۷ و اعلام الشیعه، ص ۱۲۰.
- ۱۲ - تنقیح المقال، ج ۱، ص ۶۱؛ رجال نجاشی، ص ۶۴ و حاشیه رجال شیخ، ص ۴۴۷.
- ۱۳ - رجال طوسی، ص ۴۹۴؛ رجال نجاشی، ص ۲۴۰ و فهرست شیخ طوسی، چاپ مرتضویه، نجف، ص ۱۴۰.
- ۱۴ - رجال نجاشی، ص ۲۴۰.
- ۱۵ - فهرست طوسی، ص ۱۴۰.

- ١٦ - موارد متعدد از كتاب كافي و طبقات اعلام الشيعة، ص ١٢٠.
- ١٧ - رجال نجاشي، ص ٢٦٦.
- ١٨ - فهرست طوسي، ص ١٣٦.
- ١٩ - اعلام الشيعة، ص ١٢٠؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.
- ٢٠ - رجال نجاشي، ص ٢٧١.
- ٢١ - فهرست طوسي، ص ١٥٦.
- ٢٢ - اعلام الشيعة، ص ١٢٠.
- ٢٣ - رجال نجاشي، ص ١٨٤.
- ٢٤ - كامل الزيارات، باب ٤١، حديث ٥، ص ١١٩ و طبقات اعلام الشيعة، ص ١٣٠.
- ٢٥ - رجال نجاشي، ص ٨٩.
- ٢٦ - فهرست طوسي، ص ٤٢.
- ٢٧ - تنقيح المقال، ج ١، ص ٢٣٣.
- ٢٨ - طبقات اعلام الشيعة، ص ١٢٠ و موسوعة طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.
- ٢٩ - تنقيح المقال، ج ١، ص ٢٢٦.
- ٣٠ - رجال نجاشي، ص ١٨٦.
- ٣١ - نقدالرجال تفرشي، ص ٢١.
- ٣٢ - مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٩٤، چاپ قديم.
- ٣٣ - لسان الميزان، ابن حجر، ج ٢، ص ٢٦٥.
- ٣٤ - اعلام الشيعة، ص ١٢٠.
- ٣٥ - مرآة العقول، ج ٦، ص ١٩٨ و اصول كافي، ج ١، ص ٥٢٤.
- ٣٦ - نجاشي، ص ١٨٦.
- ٣٧ - لسان الميزان، ج ٢، ص ٢٦٥.
- ٣٨ - موسوعة طبقات الفقهاء، ج ٤، ص ١٧٩.
- ٣٩ - اصول كافي، ج ٢، ص ٩٩.
- ٤٠ - همان، ص ١٣٨.
- ٤١ - همان، ص ١٥٣.

- ٤٢ - اصول کافی، ج ١، ص ٢٢.
٤٣ - همان، ص ٢٣.
٤٤ - همان، ص ٤٩.

حاج سید علی رضا مدرّسی یزدی

«مدرّس فروتن»

* * *

مهدی صحرايي اردکاني

جای عکس

حاج سید علی رضا مدرّسی یزدی

دار العبادہ یزد، زادگاه عالمانی است که در تاریخ حوزه خدمات قابل توجهی به دنیای اسلام کرده‌اند؛ از جمله این علما مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد کاظم طباطبایی یزدی رحمه الله (صاحب عروة الوثقی) و مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رحمه الله (مؤسس حوزه علمیه قم) هستند.

مرحوم آیت الله حاج سید علی رضا مدرسی یزدی رحمه الله نیز، یکی دیگر از علمای یزد است که در این مقاله با او آشنا می‌شویم.

ولادت - پیر و ملر

مرحوم مدرسی به سال ۱۳۲۹ ق. در شهر یزد، در خانواده‌ای روحانی

و پروا پیشه متولد شد(۱) و با ولادتش دل پدر و مادرش را سرشار از شادی کرد.

ایشان فرزند عالم ربّانی، آقا میرزا محمد علی (۱۳۳۸ ق)، فرزند میرزا محمد صادق مدرسی است. آقا میرزا محمد علی، از مجتهدان و فقیهان سلسله «مدرّسیه» بود که در زمان خود از موقعیت علمی و اجتماعی برخوردار بود.

مادر ایشان بی بی رباب، دختر حاج میرزا محمد ابراهیم فرزند میرزا سید محمد علی مدرس (۱۱۹۳ - ۱۲۶۵ ق) است. او در ۹ سالگی پدر خود را از دست داد و با سرپرستی مادرش دوران سختی را آغاز کرد.(۲)

تحصیلات

نامبرده از همان کودکی با شوق و علاقه فراوان پا به مکتب خانه گذاشت. او در مکتب خانه ملاحیدر و آقا میرزا حسن محمود آبادی، با ادبیات و مقدمات علوم حوزوی آشنا گردید. مرحوم حاج سید علی رضا، پس از گذراندن ادبیات عرب و فقه و اصول، مقطع سطح علوم حوزوی را نزد اساتید معروف حوزه علمیه یزد فرا گرفت.(۳)

وی در آغاز دهه سوم زندگی، یعنی در سال ۱۳۴۹ ق، برای ادامه تحصیل رهسپار قم شد و از محضر عالمان نامی آن حوزه بهره‌ها برد. آن گاه جهت فراگیری دانش تحلیلی و اجتهادی فقه و اصول و دیگر علوم

اسلامی، به حوزه علمیه نجف هجرت نمود.(۴)

تشکیل خانواده

آیت الله مدرسی پس از بازگشت از نجف اشرف، با دختر عمویش، بی بی زهرا، فرزند آیت الله العظمی حاج میرسید علی مدرسی (۱۳۶۴ ق) ازدواج نمود. از این پیوند، دو دختر و دو پسر به نام های دکتر حاج سید محمد علی و حجت الاسلام و المسلمین سید علی، معروف به آقا ابوالحسن، حاصل گردید.(۵)

اساتید

ایشان از محضر اساتید بزرگوارى در یزد، قم و نجف بهره مند شد. الف) نام اساتیدی که او در یزد از محضر آنها استفاده می کرد، به قرار ذیل است؛ حضرات آیات و حجج اسلام:

۱. آقا سید حسین مدرّس باغ گندمی(۶) (۱۲۷۰ - ۱۳۶۶ ق): (۷) که از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی است. در حالات وی آورده اند که کمتر از زخارف دنیوی بهره می گرفت. روح و جسمش وقف معنویات و مطالعه بود و در طهارت و پیراستگی زبانزد همگان. نقل است که وی در بیشتر ایام تحصیل و تدریس خود در بستر نیا سود و در صورت غلبه خواب، به صورت نشسته استراحت می کرد. دست هایش از کثرت مطالعه، تا آرنج پینه بسته بود.(۸)

۲. آقا میرزا سید احمد مدرّس (۱۲۹۵ - ۱۳۸۸ ق): وی عالمی عامل، فقیهی پارسا، شخصیتی محبوب، مدرّسی کوشا و انسانی قانع بود. هیچ گاه در طول عمر با برکتش دست از ادای وظیفه شرعی بر نداشت. اخلاق نیک، پشتکار و نظم ایشان در امور زندگی از ویژگی‌های بارز این عالم فرهیخته است. این عالم متقی، بیشتر عمر خود را با تنگی معاش سپری کرد.^(۹)

ایشان صاحب تصنیف و تألیف است و بر بسیاری از فضلا، که در آن زمان در قم یا نجف و یا یزد بودند، حق تعلیم داشت.^(۱۰)

۳. حاج سید محمد باقر مدرّسی (۱۳۱۶ - ۱۴۰۶ ق):^(۱۱) از شاگردان آیات عظام: آقا ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی است. در حالات وی آورده‌اند:

مدت مدیدی در مرکز دینی و فرهنگی یزد چون مدرسه علمیه مصلّا، به ترویج و تبلیغ و تبیین احکام و معارف دینی پرداخت و مورد احترام طبقات مختلف مردم بود. قد خمیده، صورت شاد و متبسم و نظیف ایشان در خاطره زمان باقی است.^(۱۲)

۴. حاج میرزا آقا مدرّسی (۱۳۱۹ - ۱۳۸۴ ق):^(۱۳) آیت الله حاج سید محمد صادق مدرّسی، معروف به حاج میرزا آقا مدرّسی، از کسانی بود که هوش سرشار، ذهن نقّاد، حافظه فوق العاده و قدرت استنباط ایشان هنوز هم زبانزد بسیاری از بزرگان است. قدرت فکری و زمینه‌های مناسب تحصیلی، ایشان را به مرحله‌ای از تفقّه و اجتهاد رسانید که تا پایان عمر نه چندان طولانی خود در حوزه تدریس، در ردیف دانشمندان و

فقیهان بزرگ محسوب می‌گردید. (۱۴)

ب) اساتیدی که آن مرحوم در قم از محضر آنها استفاده کرد؛ عبارتند از حضرات آیات عظام:

۱. آقا میرزا محمد همدانی (۱۳۱۵ - ۱۳۶۵ ق): (۱۵) از شاگردان مرحوم حایری یزدی و مورد وثوق کامل ایشان بوده است. از ویژگی‌های بارز درس آیت الله همدانی، خوش بیانی بی‌حد و حصر او بود که زبانزد خاص و عام گردیده بود. ایشان صاحب «رساله علی‌الد» می‌باشد. (۱۶)

۲. آقا سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ ق): (۱۷) شاگرد آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله ملامحمد کاظم خراسانی است. ایشان در تأسیس حوزه علمیه قم به مرحوم آیت الله حایری یاری رسانید و در این راه پس از درگذشت مؤسس حوزه، گام‌های بلندی برداشت. این عالم بزرگوار در مدت عمر سعادت‌مند و با برکت خود، به اقداماتی دست زد؛ از معروفترین آنها برپایی نماز جمعه در شهر مقدس قم، پس از این که سال‌ها ترك شده بود و دیگری اقدام فراموش نشدنی این مرد الهی و مستجاب الدعوة بودن در اقامه نماز استسقاء (نماز باران) در سال ۱۳۶۳ ق. است که مصادف با اشغال ایران به وسیله متفقین بود. (۱۸)

در باره نماز استسقای ایشان، باید گفت که قبل از نماز، آیت الله سید محمد حجت رحمه‌الله و آیت الله سید صدرالدین صدر رحمه‌الله به ایشان پیغام دادند که ما حاضریم در نماز باران شرکت کنیم. ایشان پیغام دادند که شما شرکت نکنید، من نماز باران را می‌خوانم. اگر خداوند دعای ما را مستجاب کرد و باران آمد، مردم آن را به حساب همه روحانیت

می‌گذارند؛ ولی اگر باران نیامد، مردم این را به حساب من می‌گذارند و موقعیت شما محفوظ می‌ماند. بگذارید اگر لطمه‌ای به وجهه کسی وارد شد آن، من باشم تا موقعیت شما محفوظ بماند. (۱۹)

۳. آقا سید محمد حجت (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲ ق): (۲۰) صاحب تألیفات چون: «رسالة الاستصحاب»، «البيع»، «حاشية الكفاية»، «رسالة الصلوة»، «رسالة الوقت» و «لوامع الانوار الغرويه في مرسلات الآثار النبوية». یکی از ویژگی‌های آن بزرگوار این بود که از تظاهر و خودنمایی می‌گریخت و به دوستان و یاوران خود سفارش می‌فرمود که برایش تبلیغ نکنند و اجازه نمی‌داد جراید و روزنامه‌ها عکسی از ایشان چاپ نمایند. به اهل منبر هم فرموده بود:

راضی نیستم نام مرا بر منابر ببرید.

عادت ایشان این بود که هر سه چهار سال يك بار، تمام کتاب‌های درسی حوزه را، از مقدمات تا کفایه، به دقت مطالعه می‌کرد. (۲۱)

۴. حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ق) (۲۲)، مؤسس حوزه علمیه قم: از تألیفات ایشان این کتاب‌ها را می‌توان نام برد: «درر الفوائد فی الاصول»، «کتاب الرضاع»، «کتاب الصلوة»، «کتاب المواریث»، «کتاب النکاح». (۲۳)

در حالات ایشان آورده‌اند که: بسیار ساده می‌زیست تا آنجا که می‌نویند با این که مبالغ زیادی از وجوه شرعی در اختیارش بود، به هنگام رحلت قیمت همه اثاثیه‌اش به ۱۵۰۰ تومان نمی‌رسید (با توجه به این که او در سال ۱۳۱۵ ش. وفات نمود)، و بیش از آن را مقروض بود؛

حتی باز ماندگانش توان مالی برای اقامه عزاداری در سوگ او نداشتند. لذا یکی از ثروتمندان وقت، مخارج شش شبانه روز عزاداری او را بر عهده گرفت.

همچنین گفته شده: هنگامی که ایشان در بستر وفات بود، آیت الله صدر مبلغی به محضرش آورد تا برای مخارج زندگی فرزندانش بپردازد؛ اما او آن را قبول نکرد و فرمود: خداوندی که عبدالکریم پسر قصّاب را از دهکده مهرجرد یزد به قم آورد و حاج شیخ عبدالکریم کرد، همان قادر است که مخارج زندگی فرزندان مرا تأمین کند. (۲۴)
(ج) اساتیدی که آیت الله مدنی در نجف از آنها استفاده کرده متعدد بوده‌اند، از جمله حضرات آیات عظام:

۱. آقا شیخ ضیاء الدین عراقی (۱۳۶۱ ق): (۲۵) از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است. حوزه درس فقه و اصول مرحوم عراقی، محل استفاده بزرگان عرب و عجم بود. در لطافت بیان، نیکویی تقریر و حُسن تحریر گوی سبقت را از دیگران ربوده بود.
وی صاحب تألیفاتی چون: مقالات الاصول و شرح تبصره علامه می‌باشد. (۲۶)

۲. آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ ق): (۲۷) ایشان از علمای طراز اول آن زمان بود. وی محقق، مدقق، فقیه، اصولی، رجالی، معقولی و منقولی بود. در تمامی بلاد اسلامی، مشهورترین مرجع تقلید شیعه به شمار می‌رفت. علاوه بر این که در مراتب علمی پیشرو دیگران بود، دارای طبعی کریم، سخی و اخلاقی پیامبر گونه بود. مجلس درس ایشان

جامع‌ترین مجلس درس دینی و مرکز استفاده علمای بزرگی بود. (۲۸)

یکی از طلاب حکایت کرده: در صحن امام حسین علیه‌السلام، نزدیک تلّ زینبیه نشسته بودم، و مردی در کنار من ایستاده بود. مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی با اصحابش از حرم مقدس امام حسین علیه‌السلام خارج شد و صحن مطهر را از در تلّ زینبیه ترک گفت. آن مردی که در کنار من ایستاده بود، آهسته گفت: بروم و سید را دشنام گویم. آن مرد به دنبال سید حرکت نمود تا آن که هر دو از آن جا گذشتند. طولی نکشید که آن مرد دشنام دهنده با چشم گریان برگشت. علتش را پرسیدم، پاسخ داد: من سید را تا در منزل دشنام دادم، اما همین که به در منزل رسیدم، سید فرمود: همین جا توقف کن؛ من با شما کاری دارم. سپس داخل منزل شد. طولی نکشید که از منزل خارج شد و فرمود: این پول‌ها را بگیر و هر موقع تنگدست شدی به ما مراجعه کن، زیرا ممکن است چنانچه به غیر ما مراجعه کنی حاجت تو را برآورده نسازند. دیگر آن که من آمادگی دارم هر گونه دشنام و ناسزایی را بشنوم، ولی استدعا دارم که عرض و ناموس مرا مورد دشنام قرار ندهی.

آن مرد می‌گوید: چنان این کلمات سید در من اثر عمیق به جای گذاشت که نزدیک بود روح از بدنم جدا شود. اشک چشمانم را فرا گرفت و ریشه بر اندامم افتاد. (۲۹)

پرکسی تکریس

مرحوم مدرسی پس از تکمیل مراحل علمی در شهر نجف و دریافت

اجازه اجتهاد از بزرگانی چون: آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی، به وطن خود (یزد) بازگشت و بر کرسی تدریس فقه و اصول تکیه زد و جمع زیادی از طلاب بر گرد او جمع شد تا از بیان بسیار رسا و شیوای ایشان بهره‌مند شوند. (۳۰)

شاگردان

مرحوم مدرسی در عمر با برکت خود شاگردانی را تربیت نمود که هر يك خود از پرچمداران ممتاز حوزه به شمار می‌روند. اسامی بعضی از این بزرگواران چنین است؛ آیات عظام و حجج اسلام:

۱. استاد محمد تقی مصباح یزدی.

۲. سید محمد علی مدرسی یزدی.

۳. سید عباس خاتم یزدی رحمه‌الله.

۴. ابو ترابی یزدی.

۵. محمد انوری.

۶. علی محمد انواری.

۷. ابوالقاسم مناقب.

۸. سید محمد مدرسی.

۹. سید جواد مدرسی. (۳۱)

ویژگی‌های اخلاقی

۱. مدرّس فروتن: مرحوم مدرسی با وجود آن مقام علمی عظیم، مقتّد

نبود که حتماً درس خارج بدهند؛ هر درسی که در حوزه لازم بود شروع می‌کردند و دنبال کسب شهرت نبودند؛ حتی در اواخر عمر برای طلاب، کتاب معالم را تدریس می‌کردند.

۲. زهد و صبر: صبحانه ایشان نان و سرکه بود، در عین حال خیلی با نشاط درس می‌خواندند. صبر و تحملش در گرفتاری‌های زندگی زیاد بود؛ به طوری که بعضی می‌خواستند مشکلات او را بیان کنند، ولی ایشان هیچ گاه حاضر نشد که از سختی‌ها سخنی بگوید.

همان طور که قبلاً گفته شد، در ۹ سالگی پدر ایشان از دنیا رفت. بعد از درگذشت پدر، فقر اقتصادی خانواده وی شدت یافت؛ چنان که نمی‌توانستند بیشتر از ساعت ۸ یا ۹ شب چراغ را روشن نگه دارند. لذا او بیشتر، با نور مهتاب درس می‌خواند. برای همین جهت بود که پس از مدتی چشم‌های وی دچار مشکل شد.

۳. احترام به طلاب: هیچ گاه طلبه‌ای را که در محضرش بود، ضایع نمی‌کرد بلکه احترام او را جلو هر کسی نگه می‌داشت.

۴. گذشت: افرادی بودند که در زمان او نسبت به ایشان تنگ‌نظر بودند و سعی داشتند به ایشان آزار برسانند؛ اما ایشان نه تنها اذیت‌های آنها را فراموش می‌کرد، بلکه به آنها احترام می‌گذاشت و شخصیت آنها را به خاطر اعمال بدشان کوچک نمی‌کردند. (۳۲)

فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و عمرانی

الف) فعالیت فرهنگی: ایشان در زمانی که فحشا و منکرات زیاد بود،

جلسات قرآن و تفسیر برگزار می‌کرد و تلاش می‌کرد که تعطیل نشود؛ حتی بعضی اوقات شب‌ها دیر هنگام به منزل می‌رفت. در مدت برگزاری این جلسات هم قرائت قرآن را به مردم تعلیم می‌داد و هم معنا و تفسیر آن را. گاه می‌شد که ایشان کسالت و مریضی داشت، اما با همان حال بر سر جلسات حاضر می‌شد و به تلاش خود ادامه می‌داد. (۳۳)

ب) فعالیت اجتماعی: آن مرحوم در مسجد مدرسه مصلّا، اقامه جماعت می‌کرد. بعد از آن، مشغول رسیدگی به مسایل شرعی و مشکلات زندگی مردم می‌شد. وی تأمین پاره‌ای از مخارج طلاب و روحانیان استان یزد را - که در آن زمان بالغ بر دویست نفر بودند. - بر عهده گرفته بود. (۳۴)

ج) فعالیت عمرانی: از جمله تعمیر و بازسازی مدرسه مصلّا که مدت‌ها متروک بود و احیای بسیاری از موقوفات این مدرسه. (۳۵)

رحلت و مکن دفن

سرانجام این عالم ربّانی در ۶۳ سالگی در شب بیست و چهارم رمضان ۱۳۹۳ ق، در حالی که چشمانش بر اثر بیماری قند نابینا شده بود، دار فانی را وداع گفت و شهباز روحش، به سوی عالم ملکوت پرکشید. در یزد پیکرش را تشییع کم نظیری نمودند و پس از نماز در مدرسه مصلّا - بنابر وصیت آن مرحوم - به قم انتقال داده شد و در قبرستان شیخان، نزدیک مقبره زکریا بن آدم دفن گردید. (۳۶)

یادش گرامی باد و ان شاء الله نامش در زمره ملکوتیان جاودانه باد.

پنوشت:

- ۱ - نسل نور؛ سیری در زندگانی و افکار آیت الله حاج سید محمد مدرسی رحمه الله و جمعی از بزرگان سلسله مدرسیه، تألیف سید محمد کاظم مدرسی، ص ۴۱۱، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، نشر نیکو روش.
- ۲ - همان.
- ۳ - آیینہ دانشوران، ص ۲۵۲، چاپ سوم، سید علی رضا ریخان یزدی، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۴ - نسل نور، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.
- ۵ - همان، ص ۴۱۳.
- ۶ - باغ گندم، نام محله‌ای است در یزد. (آیینہ دانشوران، ص ۲۲۴).
- ۷ - نسل نور، ص ۴۱۱.
- ۸ - همان، ص ۴۴.
- ۹ - همان، ص ۳۷۹ و نجوم سرد خطی، ص ۲۶.
- ۱۰ - آیینہ دانشوران، ص ۴۲۴.
- ۱۱ - نسل نور، ص ۴۱۱.
- ۱۲ - همان، ص ۴۶۶ و نجوم سرد، ص ۸۹.
- ۱۳ - نسل نور، ص ۴۱۱.
- ۱۴ - همان، ص ۴۷۳.
- ۱۵ - آیینہ دانشوران، ص ۲۵۲.
- ۱۶ - گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۰۲ و آثار الحجة، شریف رازی، ج ۱، ص ۲۲۴ و ۲۲۳.
- ۱۷ - آیینہ دانشوران، ص ۲۵۲.
- ۱۸ - مجله نور علم، ش ۶ و آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۴۳.
- ۱۹ - داستان‌هایی از زندگی علماء، محمد تقی صرفی، ص ۱۰۴، نشر برگزیده، ۱۳۷۲.
- ۲۰ - نسل نور، ص ۴۱۱.
- ۲۱ - مجله نور علم، ش ۱۰، ص ۸۸ و ۸۹.

- ۲۲ - نسل نور، ص ۴۱۱.
- ۲۳ - ریحانة الادب، میرزا محمد مدرس، ج ۱، ص ۶۷.
- ۲۴ - آیت الله مؤسس، کریمی جهرمی، ص ۱۳۱.
- ۲۵ - نسل نور، ص ۴۱۲.
- ۲۶ - ریحانة الادب، ج ۱، ص ۵۵.
- ۲۷ - نسل نور، ص ۴۱۲.
- ۲۸ - ریحانة الادب، ج ۱، ص ۱۴۲.
- ۲۹ - داستان‌هایی از زندگی علماء، ص ۱۰۵.
- ۳۰ - نسل نور، ص ۴۱۲.
- ۳۱ و ۳۲ - گفت و گو با فرزند آن مرحوم، حجة الاسلام و المسلمین سید علی مدرسی معروف به آقا سید ابوالحسن.
- ۳۳ - مصاحبه با فرزندش.
- ۳۴ - نسل نور، ص ۴۱۲.
- ۳۵ و ۳۶ - همان، ص ۴۱۳.

محمد فاضل قاینی نجفی

«آیت فضیلت»

* * *

علی فاضل قاینی نجفی

جای عکس

محمد فاضل قاینی نجفی

محقق و علامه فرزانه، آیت الله شیخ محمد فاضل قاینی نجفی از جمله کسانی است که به دست تقدیر و لطف الهی، توانست در رشته‌های مختلف علوم و فرهنگ اسلامی؛ از قبیل فقه، اصول و علم کلام آثار ارزشمندی از خود به جای گذارد.

بررسی تمام ابعاد زندگانی چنین مردان بزرگی، کار بسیار دشوار و عظیم است؛ ولی به طور خلاصه گوشه‌هایی از زندگی این استوانه علم و تقوا را در اختیار علاقه‌مندان و پژوهندگان محترم می‌گذاریم.

ولایت و زلگاه

تاریخ تولد ایشان در حدود سال ۱۳۱۰ ه. ق. می‌باشد. زادگاه ایشان،

روستای خرمنج، که اخیراً به پاس احترام معظم له به «فضل آباد» تغییر نام داده شده، یکی از روستاهای حومه پسکوه شهرستان قائن در جنوب استان خراسان است.

پدرشان، مرحوم آقا شیخ عبدالکریم بنی اسدی، از معمرین آن دیار بوده و از علم و فضل بهره‌ای داشته است. وی همواره فرزند خویش را به فراگیری علوم و معارف حیات بخش اسلام ترغیب و راهنمایی می‌کرد.

نیکان

اجداد مرحوم آیت الله فاضل، از طایفه بنی اسد می‌باشند. آنان بعد از دفن اجساد مطهر شهدای کربلا، از ترس تعقیب مأمورین ابن زیاد به ایران آمده و در اطراف شهرستان قائن ساکن شدند و به جهت دفن شهدای کربلا، مورد تکریم و محبت سلاطین صفویه قرار گرفتند. در اولین سال‌های سلطنت شاه اسماعیل، او فرمان معافیت این طایفه از مالیات را صادر کرد که سلاطین بعدی نیز از او تبعیت نمودند. این اسناد در میان این طائفه حفظ و تا به امروز نگهداری شده است. (تصویر دو فرمان از فرمان‌های فوق ضمیمه این مقاله می‌باشد).

تحصیلات

وی پس از طی دوران کودکی و تربیت در محیط صمیمی خانواده و پرورش در دامن پاك مادری مهربان و پدری فاضل، برای فراگیری خواندن و نوشتن به روستای مجاور (نو غاب پسکوه)، رهسپار شد و در

محضر یکی از علمای عارف آن محل، به نام مرحوم ملا عبدالجواد، حاضر شد و شب و روز از فضل و دانش وی بهره‌مند گردید؛ به طوری که مرتب سوالات درسی خویش را از استاد می‌پرسید و از پاسخ‌های وی استفاده می‌نمود.

یکی از اهالی زادگاه وی می‌گوید:

«در دوران نوجوانی، مرحوم فاضل رحمه الله خواب دیده بود که عمامه بر سر می‌بندد و هر چه از آن عمامه را به سر می‌پیچد به انتها نمی‌رسد. تعبیر این خواب را، از استادش ملا عبدالجواد می‌پرسد. ایشان در پاسخ می‌گوید: از چنان مقام علمی بالایی برخوردار خواهی شد که به علمی بی‌پایان متصل است.»

وی پس از به پایان رساندن دروس مقدماتی، به شهرستان قاین که بزرگانی نیز در آن اقامت داشتند، رفته و در مدرسه علمیه جعفریه مشغول تحصیل شد. پس از مدتی، دروس سطح را از استادان بزرگ آن دیار فرا گرفت و در اثنای این دوران به «فضل» معروف گردید و در همان حوزه نیز به تدریس اشتغال ورزید.

مقبله باستمگر

حاکم آن دیار شوکت الملك (پدر اسدالله علم)، نام داشت که در موقوفات آن شهر به دلخواه تصرف می‌کرد. این عمل وی، با اعتراض علمای آن زمان، از جمله آقای فاضل مواجه می‌شود. امیرقاین نیز در واکنش به این اعتراض، دستور جلب و دستگیری آقای فاضل را صادر

می‌نماید. بدین جهت ایشان دستگیر (۱) و به شهرستان بیرجند، محل اقامت امیر منتقل می‌شود.

وقتی که ایشان را نزد امیر حاضر می‌کنند، وی پس از سؤالاتی متوجه می‌شود که اعتراض آقای فاضل به سبب دیانت و پاکی وی بوده، نه به علت عناد و غرض‌ورزی شخصی. بنابراین ضمن عذرخواهی از آقای فاضل، وجهی را نیز به ایشان اهدا می‌نماید که ایشان نمی‌پذیرند و این علی‌رغم اصرار امیر بود.

هنگامی که امیر، می‌خواهد مرحوم فاضل قایینی را به قاین برگرداند ایشان به دلایلی از بازگشت به شهر خود منصرف شده، راهی سبزوار می‌شود.

هجرت به نجف

تقدیر الهی سبب شد تا پس از مراجعت ایشان از بیرجند و مدتی توقف در شهرهای میان راه، از قبیل سبزوار و تهران، سرانجام این سفر به عراق و نجف اشرف بیانجامد. معظم له جوار مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام را برای اقامت دائم برگزید و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند خراسانی - که در «محلّه حویش» قرار داشت - به تحصیل خود ادامه داد. عاقبت پس از سال‌ها تلاش و تحقیق و تدبّر در علوم و معارف اسلامی به مقام اجتهاد نایل گردید.

همسر و فرزندان

همسر ایشان، دختر آیت الله شیخ علی همدانی - نوه حاج آقا رضا همدانی، فقیه، مرجع تقلید و صاحب کتاب **مصباح الفقیه** - می‌باشد. ثمره این ازدواج چهار پسر و پنج دختر می‌باشد. از آنجا که فرزندان پسر وی، دارای آثار و برکاتی بوده‌اند، به معرفی اجمالی هر یک می‌پردازیم:

۱. **شیخ مهدی**، که از علما و صاحب تألیفات فراوانی می‌باشد. وی که ساکن شهرستان بیرجند بود، در آنجا مسجد و مدرسه‌ای بنا نمود. همچنین در مشهد مقدس، مدرسه‌ای تأسیس کرد که در حال حاضر فرزند ایشان آقای شیخ محمد رضا فاضل آن را اداره می‌کند. شیخ مهدی در زمان حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۴۰۲ ه. ق درگذشت و در همان شهر خود نیز به خاک سپرده شد.

۲. **شهید شیخ احمد**، که در ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، بر ضد رژیم ستم شاهی مبارزه می‌کرد و چندین بار دستگیر و زندانی گردید. در سال ۱۳۴۸ ش. که به عتبات مشرف شده بود، هنگام مراجعت به ایران، به دلیل این که کتاب حکومت اسلامی، امام خمینی قدس سره را همراه خود داشت، در گمرک خسروی دستگیر می‌شود و از همان جا به تهران انتقال می‌یابد و مدت‌ها در سلول انفرادی زندان قزل قلعه در کنار شهید بزرگوار سید محمد رضا سعیدی حبس می‌گردد. خود شهید شیخ احمد فاضل نقل می‌کند:

روزی شهید سعیدی از سلول خود با من صحبت می‌کرد، مرا شناخت و گفت: در تهران نزد پدر شما رفته‌ام. بعد از چند شب، آیت

الله سعیدی را به شهادت رساندند و چندی وضعیت زندان از حالت طبیعی خارج می‌شود.

در سال ۱۳۵۴ ش. که طلاب در مدرسه فیضیه، بر ضد رژیم پهلوی تجمع کردند و در مدرسه به وسیله عمال رژیم بسته شد، عده‌ای از طلاب دستگیر و زندانی می‌شوند. در میان دستگیر شدگان فردی به نام محدث (که بعد از انقلاب به گروه منافقین پیوست و اعدام شد)، شهید شیخ احمد فاضل را از محرکین معرفی می‌نماید. لذا ساواک ایشان را هم دستگیر کرد و تحت شکنجه‌های سخت قرار داد. شدت شکنجه‌ها به حدی بود که وی چندین بار بیهوش می‌شود و پاهای ایشان زخم و جراحات برمی‌دارد؛ به طوری که به ناچار او را به بیمارستان انتقال می‌دهند.

شهید شیخ احمد فاضل در دادگاه رژیم منحوس پهلوی، به سه سال زندان محکوم و با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد می‌گردد.

در سال ۱۴۰۲ ق. که برادر بزرگ وی، مرحوم شیخ مهدی، سال‌ها در شهرستان بیرجند به فعالیت دینی اشتغال داشت، بدرود حیات گفت، کسبه و اصناف شهر از ایشان تقاضا می‌کنند که در مسجد برادر خود اقامه نماز و انجام وظایف شرعی را بر عهده گیرد. ایشان هم دعوت مردم را می‌پذیرد و مسجد و مدرسه برادر خود را به بهترین وجه اداره می‌نماید که مورد توجه اهالی و مردم متدین بیرجند قرار می‌گیرد.

در ضمن، شهید شیخ احمد چندین بار با وجود ضعف و بیماری، که بر اثر شکنجه‌های زمان طاغوت بر او عارض شده بود، همراه جوانان

غیرور ببرجند در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت نمود و سرانجام در عملیات ماووت هشت، به سال ۱۳۶۶ ش. به فیض شهادت نایل گردید و در گلزار شهدای امامزاده علی بن جعفر در قم به خاک سپرده شد.

۳. **شیخ علی** (راقم این سطور)، فرزند دیگر مرحوم آیت الله فاضل قاینی است. ایشان نیز چندین سال در حوزه نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشت. دروس سطح و مقداری از درس خارج را نزد بزرگان و اساتید آن حوزه خواند. در سال ۱۳۵۲ ش. به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس فقه و اصول را نزد اساتید فرا گرفت. وی اکنون به تدریس و تألیف اشتغال دارد.

ایشان تا کنون، بیش از چهارده کتاب و رساله تألیف، تحقیق و منتشر نموده است؛ از آن جمله کتاب‌های: «معجم مؤلفی الشیعة» که به وسیله وزارت ارشاد منتشر شده؛ «علم الاصول تاریخاً و تطوراً» که دفتر تبلیغات اسلام حوزه علمیه قم دو مرتبه آن را تجدید چاپ کرده است؛ تحقیق کتاب «حدود و قصص» علامه مجلسی رحمه الله؛ تحقیق رساله ارث مرحوم گنجوی با حاشیه حضرت امام خمینی قدس سره که تا به حال سه مرتبه طبع شده است؛ تحقیق کتاب «اللؤلؤة الغرویة» که شامل يك دوره علم اصول از مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی است. این کتاب نیز در سه جلد حروفچینی شده است که به زودی به چاپ خواهد رسید؛ همچنین تحقیق کتاب «بیع و خیار» از مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی است. این کتاب نیز در دو مجلد حروفچینی شده و آماده چاپ است. ایشان چندین کتاب و رساله دیگر تألیف نموده، که هنوز به طبع نرسیده است.

۴. شیخ محمود، که در ضمن تحصیل و تبلیغ، دو اثر چاپ شده به نام‌های: «گلستان صالحین» و «طب از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام» از خود باقی گذاشته است. وی در روز ۵ محرم سال ۱۴۱۶ ه. ق در سفر تبلیغی به «خنداب» اراک، بعد از منبر، بر اثر سکت قلبی دارفانی را وداع گفت و مهمان سیدالشهداء علیه‌السلام شد. پیکر آن مرحوم به شهرستان مقدس قم انتقال یافت و پس از تشییع در مقبره علما در قبرستان باغ بهشت، دفن گردید. دامادهای مرحوم آیت الله محمد فاضل قاینی نیز که جملگی از علما و دارای موقعیت و الای علمی و اجتماعی می‌باشند، عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام: حاج شیخ محمد رحمتی سیرجانی، مؤلف کتاب القصاص، الحدود و الدیات، که هر کدام در دو جلد به طبع رسیده‌اند؛ حاج شیخ محمد ابراهیم ربانی بیرجندی؛ شیخ علی آزاد قزوینی و حاج شیخ خلیل نائینی. همچنین آقای عبدالله جوادی (ابوسلام)، فرزند میرزا جمیل طبیب نجفی، که به کسب اشتغال دارند.

استفاد فضل قبنی در نجف اشرف

چنان که گذشت، آیت الله فاضل قاینی سال‌ها در حوزه نجف اشرف به تحصیل پرداخته و از محضر بزرگان و اساتید آن جا کسب فیض کرده است؛ که به نام بعضی از این بزرگواران اشاره می‌شود:

- ۱ - آیت الله میرزا حسین نائینی رحمه‌الله، (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ ق.).
- ۲ - آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمه‌الله.
- ۳ - آیت الله سید ابراهیم میرزا آقا اصطهباناتی رحمه‌الله، (۱۲۹۷ - ۱۳۷۸ ق.).

۴ - آیت الله سید ابوتراب خوانساری، (۱۲۹۱ - ۱۳۴۶ ق.) در حدیث و رجال.

وی مدتی طولانی در درس آیت الله نائینی و درس سید ابوالحسن اصفهانی، که مرجع تقلید شیعیان در آن زمان بود، شرکت کرد. سطوح عالی را هم نزد آیت الله سید ابراهیم میرزا آقا اصطهباناتی گذراند و از محضر ایشان خارج فقه و اصول را فرا گرفت. رابطه ایشان با مرحوم اصطهباناتی از حد ارتباط بین استاد و شاگرد، فراتر و صمیمی‌تر بود و علاقه‌ای طرفینی بین آنان برقرار بود.

بعد از رحلت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، عده‌ای از اهالی نجف و اهل علم از آیت الله فاضل درباره تقلید پس از مرحوم اصفهانی رحمه الله سؤال می‌کردند و ایشان آنها را به مرحوم اصطهباناتی معرفی و ارجاع می‌نمودند و ضمناً به اعلمیت ایشان هم شهادت می‌دادند. این عمل آیت الله فاضل قاینی، در رجوع مردم و اهل علم به تقلید از آیت الله اصطهباناتی، تأثیر زیادی داشت. مورد فوق، نشان دهنده و گواه بر موقعیت علمی و شخصیتی آیت الله فاضل قاینی در مجامع علمی، مذهبی آن روزگار، در نجف اشرف می‌باشد.

گواهی اجتهاد

در حوزه نجف مرسوم بود که اگر شخصی در فقه و اصول به درجه اجتهاد می‌رسید، استادان حوزه اجتهاد او را گواهی می‌کردند. گواهی بر

اجتهاد آیت الله فاضل قاینی را نیز مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله اصطهباناتی تأیید و تقریر کرده و اجازه اجتهاد به ایشان صادر نموده‌اند. آیت الله اصفهانی رحمه الله در قسمتی از اجازه خود آورده است:

«به درستی جناب عالم عامل، ستون علمای عاملین و گواهی شده فقهای بزرگ جامع معقول و منقول در فروع و اصول، رکن و ستون اسلام، مورد اعتماد و شخص جلیل و صاحب مقام و مرتبه عالی و والا، آقای شیخ محمد قاینی معروف به فاضل (دامت برکاته)، عمر شریف خویش را در حوزه نجف اشرف، در تحصیل علوم شرعی صرف نموده و نزد اساتید بزرگ آن حاضر و کوشش و رنج زیاد به خود داده و به خواسته خویش رسیده که رسیدن به درجه اجتهاد و استنباط احکام شرعی و الهی می‌باشد.»

مشابه همین متن را، مرحوم آیت الله اصطهباناتی رحمه الله در گواهی اجتهاد ایشان آورده و اضافه کرده‌اند که ایشان (آیت الله فاضل) از معدود مجتهدین می‌باشد.

علاوه بر اجازه اجتهاد از مراجع فوق، وی از استاد حدیث و رجال حوزه، مرحوم سید ابوتراب خوانساری رحمه الله (۱۲۱۷ - ۱۳۴۶ ق.) نیز، اجازه نقل احادیث و روایات دریافت کرده است.

شگردان

یکی از ویژگی‌های ایشان در حوزه و مجامع علمی، روش تدریس و

بیان شیوای آن استاد فرزانه بود. تسلط ایشان بر مسائل و مطالب علمی، ویژگی دیگری بود که سبب جذب طلاب به مجلس درس ایشان می‌شد. این دو عامل باعث شد که بیشتر وقت ایشان صرف تدریس شود و در این مدت شاگردان بسیاری از محضر ایشان استفاده کنند، که بسیاری از آنها از علمی بلاد و عده‌ای نیز از مدرّسین حوزه‌های علمی در شهرهای نجف، قم، مشهد و... هستند. برخی از این علما عبارتند از حضرات آیت:

- ۱ - شهید شیخ مرتضی بروجردی رحمه‌الله نویسنده «کتاب المستند» شرح عروة الوثقی، از شاگردان کتاب کفایه ایشان می‌باشد.
- ۲ - حاج سید محمود ده سرخی، نویسنده کتاب دائرة المعارف «مفتاح الکتب الاربعه» و تألیفات سودمند دیگر.
- ۳ - حاج شیخ محمد غروی، مؤلف کتاب «الامثال النبویّة»؛ وی کتاب شرح تجرید را نزد ایشان خوانده است.
- ۴ - حاج شیخ علی آزاد قزوینی، از مدرّسین درس خارج فقه در حوزه علمیه قم و مؤلف کتاب «غایة القصوى فی شرح العروة الوثقی» (ایشان داماد مرحوم آیت الله فاضل نیز می‌باشند).
- ۵ - حاج سید محمد تقی اراکی سجادی.
- ۶ - حاج سید ابراهیم خراسانی کاظمینی.
- ۷ - حاج شیخ حسن اصفهانی قه‌دریجانی.
- ۸ - شیخ موسی، فرزند آیت الله شیخ هادی زین العابدین نجفی.
- ۹ - حاج شیخ علی مردان (ظهیر الاسلام) از مدرّسین حوزه علمیه قم.
- ۱۰ - حاج میرزا محمد جواد غروی علیاری تبریزی، ساکن تهران.

۱۱ - حاج سید علی شاه‌رودی، فرزند مرجع فقید شیعه آیت الله حاج سید محمود شاه‌رودی رحمه الله، که از شاگردان کتاب مکاسب ایشان می‌باشد.

۱۲ - حاج سید مهدی خلخالی، که از شاگردان کتاب کفایه ایشان می‌باشد.

۱۳ - حاج شیخ کاظم شمشاد هندی استاد (منتدی النشر).

۱۴ - حاج سید مصطفی علم الهدی جزائری.

۱۵ - حاج سید محمدرضا واعظی قاینی.

۱۶ - حاج سید مرتضی نقوی، که از علمای بزرگ هند بودند.

ویژگی‌های اخلاقی

رفع نیازهای مردم

مرحوم آیت الله فاضل با مردم و شاگردان خود خوش رفتار بود؛ مخصوصاً برای جوانان، احترام زیادی قائل بود و به آنان علاقه داشت. به مسائل دینی افراد با تأمل و حوصله تمام جواب می‌داد و هیچ احساس خستگی نمی‌کرد.

در برآوردن حاجات مردم، سعی وافر داشت. هنگامی که برخی از طلاب غریب، احتیاج به سکونت در مدرسه داشتند و از ایشان می‌خواستند سفارش به متولیان مدارس کند، بی‌تکلف همراه آنان می‌رفت و واسطه می‌شد و برای آنان حجره تهیه می‌کرد و شهریه و مایحتاج ضروری زندگی آنان را، مخصوصاً در زمان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، که احترام زیادی به ایشان قائل بود، فراهم می‌کرد.

به دلیل علاقه فراوانی که به طلاب داشت، چهار دختر خود را به ازدواج چهار نفر از طلاب فاضل درآورد. این در حالی بود که افراد دیگری وضع مادی بهتری داشتند، خواهان ازدواج بودند. ایشان که خود شیفته معارف و علوم دینی بود، فرزندان خود را نیز به فراگیری دروس حوزه ترغیب می‌کرد و از این رو هر چهار فرزند پسر وی به تحصیل دروس حوزوی روی آوردند. وقتی که شخصی بر این کار اشکال گرفت که خوب بود که تنها یکی از فرزندان به تحصیل دروس حوزه بپردازد و دیگران را به امور مادی و تجارت می‌گماشتید، ایشان در جواب فرمود: «چه کاری بهتر از طلبگی است؛ خداوند، خود روزی آنها را به عهده گرفته است و از این طریق ما به جامعه بهتر می‌توانیم خدمت کنیم.»

کوشا در تدریس

در تابستان و زمستان و حتی روزی که طفل سقط شده داشت، درس را تعطیل نکرد؛ بلکه او را غسل داده و در میان زنبیلی نهاد و همراه خود به مسجد آورد و طبق روال همیشگی درس خود را گفت. سپس در پایان متذکر شد که می‌خواهد به قبرستان برود و طفل سقط شده خود را دفن کند، که شاگردان از توجه ایشان به تعلیم و تدریس شگفت‌زده شدند. ایشان در تدریس بسیار جدی بودند؛ به طوری که هر روز، صبح و عصر، چندین جلسه تدریس داشتند. اضافه بر آن در شب‌های ماه مبارک رمضان علم کلام والهیات را تدریس می‌نمودند و بقیه آن مباحث را در شب‌های پنج شنبه و جمعه، در طول سال بیان می‌کردند.

شیدای اهل بیت

یکی دیگر از صفات ایشان، علاقه زیاد به اهل بیت رسالت علیه السلام بود؛ بخصوص هر گاه نام حضرت زهرا علیه السلام را می‌بردند، اشک او جاری می‌شد و هر گاه ذکر مصیبت سالار شهیدان علیه السلام را می‌شنید، چنان می‌گریست که شانه‌هایش تکان می‌خورد.

بینش سیاسی

در عراق، انقلابی به رهبری عبدالکریم قاسم انجام گرفت و عوامل انگلیسی‌ها را از بین برد. مردمی که سال‌ها از حکومت سلطنتی رنج دیده بودند، جذب احزاب منحرفی شدند که با شعارهای کاذب و آزادی خواهانه، عقاید مردم را به بازی گرفته بودند. هنگامی که از مرحوم آیت الله فاضل قاینی درباره این قبیل افراد سؤال شد که آیا اینان کافرند؟ ایشان، به سبب بینش صحیح سیاسی که داشت، دریافته بودند توطئه‌ای برای از بین بردن شیعه در کار است، جواب دادند که: اگر کسی از نظر اقتصادی تصوّر کند که احزاب منحرف راه نجات است، این سبب نمی‌شود که حکم به کفر آنان کنیم. در این معنی بزرگان دیگری بودند که با ایشان همفکر بودند؛ ولی عده‌ای دیگر از علما حکم به کفر آنان دادند، و همین حکم سبب شد که شیعیان زیادی نابود شدند.

زهد و ساده زیستی

یکی از صفات پسندیده مرحوم آیت الله فاضل، زندگی ساده و

بی‌تشریفات او بود. وی، خود تمام خرید خانه حتی نان را به عهده داشت. در فکر تجملات زندگی نبود. لباس و خوراک ساده داشت. در تمام مدت زندگی در نجف اشرف چندین خانه استیجاری عوض نمود. وقتی که به ایران آمد نیز همان زندگی سeder را پیش گرفت و در خله‌ای که مربوط به مسجد بود زندگی می‌کرد و تا هنگام رحلت، خله ملکی تهیه نکرد.

تألیفات

آیت الله فاضل قاینی از دانشمندانی به شمار می‌آید که در بارور کردن فرهنگ غنی اسلام سهم به سزایی داشته‌اند. وی در علوم مختلف، مانند: فقه، اصول و کلام، آثار فراوانی از خود به جای گذاشت که به طور خلاصه به معرفی آنها می‌پردازیم:

الف - آثار خطی

۱. آثار ایشان در فقه عبارت است از: «الدرر النجفیه»، که مشتمل بر مباحث مختلف فقهی است؛ رساله‌ای در رضاع؛ رساله‌ای نیز در ارث؛ شرح استدلالی مختصر بر «عروه الوثقی» از آیت الله سید کاظم یزدی رحمه الله؛ شرح استدلالی مختصر بر تبصره علامه حلی رحمه الله.
۲. آثار ایشان در علم اصول: یک دوره علم اصول به نام «الولوة الغرویة»، که در سه جلد آماده چاپ می‌باشد.
۳. و اما تألیف ایشان در علم کلام، عبارت است از: کتابی بزرگ، که مشتمل است بر: اثبات توحید و صفات جمال و جلال، اثبات نبوت خاتم الانبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، اثبات معاد جسمانی، اثبات امامت دوازده

امام علیهم السلام، اثبات عدالت حضرت باری تعالی، اثبات اختیار و نفی جبر و تفویض و بیان فلسفه و حکمت تشریع فروع دین.

ب - آثار چاپ شده

رساله‌ای در مسأله ترتب، که در نجف اشرف به سال ۱۳۵۰ ق. در مطبعة الحیدریة چاپ گردیده است؛ کتاب «الدرر النجفیة» که در باب خمس و زکات و در سال ۱۳۵۴ ق. در نجف اشرف، در مطبعة الحیدریة چاپ و در سال ۱۴۰۶ ق. نیز در قم افست گردید. «حاشیه بر زاد المقلدین» مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء؛ «حاشیه بر تبصرة المتعلمین» علامه حلی، که در نجف اشرف در مطبعة الاداب در سال ۱۳۸۱ ق. چاپ شد و در قم نیز در سال ۱۴۰۶ ق. بار دیگر افست گردید؛ «مختصر الدر الثمین فی معرفة اصول الدین»، در نجف اشرف به سال ۱۳۸۱ ق. به چاپ رسید.

ایشان بعد از هجرت به ایران و سکونت در تهران به فعالیت علمی خود ادامه دادند و کتاب مفصل کلامی خود را خلاصه و به نام «گوهر دین» در اصول و فروع دین در سال ۱۳۸۹ ق. در چاپخانه حیدری تهران طبع نمود. همچنین «ناظم الشتات» را تألیف و در سال ۱۳۹۸ ق. در همان چاپخانه به چاپ رساند. نیز، ایشان کتابی درباره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام به نام «العقل الاول» را نگاشت.

از دیدگاه بزرگان

شرح حال این فقیه نامدار را می‌توان در کتب رجال‌شناسان و فهرست

نویسان معروف به دست آورد که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:
۱. علامه بزرگوار آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» قسمت نقباء البشر ذیل حرف میم به زندگی و آثار ایشان اشاره کرده است.

۲. دکتر شیخ محمد هادی امینی، فرزند علامه مجاهد آیت الله امینی رحمه الله نویسنده کتاب الغدير، در کتاب «معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام» صفحه ۹۵۹، شرح حال ایشان را ذکر نموده و به آثار ایشان نیز اشاره داشته است.

۳. دکتر سید جعفر شهیدی، استاد دانشگاه تهران و سرپرست لغت‌نامه دهخدا در کتاب خاطرات خود، «در دیار آشنایان»، درباره آیت الله فاضل چنین می‌نویسد:

«از همه روشن‌تر خاطره مسجد کوچکی به نام حمّال‌ها را در ذهن داشتم که آقای فاضل قاینی در آن مجلسکی داشت و درس معقول می‌گفت. این مرد بر خلاف بسیاری از ملقبان بدین لقب، علاوه بر اسم، مسّی هم دارد؛ مردی به حقیقت فاضل است و از معقول و منقول برخوردار، دارای طبعی منیع...»

۴. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه» از «الدرر النجفیه» که تألیف آیت الله فاضل است، در قسمت خمس و زکات جلد هشتم صفحه ۱۴۰ (چاپ نجف اشرف) اشاره کرده است.

۵. علامه بزرگوار، حاج شیخ محمد رازی نیز در جلد نهم کتاب «گنجینه دانشمندان» صفحه ۲۵۷، به تاریخ ولادت، شرح زندگی، مهاجرت، اجازه

اجتهاد و آثار آیت الله فاضل پرداخته است.

۶. فرزند مرحوم سید امین عاملی در «مستدرک اعیان الشیعه»، شرح مبسوطی راجع به آیت الله فاضل دارد.

۷. در «المطبوعات النجفیه»، صفحه ۱۶۲ و در «معجم المطبوعات العراقیین»، ج سوم، صفحه ۲۲۵، نیز شرح احوال آثار ایشان درج گردیده است.

۸. خانبابا مشار در کتاب «مؤلفین کتب چاپی»، جلد چهارم، صفحه ۵۶۸ نیز از کتاب «الدرر النجفیه» یاد کرده است.

علاوه بر آنچه گذشت، «روزنامه خراسان»، مورخه ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۷۲ در صفحه‌ای با عنوان «ستاره‌های درخشان» شرح مفصلی از زندگانی آیت الله فاضل ارائه کرده و مجله «نور علم» هم در شماره هشتم از دوره سوم، راجع به «شرح کفایه» و مختصری از شرح حال ایشان به بحث پرداخته است.

وفت و آرامگاه

سرانجام پس از سال‌ها تلاش در راه اسلام و نشر احکام دینی، عمر شریفش به سرآمد و در روز جمعه، سیزدهم ربیع الاول سال یک هزار و چهارصد و پنج هجری قمری در ساعت سه بعد از ظهر، در شهر قم روحش به سوی حضرت حق پرواز نمود و بعد از تشییع و گزاردن نماز به وسیله حضرت آیت الله حاج سید محمد شاه‌رودی، در قبرستان باغ بهشت قم، در قطعه معروف به مقبره علما، دفن گردید.

خبر درگذشت این عالم جلیل القدر از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران پخش شد و روزنامه‌ها نیز خبر رحلت وی را منتشر نمودند. به دنبال این خبر، مجالس ترحیم و بزرگداشت آن عالم بزرگ در شهرهای قم، تهران، قاین، بیرجند و زادگاهش روستای فضل آباد برگزار شد و شخصیت‌های مختلف اجتماعی، دینی، علمی و فرهنگی در آن مجالس شرکت نمودند. روحش شاد.

در انتهای این نوشتار بجاست، اشعاری که درباره آیت الله محمد فاضل قاینی سروده شده را بیاوریم.

آقای دکتر غلامحسین رضا نژاد «نوشین» اشعاری خطاب به حضرت معصومه علیها السلام سروده، که در ضمن یادی از دو استاد خود می‌کند:

... در پناهت آرمیده، خویر از جان من

یعنی اندر خاک تو، دفنند، استادان من
این ز قزوین، آن ز قائن، حجت و برهان من
پایه کیش من و شالوده ایمان من

تا قیامت حقشان پاینده اندر جان من
ثبت شد، با نام این دو، تا ابد عنوان من

امتزاجی یافت از این دو، بچار ارکان من
زین دو تن، رنگ کمال آمیخت، با نقصان من
زین دو، در پهنه باشد، قوت جولان من
گشت رام این نفس کافر کیش و پُر عصیان
من

جایشان در خلد باد از رحمت یزدان من

آن فقیه بی بدیل و، این حکیم بی مثل
عقل آن در اصل حکمت، نقل این در فرع دین
این «رفیعی» شهرت و آن «قائنی» مولد که هست
این دو را بر من، حقوق اوستادی محرز است
«بوالحسن» آن و «محمد» این، که شرع و دین حق
آن حکیم و این کلامی، شیخ این و سید آن
هر دو بی همتا و یکتا، این بحکمت، آن بفقّه
زین دو آیات الهی، زین دو نفس نفیس
گرچه رفتند و کسی بر جای خود، نگذاشتند

ای ملک مقتدر، ارواح آنان شاد دار

در نعیمت، جایگاه صدقشان، آباد دار

یکی دیگر از علاقمندان، که در مدح

ایشان اشعاری به عربی سروده،

چنین می‌گوید:

تقديم به حضور مبارك حضرت آيت الله العظمى جناب آقاى شيخ

محمد القائنى الشهير بالفاضل، دام ظلّه العالی، فى ربيع الآخر ١٤٠٠ -

اسفند ١٣٥٨ - من الهجرة النبوية عليه الصلاة والسلام. س - ح - م.

هو كاليد فى نجوم السماء

هو شمس مفيض بضياء

حجة الدين أفضل الفقهاء

جامع العلم مقتدى الفضلاء

كاشفاً للعلوم كل غطاء

نافع المعضلات للحكماء

أشرق فى قلوبنا ببهاء

فله ينبغى جميل ثناء

إنما فيه وجهة الصلحاء

ع سميّاً بخاتم الانبياء

إنما القائنى فى العلماء

عالم فاضل فقيه تقى

برع الفقه فائق مجتهداً فيه

آية الله فى الشريعة حقاً

ألف (ناظم الشتات) كتاباً

و له فى الكلام (گوهر دين)

و كذا أنشأ الرسائل ماذا

بلغ الشرع جاهداً بكمال

و به تنتهى الفضائل طراً

و يُسمى محمداً خير الأسماء

ترجمه: قائنى در میان علما، همانند ماه

است میان ستارگان آسمان.

عالمی فاضل و فقیهی پارسا است، که

مانند خورشید نور افشانی می‌کند.

چنان بر مسائل فقه آگاهی یافت، که در آن

صاحب نظر شد. او گواه بر دین

و سرآمد فقیهان است. آیت بر حق الهی، در

شریعت است. جامع علوم و

مقتدای فضلا است، کتاب «ناظم الشتات»

اثر او است، که روشن کننده

علوم است، و نیز در علم کلام کتاب
 «گوهر دین» که برطرف کننده
 مشکلات علمی حکیمان است، اثر دیگر
 اوست. رسائل و نوشته‌هایی
 دارد که دل‌های ما را روشن می‌کند. پیام
 شرعی خود را با کمال کوشش و
 خوبی انجام داد، و لذا سزاوار ستایش
 می‌باشد. خوبی‌ها به او منتهی
 می‌شود. نشانه صالحان در چهره او نمایان
 است. نام او محمد است که
 بهترین نام‌ها است؛ چرا که برگرفته از نام
 خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم است.

پی‌نوشت:

۱. دستگیری ایشان در روزنامه آزادی قاینات
 (مورخه ۱۵ آبان ۱۳۳۱) انعکاس
 یافت.

محمد بن یحیی عطار
قمی

«استاد کلینی»

* * *

احمد محیطی اردکانی

ص
...

جای عکس

محمد بن یحیی عطار
قمی

پیشگفتل

اشعریان قم ابتدا در یمن می‌زیستند. با اسلام آوردن مالک بن عامر، بزرگ خاندان اشعری، به مدینه رفتند و در آنجا به اسلام گرویدند. آنان با خدمات زیاد خود، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد توجه آن حضرت قرار گرفتند؛ به طوری که پیامبر درباره آنان دعا کرده، فرمود:

«خدایا اشعریان را افزایش بده».

حدود ۳۷۰ سال بعد از دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، جمعیت آنان به حدی افزایش یافت که فرزندان و نوادگان یکی از آنان به شش هزار نفر رسید. (۱) بیش از صد نفر از آنان بدون واسطه از ائمه معصومین علیهم السلام روایت نقل می‌کردند و در شمار یاران ایشان بودند (۲).

عبدالله و احوص دو فرزند سعد بن مالك بن عامر اشعری همراه با خانواده و بستگان خویش، اولین افرادی بودند که در سال ۹۴ ق بر اثر فشارهای زیاد و رفتار ددمنشانه حجاج بن یوسف، با شیعیان، به ویژه اشعریان، از کوفه به قم مهاجرت کردند. احوص، فرزند سعد بن مالك، در ابتدای حضورش در قم، آتشکده‌ای را ویران کرد و به جای آن مسجدی بنا نهاد و برادرش عبدالله در آن مسجد به فعالیت‌های مذهبی پرداخت. پس از چندی، عبدالله و احوص به وسیله نامه، دیگر بستگان و خاندان خویش را به قم فراخواندند. در پی این درخواست، جمعی دیگر از اشعریان از کوفه به جمع شیعیان قم پیوستند. (۳) بدین جهت شهر قم از قرن دوم هجری مرکز تجمع شیعیان و دوستداران اهل بیت و مرکز دانش و حدیث گردید. محمد بن یحیی عطار قمی یکی از راویان برجسته‌ای است که منتسب به این خاندان شریف اشعری می‌باشد. (۴) و پرورش یافته از این حوزه غنی علم و حدیث

تولد و کنیه

گرچه در کتابهای رجالی از تاریخ ولادت و وفات ابن عالم و فقیه و محدث بزرگوار سخنی به میان نیامده است، لکن از آنجا که وی از محضر استادانی چون محمد بن احمد بن یحیی ابن عمران اشعری (وفات ۲۸۰ ق) (۵) و محمد بن حسین بن خطاب (وفات ۲۶۲ ق) (۶) استفاده کرده است و نیز افتخار استادی محدث عظیم

يعقوب کلینی (وفات ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق) (۷) و
 جمعی از راویان معروف دیگر
 چون ابوالحسن علی بن الحسین بن
 بابویه (صدوق اول، وفات ۳۲۹ ق) و
 محمد بن الحسن بن الولید قمی (وفات ۳۴۳
 ق) (۸) را داشته است، پس
 باید وی در نیمه دوم قرن سوم تا اوایل
 قرن چهارم زیسته باشد.
 کنیه محمد بن یحیی، ابوجعفر است.

محمد بن یحیی در يك نگاه

محمد بن یحیی، بزرگ دانشمندان شیعه
 قم، استاد مرحوم کلینی و
 محدثی با روایات زیاد و صاحب تألیفات
 متعدد مورد اعتماد اهل علم و
 حدیث، موثق و «عین» بوده است. (۹)
 کلمه «عین» در لغت مشترک بین معانی
 زیادی است، مانند چشم،
 چشمه، برگزیده هر چیز سبّ، بزرگ. و
 در اصطلاح علمای رجال، چنان
 که در کتاب شریف رجال خاقانی در بخش
 تعلیقات بر «فوائد» وحید
 بهبهانی آمده است، ظاهراً مقصود از کلمه
 «عین» به شخصیت بزرگواری
 است که مورد توجه مردم و در نزد آنها،
 دارای جایگاه ویژه و رفعت
 باشد. (۱۰)

از این نکته معلوم می‌شود که محمد بن
 یحیی شخصیتی برجسته بوده
 و ارج و قرب خاصی نزد مردم داشته
 است.

وی چون بعضی اوقات به شغل عطاری
 می‌پرداخته، به عطّار نیز لقب

یافته است. (۱۱)

در منظر اهل نظر

هر کدام از رجال شناسان که از محمد بن یحیی عطار نامی برده‌اند، او را به بزرگی و عظمت یاد کرده و به وثاقت و صداقت و علم و تقوا ستوده‌اند.

نجاشی (وفات ۴۵۰ ق) می‌نویسد:
 «محمد بن یحیی، ابوجعفر قمی، استاد اصحاب ما در زمان خود بود. شخصیتی مورد توجه و اعتماد، صاحب امتیاز و کثیرالحديث بود. وی کتاب‌های زیادی تألیف کرد که «مقتل الحسین» و «النوادر» از جمله آنهاست. عده‌ای از اصحاب ما تمام کتاب‌های او را از فرزندش احمد و وی هم از پدرش برای ما نقل نموده‌اند» (۱۲).
 شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق) و حسن بن علی ابن داود (متولد ۶۴۷ ق) وی را از جمله کسانی شمرده‌اند که از ائمه معصومین علیه‌السلام بدون واسطه روایتی نقل نکرده‌اند. نیز وی را از اهل قم و استاد ثقة الاسلام کلینی دانسته‌اند (۱۳).

شیخ صدوق (وفات ۳۸۱ ق) می‌گوید:
 «تمام روایاتی که در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از علی بن جعفر نقل کرده‌ام، از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی بن علی بوفکی روایت کرده‌ام و تمام روایاتی که از عمر بن یزید روایت کرده‌ام از پدرم (رضی الله عنه)، از محمد بن یحیی عطار، از یعقوب بن یزید، از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی نقل نموده‌ام» (۱۴).
 محدث بزرگوار، شیخ میرزا حسین نوری (وفات ۱۳۲۰ ق)، صاحب

کتاب ارزشمند «مستدرک الوسائل» هر کجا سندی نقل می‌کند که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن مورد وثوق وی باشد، می‌گوید:

«تمام آنها از موثقین هستند و هیچ خلائی در آنها نیست». (۱۵)

یا می‌گوید:

«این سند در اعلی درجه صحت است» (۱۶)

و یا می‌گوید:

«تمام افراد این سند از بزرگان هستند که هیچ تأملی در آنها نیست» (۱۷)

فقیه و فیلسوف و محدث بزرگوار، محمد باقر حسینی، مشهور به میرداماد (وفات ۱۰۴۱ ق) درباره سندی که محمد بن یحیی در آن وجود دارد و دیگر راویان آن هم مورد اطمینان وی باشند، می‌گوید:

«صحیح و عالی الاسناد است».

وی محمد بن یحیی عطار قمی را به وثاقت و کثرت روایت و استادی محمد بن یعقوب کلینی می‌ستاید. (۱۸)

شناسایی محمد بن یحیی عطر

نام محمد بن یحیی که در سلسله اسناد بسیاری از روایات آمده، بین چند نفر مشترک است. (۱۹)

الف) محمد بن یحیی سلیمان خثعمی کوفی که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و بیش از ۲۹ روایت از وی با این مشخصات نقل شده

است. (۲۰)

ب) محمد بن یحیی خزاز کوفه که از اصحاب امام کاظم علیه السلام می باشد.

وی شخصیتی برجسته و معتبر و مورد توجه بیشتر مردم بوده و صاحب

کتاب «النوادر» است. (۲۱)

ج) محمد بن یحیی عطار قمی، شهید ثانی می گوید:

«هر سه از راویان مورد وثوق هستند، در صورتی که محمد بن

یحیی به طور مطلق در سلسله سند قرار گیرد، از طریق طبقه و زمان

حیات و روایاتی که از وی نقل شده، تشخیص داده می شود. هر کجا

ثقة الاسلام کلینی در اول سند نام «محمد بن یحیی» را ذکر کند،

مقصود محمد بن یحیی عطار قمی است؛ چون وی در طبقه

استادان کلینی می باشد». (۲۲)

تعداد روایت

روایاتی که از محمد بن یحیی (به طور مطلق) نقل شده به ۵۹۸۵

روایت می رسد که با توجه به قرائنی از قبیل نقل راویانی چون، علی بن

الحسین بن بابویه، محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن الحسن بن ولید و

محمد بن یعقوب کلینی که از شاگردان محمد بن یحیی عطار قمی

می باشند، تعداد زیادی از آن روایات از وی است؛ (۲۳) اما روایاتی که به

عنوان محمد بن یحیی، با وصف عطار، نقل شده، به ۵۸ روایت

می رسد. (۲۴) بنابراین مجموع روایت هایی که محمد بن یحیی عطار قمی

نقل کرده، به چندین هزار روایت می رسد.

کتاب شریف «کافی» تألیف حدیث شناس
بزرگ، ثقه الاسلام کلینی،
پر از روایات و احادیث محمد بن یحیی
است، به گونه‌ای که هیچ برگی از
آن خالی از نام شریف محمد بن یحیی
نیست علاوه بر این، هر کجا
مرحوم کلینی احادیثی را تحت عنوان
«عَدَّة من اصحابنا عن احمد بن
محمد بن عیسی» آورده، مقصودش از
«عَدَّة» محمد بن یحیی، علی بن
موسی کمیدانی، داود بن کوره، احمد بن
ادریس و علی بن ابراهیم هاشم
است. (۲۵)
بنابر این تعداد زیادی از روایات دیگر نیز
از محمد بن یحیی خواهد
بود.

تألیفات

کتاب هایی که ابوجعفر، محمد، تألیف
کرده است، عبارتند از:
۱. مقتل الحسین علیه السلام که درباره حادثه
جانشوز کربلا و شهادت
اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد؛ (۲۶)
۲. النوادر (۲۷)؛ علامه شیخ آقا بزرگ
تهرانی می نویسد: «نوادِر» عنوان
عامی بوده برای بعضی از تألیفات علما
در چهار قرن اول هجری که يك یا
چند ویژگی از ویژگیهای زیر را داشته
باشد:
۱. احادیث گردآوری شده در آن، مشهور
نباشد،
۲. روایات آن دارای مضمون و حکمی
ناآشنا باشد،
۳. حکم روایات، استثنا و تبصره محسوب
شود،
۴. روایاتی که مؤلف در هنگام به پایان
رسیدن تألیف خود به آنها

دست‌رسی پیدا کرده باشد، آن گاه می‌نویسد:
 کتاب‌های نوادری که ما از آنها
 اطلاع یافته‌ایم، نزدیک به دویست کتاب
 است (۲۸) که یکی از آنها از آن
 محمد بن یحیی عطار قمی است. (۲۹)

استادان

شناخت استادان از آن جهت حائز اهمیت
 است که هر شاگردی به
 اندازه ظرفیت خود می‌تواند آینه سجایا و
 مکارم الاخلاق و علوم استاد
 خویش باشد.

محمد بن یحیی عطار قمی در حضور
 بسیاری از دانشمندان و راویان
 برجسته و بزرگان حدیث زانو زد و کسب
 علم و معرفت نمود. اینک به
 طور خلاصه بعضی از آنها را معرفی
 می‌کنیم:

ابراهیم بن هاشم، پدر بزرگوار علی بن
 ابراهیم، صاحب تفسیر
 معروف می‌باشد که کنیه‌اش «ابواسحاق
 قمی» است. وی از بزرگان

شیعیان کوفه بود. سپس به شهر قم
 مهاجرت کرد، او از یاران امام رضا و
 امام جواد علیه‌السلام به شمار می‌رفت. (۳۰)
 ابراهیم کتاب‌های متعددی تألیف کرد که
 «النوادر» و «قضایا

امیرالمؤمنین» از جمله آنها است. (۳۱) با
 وجود آن که ابراهیم بن هاشم در
 زمره یاران امام رضا علیه‌السلام بوده، اما هیچ
 روایتی از آن حضرت نقل نکرده
 است. بر خلاف آن روایات متعددی از
 امام جواد علیه‌السلام نقل کرده است. (۳۲)

مجموع روایاتی که از ابراهیم بن هاشم
 قمی نقل شده است، ۶۴۱۴
 مورد می‌باشد. (۳۳)

آیت الله خویی می‌نویسد:
«سزاوار نیست درباره موثق بودن ابراهیم بن
هاشم شك و

تردید به خود راه داد» (۳۴)

۲. احمد بن ابی زاهر: نجاشی و شیخ
طوسی، هر دو، محمد بن یحیی
عطّار قمی را از اصحاب خاصّ احمد بن
ابی زاهر می‌دانند. (۳۵) نام پدرش
موسی و کنیه‌اش «ابوجعفر» است. وی
منتسب به خاندان برجسته
اشعریان و از چهره‌های برگزیده و مورد
توجه قم بوده است.
او کتاب‌های زیادی در زمینه‌های مختلف
تألیف نمود که بعضی از آنها
عبارتند از: «البداء»، «الأنوار»، «کتاب
صفة الرّسل و الانبیاء و الصّالحین»،
«الزکاة»، «احادیث الشمس و القمر»،
«الجمعة و العیدین»، «الجبر
و التقویض» و «ما یفعل الناس حین یفقدون
الامام».

نجاشی می‌گوید:

«ابن شاذان به ما اجازه داد که تمام کتاب‌های
وی را از احمد،
فرزند محمد بن یحیی عطّار، از پدرش، از
احمد بن ابی زاهر نقل و
استفاده کنیم. (۳۶)

آیت الله خویی تصریح نموده است که
محمد بن ابی زاهر یکی از
چهره‌های مورد اطمینان و معتبر و
برجسته زمان خویش بود؛ (۳۷)

۳. احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله
اشعری قمی: وی یکی از عالمان
و فقهای زبده شیعه محسوب می‌شد و
علاوه بر این که در حوزه حدیث
برجستگی ویژه‌ای داشت، در میدان
سیاست و مدیریت نیز
شایستگی‌های خوبی از خود نشان داد. (۳۸)

او در شمار یاران حضرت امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام قرار

داشت و فقیه، رئیس، بزرگ قم و از محدثان موثق شیعی بود (۳۹) و بیش از ۲۲۹۰ روایت نقل کرده است؛ (۴۰)

۴. **ایوب بن نوح**: ابوالحسن، ایوب بن نوح، فرزند درّاج نخعی، وکیل

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بود و از یاران آن دو امام و نیز امام هادی علیه السلام به شمار می‌رفت.

در نقل روایات مورد وثوق و در عبادت بسیار کوشا و از بندگان صالح خدا بود. پدر بزرگوارش در کوفه

قاضی بود. وی از شیعیانی بود که بر اعتقادات صحیح خود استقامت

می‌ورزید. (۴۱) برادرش جمیل بن درّاج نیز از محدثان برجسته و بزرگوار

بود. (۴۲)

ابو عمرو کشی می‌گوید:

«ایوب بن نوح از مردان صالح پروردگار محسوب می‌شد. وقتی

از دنیا رفت، به جز ۱۵۰ دینار، از مال دنیا چیز دیگری به ارث

نگذاشت، با این که وی وکیل ائمه (علیهم السلام) بود و اموال زیادی در

اختیار داشت»؛ (۴۳)

. حمدان بن سلیمان نیشابوری: نجاشی می‌گوید:

کنیه‌اش ابوسعید و از چهره‌های برجسته اصحاب ما، مورد وثوق

و صاحب کتاب است؛ (۴۴)

۶. **عبدالله بن جعفر حمیری قمی**: شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق)

می‌نویسد:

«عبدالله کنیه‌اش ابوالعبّاس و شخص مورد وثوق و اطمینان و

در زمره یاران امام هادی و امام حسن
عسگری علیهما السلام بوده
است». (۴۵)

نجاشی نوشته است:
«وی بزرگ علمای قم بود. در سال ۲۹۰ و
اندی از قم به کوفه
رفت. بزرگان و علمای کوفه از حمیری
اخبار و روایات زیادی را
شنیدند و کتاب‌های زیادی تصنیف
نمودند». (۴۶)

مرحوم شیخ در «فهرست» پانزده کتاب را
برای ایشان برمی‌شمرد که
البته این کتاب‌ها از بین رفته‌اند. تنها کتابی
که از وی بر جای مانده، کتاب
معروف «قرب الاسناد» است که یکی از
مأخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل
می‌دهد. در آخرین چاپ، به ضمیمه کتاب
«جعفریات» به وسیله آقای
احمد صادقی اردستانی تصحیح، تنظیم و
چاپ شده است؛ (۴۷)

۷. عبدالله بن محمد بن عیسی، برادر احمد
بن محمد بن عیسی اشعری
قمی؛ (۴۸)

۸. عمرکی بن علی بوفکی: نجاشی می‌گوید:
«ابومحمد عمرکی بن علی اهل بوفک، یکی از
قریه‌های

نیشابور، بود و استاد راویان و اصحاب ما،
مورد اطمینان و صاحب
کتاب «الملاحم» و «النوادر» است». (۴۹)

۹. محمد بن عبدالجبار ابی صهبان قمی، از
اصحاب امام هادی و امام
عسگری علیهما السلام؛ (۵۰)

۱۰. محمد بن احمد بن یحیی بن عمران
اشعری: با وجود آن که محمد
بن احمد صحابی چهار امام (امام جواد و
امام هادی و امام عسگری و امام

زمان - علیهما السلام-) بوده، ولی هیچ حدیثی بدون واسطه از ایشان نقل نکرده است. بدین جهت شیخ طوسی وی را در شمار کسانی آورده که بدون واسطه از امام روایت نقل نکرده‌اند. (۵۱) شیخ طوسی:

«محمد بن احمد را عالمی ارزشمند دانسته که روایات زیادی نقل کرده است. (۵۲) نجاشی نیز وی را در نقل حدیث مورد اعتماد می‌داند. (۵۳)

یکی از تألیفات مهم وی کتاب «النوادر» است. این کتاب چنان مورد توجه راوی شناس بزرگ، شیخ ابوالعباس نجاشی، قرار گرفته که از آن به عنوان «کتابی نیکو» یاد کرده است. این کتاب بسیار پر حجم و مفصل است؛ به گونه‌ای که خود ۲۲ کتاب را در بر می‌گیرد. وی در حدود سال ۲۸۰ ق از دنیا رفت. (۵۴)

۱۱. محمد بن حسین بن ابی خطاب: بنا به نقل نجاشی، ابوجعفر محمد بن حسین همدانی، فرزند ابی الخطاب و جدش «زید» و شخصی عظیم القدر، بزرگوار، کثیرالحدیث، مورد وثوق است. نجاشی وی را یکی از اصحاب برگزیده خویش معرفی کرده است. از جمله تألیفات وی است: «التوحید»، «المعرفة و البداء»، «الرد علی اهل القدر»، «الامامة»، «اللولوة»، «وصایا الائمه علیهم السلام» و «کتاب النوادر». او در سال ۲۶۲ ق از دنیا رفت؛ (۵۵)

۱۲ و ۱۳. محمد بن عبد الجبار، و محمد بن علی بن محبوب؛ (۵۶)

۱۴. یعقوب بن یزید: شیخ طوسی نوشته است: یعقوب بن یزید، کاتب

انباری، کثیر الروایة و مورد وثوق و صاحب کتاب «النوادر» است. وی و پدرش هر دو ثقة هستند و یعقوب از یاران امام کاظم، امام رضا و امام هادی علیهما السلام بوده است. نجاشی وی را از منشی‌های «المنتصر» بر شمرده، وی را به وثاقت و صداقت می‌ستاید. به گفته نجاشی، کتاب‌های «البداء»، «المسائل»، «نوادر الحیج» و «الطعن علی یونس» از آن وی است. (۵۷)

شاگردان

محمد بن یحیی عطار قمی پس از کسب فیض از استادان بسیار، خود نیز بر کرسی استادی نشست و شاگردان زیادی تربیت نمود؛ بعضی از آنها عبارتند از:

۱. **محمد بن یعقوب کلینی:** از افتخارات بزرگ وی این است که شاگردی چون کلینی، مؤلف کتاب «کافی»، را تربیت کرد. کلینی در جای جای کتاب «کافی» از استادش حدیث نقل کرده است؛
 ۲. **علی بن الحسین بن بابویه قمی:** افتخار دوم محمد بن یحیی این است که صدوق اول، علی بن الحسین (پدر بزرگوار محمد بن علی شیخ صدوق که به دعای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آید، در حضور وی زانو زده و کسب فیض نموده است؛ (۵۸)

۳. **محمد بن حسن بن احمد بن ولید:** شیخ طوسی می‌گوید: «محمد بن حسن، دانشمندی جلیل القدر، آگاه به رجال و مورد اطمینان است. او در علوم گوناگون کتاب‌های زیادی دارد که از آن

فرزندان

میان می‌توان به «الجامع»، «التفسیر» اشاره کرد.^(۵۹)

نجاشی او را پیشوا و بزرگ و فقیه علمای قم دانسته است. محمد بن حسن در قم می‌زیست، ولی اصالتاً قمی نبود. او او دانشمندی مورد اعتماد بود. و در سال ۳۴۳ ق وفات یافت؛^(۶۰)

۴. فرزندان احمد بن محمد بن یحیی؛

۵. محمد بن علی ماجیلویه قمی: شیخ در کتاب شریف رجال خود او را از کسانی می‌شمارد که بدون واسطه از ائمه علیهم‌السلام روایتی نقل نکرده‌اند و از افتخارات وی این را می‌داند که شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی می‌باشد.^(۶۱)

شیخ صدوق، از وی روایات زیادی نقل نموده است و هرگاه نام وی را می‌برد برای وی طلب رحمت و رضایت می‌کند.

علامه حلی در کتاب رجال خود او را مورد وثوق و اطمینان معرفی می‌کند؛ زیرا محمد بن علی ماجیلویه در سلسله سندی قرار گرفته که شیخ صدوق آن را صحیح شمرده است؛^(۶۲)

۶. محمد بن موسی بن متوکل: شیخ صدوق (علیه الرحمة) از وی بسیار حدیث نقل کرده است. علامه حلی و ابن داود، دو رجال شناس معروف، وی را در بخش افراد مورد وثوق نام برده‌اند.^(۶۳)

سید بن طاووس در کتاب شریف «فلاح السائل» خبر داده که همه رجال شناسان بر وثاقت وی نظر دارند.^(۶۴)

آیت الله خویی نیز وی را شخصی موثق دانسته است.^(۶۵)

در کتب رجالی از تعداد فرزندان وی اطلاع دقیقی به دست نیامد. آنچه مسلم است این است که وی فرزندی به نام «احمد» داشته و راوی کتاب‌های پدر خویش بوده است. ابوعلی، احمد بن یحیی، یکی از استادان شیخ صدوق و تلکبری می‌باشد، بلکه بعضی وی را از مشایخ نجاشی نیز شمرده‌اند که آیت الله خویی این را نمی‌پذیرد. (۶۶)

شیخ طوسی وی را از کسانی شمرده که از ائمه علیهم‌السلام بدون واسطه روایتی نقل نکرده‌اند. برخی روایات وی در سال ۳۵۶ ق نقل شده که این نکته را نشان می‌دهد. وی از راویان برجسته در اوایل قرن چهارم است. پدرش و سعد بن عبدالله از استادان وی بوده‌اند. او شاگردانی چون: حسین بن عبیدالله و ابوالحسین بن ابی جید تعلیم و تربیت کرده است. (۶۷)

روایتی از محمد بن یحیی عطار

همان گونه که بیان شد کتاب شریف «کافی» مملوّ از احادیثی است که در سلسله سند آن نام محمد بن یحیی چون ستاره‌ای می‌درخشد. چنانچه روایاتی که او نقل کرده در کتابی گرد آید، کتابی بزرگ و مفصل خواهد شد. در اینجا مناسب است به عنوان نمونه تعدادی از روایات وی را ذکر کنیم:

شناخت عقل

اولین حدیث «اصول کافی» در کتاب عقل و جهل با حدیث محمد بن یحیی عطار شروع می‌شود.

۱. مرحوم کلینی می‌گوید:
 جمعی از اصحاب ما که محمد بن یحیی
 عطار یکی از آنها است از
 احمد بن محمد از ... امام باقر علیه السلام چنین
 روایت کرده‌اند که آن حضرت
 فرمود:

«چون خداوند عقل را آفرید، او را به سخن
 گفتن واداشت و به او
 فرمود: پیش بیا. پیش آمد. فرمود: بازگرد،
 بازگشت. سپس فرمود: به
 عزّت و جلالم سوگند، مخلوقی که محبوب‌تر
 از تو نزد من باشد
 نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان
 دارم به طور کامل دادم.
 همانا امر و نهی، کیفر و پاداشم، تنها متوجه
 تو خواهد بود». (۶۸)

۲. محمد بن یحیی با چند واسطه از
 حضرت علی بن موسی
 الرضا علیهما السلام روایت کرده:
 «دوست هر انسانی عقل او و دشمن او جهلش
 است». (۶۹)

طلب علم

۳. محمد بن یحیی با چند واسطه از امام
 صادق علیه السلام:
 قال: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ؛

به دنبال دانش رفتن واجب است». (۷۰)

۴. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده:
 «ای مردم بدانید، کمال دین طلب علم و عمل
 به آن است.
 بدانید طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر
 است؛ زیرا خداوند عادل
 مال را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده
 است و به شما خواهد
 رسید؛ ولی «علم» نزد اهلش نگهداشته شده و
 شما مأمورید آن را از

اهلش طلب کنید. پس در جستجوی علم
بکوشید.» (۷۱)

برتری علم

۵. با واسطه از امام باقر علیه السلام:

«عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛

عالمی که از علمش بهره ببرد (و به آن عمل
کند) بهتر از هفتاد

هزار عابد است.» (۷۲)

۶. با واسطه از امام صادق علیه السلام:

«دانشمندان وارثان پیامبران هستند؛

زیرا پیامبران طلا و نقره به ارث
نمی‌گذارند، تنها سخنانی بر جای

می‌گذارند که هر کس بدان‌ها عمل کند،
بهره بسیار برده است. پس نیکو

بنگرید که از چه کسی علم می‌آموزید؛

زیرا در خاندان ما اهل بیت، در هر

عصر، جانشینان عادل هستند که تغییر

دادن غلو کنندگان و به خود بستن

خرابکاران و بد معنی کردن نادانان را از

دین برمی‌دارند.» (۷۳)

توضیح: خرابکاری در دین طبق این

روایت سه گونه است:

الف) کلمه یا جمله قرآن یا حدیث را به نفع

و سیلقه خویش تغییر

دادن. این عمل گاهی از مسلمانان غلو

کننده سر می‌زند؛

ب) کسانی که متدین نیستند، خود را به

دین بندند یا مطلبی که از دین

نیست، به دین نسبت دهند؛

ث) قرآن و حدیث را از معنی حقیقی خود

برگردانند.

در هر دوره امامان یا علمای عادل هستند

که از این اعمال جلوگیری

می‌کنند.

صفت عالمان

۷. محمد بن یحیی با واسطه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«دانش بیاموزید و همراه آن خود را با خوشتن داری، حلم و وقار بیارائید. با دانش‌آموزان متواضع و با استاد خود فروتن باشید. جزء عالمان متکبر نباشید؛ چرا که با رفتار باطل حق ضایع می‌شود.» (۷۴)

۸. از امام رضا علیه السلام نقل کرده: «از نشانه‌های فهمیدن دین، خوشتن داری و خاموشی است.» (۷۵)

توحید

۹. محمد بن یحیی با واسطه از نافع بن ازرق چنین نقل کرده است که

وی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد:

«خدا از چه زمانی بوده؟ حضرت فرمود: مگر چه زمانی نبوده تا به تو بگویم از چه زمانی بوده! منزّه است خداوندی که همیشه بوده و خواهد بود، یکتا و بی‌نیاز است و همسر و فرزند ندارد.» (۷۶)

ضرورت حجت خدا

۱۰. با واسطه از امام صادق علیه السلام:

«اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشد، یکی از آن دو امام است.» (۷۷)

۱۱. در روایت دیگر فرمود:

«اگر در ساکنان زمین تنها دو نفر باشند، یکی از آن دو امام است»

و فرمود:

«آخرین کسی که از دنیا می‌رود امام است تا شخصی نتواند بر خدای عزّوجلّ احتجاج کند که او را بدون حجّت و گذاشته است». (۷۸)

تقوی

۱۲. محمد بن یحیی با واسطه از امام صادق علیه‌السلام:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ»

تقوای خدا پیشه کنید و دین خود را با ورع حفظ کنید». (۷۹)

پی‌نوشت‌ها:

۱. «کتاب تاریخ قم»، حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۶۸.
۲. همان، ص ۲۷۸.
۳. همان، ص ۲۵۳، ۲۵۷ و ۲۶۳.
۴. «معجم رجال الحديث» آیت الله خویی، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۳۴.
۵. «ستارگان حرم»، دفتر سوم، ص ۲۵۹، به نقل از «معجم المؤلفین»، ح ۵، ص ۲۸.
۶. «رجال النجاشی»، ص ۲۳۶.
۷. رجال الطوسی، ص ۴۹۶.
۸. «معجم رجال الحديث»، خویی، چاپ پنجم، ج ۱۹، ص ۱۰ و «رجال الطوسی»، ص ۴۹۵.
۹. همان، ج ۱۹، ص ۳۳.
۱۰. «رجال الخاقانی»، علی خاقانی، ص ۳۲۲.
۱۱. «بشارة المؤمنین فی تاریخ قم و القمیین»، قوام اسلامی، ص ۲۰۸.
۱۲. «رجال النجاشی»، ص ۲۵۰.
۱۳. «رجال الطوسی»، ص ۴۹۵ و «رجال ابن داود»، ص ۳۴۰.

١٤. «من لا يحضره الفقيه»، شيخ صدوق، ج ٤، شرح ص ٨، ٩ و ٩.
- ١٥ و ١٦ و ١٧. «مستدرک الوسائل» محدث نوری، طبع المکتبه الاسلامیه، ج ٣، ص ٦١١، ٦١٨.
١٨. «التعليقه على كتاب الكافي»، محمد باقر حسینی مرعشي (مشهور به داماد)، ج ١، ص ٧٦ و ٣٦٥.
١٩. «تنقيح المقال»، المامقاني، ج ٣، ص ١٩٩.
٢٠. معجم رجال الحديث، خويي، ج ١٩، ص ٣٧.
٢١. رجال النجاشي، ص ٢٥٤.
٢٢. «الدراية في علم مصطلح الحديث»، شهيد ثاني، ص ١٢٩.
٢٣. «معجم رجال الحديث»، خويي، ج ١٩، ص ٩.
٢٤. همان، ص ٤٤.
٢٥. «رجال النجاشي»، ص ٢٦٧.
- ٢٦ و ٢٧. همان، ص ٢٥.
٢٨. «الذريعة الى تصانيف الشيعة»، شيخ آقا بزرگ تهراني، ج ٢٤، ص ٣١٥ و ٣١٦.
٢٩. همان، ص ٣٤١.
٣٠. «الفهرست»، شيخ طوسي، ص ٤.
٣١. «رجال النجاشي»، ص ١٢.
٣٢. «معجم رجال الحديث»، خويي، ج ١، ص ٢٩٠ و ج ١٩، ص ٤٤.
- ٣٣ و ٣٤. همان، ج ١، ص ٢٩١.
٣٥. «رجال النجاشي»، ص ٦٤ و «الفهرست»، شيخ طوسي، ص ٢٥.
٣٦. «رجال النجاشي»، ص ٦٤.
٣٧. «معجم رجال الحديث»، خويي، ج ٢، ص ٢٩ و ج ١٩، ص ٤٤.
٣٨. «رجال النجاشي»، ص ٥٩، ٦٠.
٣٩. «رجال العلامة الحلي»، ص ١٤.
٤٠. «معجم رجال الحديث»، خويي، ج ٣، ص ٩٠ و ج ١٩، ص ٤٤.
- ٤١ و ٤٢. «معجم الرجال»، قهپايي، ج ١، ص ٢٤٨.
٤٣. «اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)»، شيخ طوسي، ص ٥٧٢، حديث ١٠٨٣.
٤٤. «رجال النجاشي»، ص ١٠٠.
٤٥. «رجال الطوسي»، ص ٤١٩.

۴۶. «رجال النجاشی»، ص ۱۵۲.
۴۷. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر چهارم، ص ۶۱ - ۶۹ مراجعه شود.
۴۸. «معجم رجال الحديث»، ح ۲۱، ص ۳۳۳ و ج ۱۹، ص ۴۴.
۴۹. «معجم الرجال»، قهپایی، ج ۴، ص ۲۷۴، به نقل از نجاشی.
۵۰. «معجم رجال الحديث»، خویی، ج ۱۹، ص ۴۴ و ج ۱۵، ص ۲۷۶.
۵۱. «رجال الطوسی»، ص ۴۹۳.
۵۲. «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۲۳۱.
۵۳. «رجال النجاشی»، ص ۲۴۵.
۵۴. همان، ص ۲۴۵ و «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۱۴۴ و ۱۴۵. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر سوم، ص ۲۴۲ تا ۲۶۱ مراجعه شود.
۵۵. «رجال النجاشی»، ص ۲۳۶.
۵۶. برای اطلاع و آشنایی با این دو راوی جلیل القدر به «ستارگان حرم»، دفتر هشتم مراجعه شود.
۵۷. «معجم رجال الحديث»، خویی، ج ۱۹ و ح ۲۱، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.
۵۸. برای اطلاع بیشتر از زندگی این راوی به «ستارگان حرم»، دفتر هشتم، ص ۶۹ مراجعه شود.
۵۹. «الفهرست»، شیخ طوسی، ص ۱۵۶.
۶۰. «رجال النجاشی»، ص ۲۷۱. برای اطلاع بیشتر به ستارگان حرم، دفتر هشتم ص ۲۱۴ - ۲۳۵ مراجعه شود.
۶۱. «رجال الطوسی»، ص ۴۹۱.
۶۲. «تنقیح المقال»، مامقانی، ح ۳، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
۶۳. «معجم رجال الحديث»، ج ۱۸، ص ۳۰۰ و ج ۱۹، ص ۴۴.
۶۴. «فلاح السائل»، سید بن طاوس، ص ۱۵۸.
۶۵. «معجم رجال الحديث»، ج ۱۸، ص ۳۰۰.
۶۶. همان، ج ۳، ص ۱۲۰.
۶۷. همان، و «الجامع فی الرجال»، موسی زنجانی، ح ۱، ص ۱۸۶.
۶۸. «اصول کافی»، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۱۰.
- ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲ و ۷۳. همان، ج ۱، ص ۱۲، ۳۵، ۴۰، ۳۹.

٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧ و ٧٨. همان، ج ١، ص ٤٤، ٤٥،
١١٨، ٢٥٣ و ٢٥٤.
٧٩. همان، ج ٣، ص ١٢٢.

دکتر سید عبداللہ ضیائی

«خطیب دانشور»

* * *

محَمَّدَتِی ادهم نژاد

ص
...

جای عکس

دکتر سید عبدالله
ضیایی

تولد و کویکی

دکتر سید عبدالله ضیایی* از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالییه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود (۱) از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. سید حسین، پدر بزرگوار وی، مردی متدین و شب زنده‌دار بود (۲) و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج‌کاری) و نوغان‌داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود. وی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلمان طالقانی - که از طالقان برای تعلیم و

تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سند اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی (۳) و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کشتی‌گیری گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید.

آیت الله دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید.

ورود به حوزه قم

دکتر ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد: «من به همراه عده‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجردی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم. در سال ۱۳۲۳ هـ. ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها

بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». (۴)

آیت الله دکتر ضیایی با نبوغ و هوش فوق العاده‌اش، ضمن آن که توانست خیلی سریع مراحل تحصیلی و کتاب‌های رایج حوزوی آن زمان را طی کند و سرآمد هم قطاران گردد، سطوح پایین‌تر را برای عده‌ای از طلاب تدریس می‌نمود.

ورود به نجف اشرف

دکتر ضیایی، در سال ۱۳۲۷ ش به قصد زیارت عتبات مقدس عراق و نیز ادامه تحصیل در حوزه نجف، از قم به آن دیار عزیمت می‌کند و مابقی سطوح را در آنجا به اتمام می‌رساند و به مدت سه سال تمام در آن دیار ماندگار می‌شود.

معظم له درباره این قسمت از زندگی خود، چنین آورده:

«سپس به اتفاق دو نفر از دوستان صمیمی عازم زیارت کربلا به طور قاچاق شدیم. ولی من تصمیم داشتم در نجف بمانم و پس از توفیق زیارت عتبات مقدسه در نجف ماندم. و دو سه سالی که در نجف بودم، خوب موفق به عبادات و زیارات و دروس بودم؛ به طوری که در مدرسه حاج میرزا خلیل سمت مدرّسی «معالم» و «مغنی» یافتم و قصد توطن کردم؛ اما روزگار جریانی برای خانواده‌ام پیش آورد که پدر و مادرم با اصرار هر چه زیادتر، بازگشتم را دستور دادند؛

لذا اطاعت کرده و در قم اقامت گزیدیم.»

هجرتی دیگر

آیت الله دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس خارج آیت الله

بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت

حضرات: علامه طباطبایی و

امام خمینی حاضر و تنها از این

بزرگواران بهرمنند شد.

اقامت آیت الله ضیایی در قم، چندان دوامی

نیافت و پس از چندی به

ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه

مروی تهران به تحصیل خود ادامه

داد و در درس خارج «کفایه» و «رسائل»

و «مکاسب» آیات عظام: حاج

سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین

غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی

و آقا میرزا هاشم آملی رحمهم الله شرکت

جست. وی در این باره می‌نویسد:

«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری،

غروی رشتی - که شاید

در علم اصول بی‌نظیر بود - ، آقا میرزا هاشم

آملی و آقا باقر آشتیانی

را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین

سمت مدرسی داشتم و

نیز به دعوت آیت الله خوانساری در جلسه

استفتای معظم له حضور

می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق

عده زیادی از

فضلای تهران و قم - که از آن جمله شهید

مطهری بود - در

امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار

تشکیل شده بود،

شرکت کردیم.»

ورود به دانشگاه

حمایت از دین مرجعی را
گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش
مفصل است. «و بعد

مرحوم دکتر ضیایی، از جمله برجستگان
ممتاز حوزوی بود که به
دانشگاه راه یافت و در ضمن تحصیل در
دانشگاه جهت اخذ مدرک
لیسانس در رشته معقول و منقول، از
مبارزه و مقابله علمی با عناصر
غریزه و اساتید منحرف دانشگاه غافل
نبود. ایشان با این که به راحتی
می‌توانست جذب مراکز دولتی شود و
علی‌رغم طعنه‌ها و ملامت‌های
مخالفان روحانیت در محیط دانشگاه، وارد
این مرکز نشد و مصمم و
استوار تلاش‌های علمی خود را در
دانشگاه ادامه داد.
او فعالیت در دستگاه طاغوتی را جایز
نمی‌دانست. این در حالی بود
که وضع معیشت بر او بسیار سخت
می‌گذشت و دوستان و دشمنان، هر
کدام به طریقی او را مورد ملامت قرار
می‌دادند که چرا با این مدرک با
ارزش، استخدام نمی‌شوی تا وضع زندگی
و آینده‌ات سر و سامانی بیابد؟
در این باره می‌نویسد:
«تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و
من جرات
دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبیه رکون
به ظالم و معاونت
ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من
بسیار سخت شده بود.
روزی از آیت الله خوانساری پرسیدم که
طلبه‌ای چنین و چنان است
و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم
ممکن است داد مظلومی
و یا جای يك بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا
جایز است؟ فرمودند:
«این همه، وسوسه‌های شیطانی است و
شیطان قوی است.» و
قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق

در دنیا پاداش

فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرد و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.»

دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاة» حُسن ظَنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: «اهم بقسمون

رحمة ربّك نحن قسمنا بينهم معيشتهم.» (۵) وقتی این آیه را دیدند، کائنه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء الله همان طور که

مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»
دکتر ضیایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ ش
به امامت جماعت نازی آباد
تهران مشغول شد و از دوستان و همکاران
نزدیک آیت الله کاشانی(۶) در
مبارزه علیه حکومت وقت بود.

اقامت در آستانه اشرفیه

آیت الله دکتر ضیایی، بعد از اخذ مدرک
دکتر و اخذ اجازات
اجتهاد(۷) از آیات عظام، به امر مراجع
تقلید، تهران را به قصد توطن در
گیلان ترك کرد و در آستانه اشرفیه رحل
اقامت افکند. وی به مدت ۱۷
سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش،
به امر آیات عظام، بویژه حضرت
امام خمینی قدس سره، مأمور به امامت جماعت
مسجد جامع و مدیریت حوزه
علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.

خدمات اجتماعی و فرهنگی

آیت الله ضیایی جزو معدود عالمانی بود
که توفیق یافت منشأ خدمات
اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی
گردد؛ از جمله خدمات وی
است:

۱. بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه
آستانه اشرفیه، با تجهیزات
کامل.

۲. تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که
بسیاری از آنان در سمت امامت
جمعه و جماعت و مناصب دولتی و
قضایی به نظام اسلامی خدمت

می‌کنند.

۳. احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا.

۴. احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه.

۵. احداث و مرمت مساجد و حسینیه‌های فراوان در منطقه.

۶. احداث پمپ بنزین.

۷. احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و

۸. اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های پسندیده و موفق وی در این باب بود.

از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستند تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می‌کنند.

محبوبیت

در استان گیلان در این اواخر، کمتر عالمی را سراغ داریم که از محبوبیت فراگیر در میان توده‌ها و طبقات مردم برخوردار باشد؛ با این همه در آستانه اشرفیه دو عالم برجسته دارای محبوبیت زاید الوصفی هستند: مرحوم آیت الله شیخ حسین وحید و مرحوم دکتر ضیایی.

مرحوم وحید اهل معنا و باطن بود و دکتر
 ضیایی مناعت طبع داشت و
 با اخلاص بود. مردم منطقه دین‌داری خود
 را مرهون خدمات و زحمات
 آن علمای ربانی می‌دانند.
 در آستانه اشرفیه و سایر شهرهای شرقی
 گیلان در کمتر محافل و
 مجالسی و حتی در قهوه خانه‌ها - که مردم
 خسته از کار برای نوشیدن
 چای به آنجا می‌آیند - می‌توان سراغ گرفت
 که سخن از دکتر ضیایی و
 سخنان و آداب و برخورد اجتماعی او
 نباشد. او به قدری محبوبیت در بین
 مردم داشت که حتی ساواک کاملاً رابطه
 عاطفی بین او و مردم را به
 مقامات بالا گزارش داده بودند.

موقعیت علمی

مرحوم دکتر ضیایی از جمله
 شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود
 که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و
 تسلط و احاطه بر مبانی مسلک‌ها و
 شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان،
 منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به
 سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید
 دانشگاه‌ها، فرهنگیان،
 گروه‌های مختلف از قبیل توده‌ای‌ها،
 بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان
 مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش
 به سزایی در روشن شدن
 اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت.
 او کانون توجه و مراجعه
 روشنفکران بود.
 وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان
 در برابر تهاجمات و
 خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی
 و... می‌شد؛ در يك كلمه،

انجام وظیفه می‌کرد. (۹) به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین

گرچه او در شهر كوچك آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می‌رفت و در این راستا با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت الله احسان‌بخش، آیت الله قربانی و...، همکاری داشت.

فعالیت سیاسی

او مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی - که نشانه مشروع نداشتن حکومت طاغوت بود -، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که يك سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان (۸) به منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم

برنامه جهت ساماندهی و قانون‌مندی
دروس و امور مربوط به طلاب
تدوین شد.

حالات مغوی

دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری
علم و دانش تلاش می‌کرد، به
همان اندازه نیز متخلق به آداب و اخلاق
نبوی و سیره عملی
معصومین علیه‌السلام بود. او علم و تعهد و
معنویت را با هم آمیخته بود. آیت الله
زین العابدین قربانی، امام جمعه لاهیجان،
درباره حالات این مرد والا مقام
می‌گوید:

«در سال ۱۳۵۶ ش، که ما به همراه ایشان
(دکتر ضیایی) به
حج مشرف شده بودیم، در روز عرفه، معظم
له با حال خوشی دعای
سید الشهداء علیه‌السلام را به گونه‌ای سوزناک
می‌خواندند که هنوز طنین آن
سوز و گدازها در گوش من موجود است.
همچنین می‌توان به
شجاعت و دلیری و غیرت‌مندی وی اشاره
نمود؛ به نحوی که در
رژیم شاه معمولاً ایشان مسلح بود و سلاح
حمل می‌نمود و همچنین
می‌توان به توان ایشان در زمینه بحث و جدل
پیرامون انواع
موضوعات بویژه عقاید و دفاع از حریم
ولایت عظمی اشاره نمود که
ساعت‌ها می‌توانست پیرامون آنها بحث و
مناظره کند.»

دکتر ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره
نبود و اشعاری از ایشان به
یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را
که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در
مدح حضرت بقیه الله الاعظم - عجل الله تعالی
فرجه الشریف - سروده است،

در اینجا می‌آوریم:

در اینجا می‌آوریم:

در اینجا می‌آوریم:

در اینجا می‌آوریم:

در اینجا می‌آوریم:

د ش ت د ا ی د

س د ر ی د ش د ه ا س د ع م ر م ، ی ی و ط ن آ ن ی ا ن د ه

ه م د د ر د ا و ش و د ی ه ، ه م ه ن د ل د ه س د ا

ن د ا ا ش د

ک ه

١٥٢٢

د
ا
ر
د
،
ه
م
ه
د
ر
د
ر
ا
ر
ز
د
ا
د
ي
د

د شل ا پ ز ا ی ن د م د ه م ه ، و ی ر ی ر ی ن آ ن ا ص و

٥٥٠

در این کتاب، به روشنی و به سادگی، به بیان آمده است.

مجموعه این کتاب، به روشنی و به سادگی، به بیان آمده است.

نویسنده، به روشنی و به سادگی، به بیان آمده است.

در این کتاب، به روشنی و به سادگی، به بیان آمده است.

ز
م
ه
ر
ش

پ
ه
ا
م
پ
د
ن
آ
ک
ه
آ
پ
د
،
س
ر
م
ن
پ
ه
پ
ر
پ
س
پ
ر
ر
د

چ
ه
ش
و
د
ک
ه
آ
ن
س
د
پ
م
ا
ن
،
ن
د
ک
ش
پ
ه
پ
ر
ا
ن
پ
ر
ا
ش

د

د
م
آ
خ
ر

« ی ای ا ض » ی ا ش ا ر خ م

٢٠٥
٢٠٦
٢٠٧
٢٠٨
٢٠٩
٢١٠
٢١١
٢١٢
٢١٣
٢١٤
٢١٥
٢١٦
٢١٧
٢١٨
٢١٩
٢٢٠
٢٢١
٢٢٢
٢٢٣
٢٢٤
٢٢٥
٢٢٦
٢٢٧
٢٢٨
٢٢٩
٢٣٠
٢٣١
٢٣٢
٢٣٣
٢٣٤
٢٣٥
٢٣٦
٢٣٧
٢٣٨
٢٣٩
٢٤٠
٢٤١
٢٤٢
٢٤٣
٢٤٤
٢٤٥
٢٤٦
٢٤٧
٢٤٨
٢٤٩
٢٥٠
٢٥١
٢٥٢
٢٥٣
٢٥٤
٢٥٥
٢٥٦
٢٥٧
٢٥٨
٢٥٩
٢٦٠
٢٦١
٢٦٢
٢٦٣
٢٦٤
٢٦٥
٢٦٦
٢٦٧
٢٦٨
٢٦٩
٢٧٠
٢٧١
٢٧٢
٢٧٣
٢٧٤
٢٧٥
٢٧٦
٢٧٧
٢٧٨
٢٧٩
٢٨٠
٢٨١
٢٨٢
٢٨٣
٢٨٤
٢٨٥
٢٨٦
٢٨٧
٢٨٨
٢٨٩
٢٩٠
٢٩١
٢٩٢
٢٩٣
٢٩٤
٢٩٥
٢٩٦
٢٩٧
٢٩٨
٢٩٩
٣٠٠
٣٠١
٣٠٢
٣٠٣
٣٠٤
٣٠٥
٣٠٦
٣٠٧
٣٠٨
٣٠٩
٣١٠
٣١١
٣١٢
٣١٣
٣١٤
٣١٥
٣١٦
٣١٧
٣١٨
٣١٩
٣٢٠
٣٢١
٣٢٢
٣٢٣
٣٢٤
٣٢٥
٣٢٦
٣٢٧
٣٢٨
٣٢٩
٣٣٠
٣٣١
٣٣٢
٣٣٣
٣٣٤
٣٣٥
٣٣٦
٣٣٧
٣٣٨
٣٣٩
٣٤٠
٣٤١
٣٤٢
٣٤٣
٣٤٤
٣٤٥
٣٤٦
٣٤٧
٣٤٨
٣٤٩
٣٥٠
٣٥١
٣٥٢
٣٥٣
٣٥٤
٣٥٥
٣٥٦
٣٥٧
٣٥٨
٣٥٩
٣٦٠
٣٦١
٣٦٢
٣٦٣
٣٦٤
٣٦٥
٣٦٦
٣٦٧
٣٦٨
٣٦٩
٣٧٠
٣٧١
٣٧٢
٣٧٣
٣٧٤
٣٧٥
٣٧٦
٣٧٧
٣٧٨
٣٧٩
٣٨٠
٣٨١
٣٨٢
٣٨٣
٣٨٤
٣٨٥
٣٨٦
٣٨٧
٣٨٨
٣٨٩
٣٩٠
٣٩١
٣٩٢
٣٩٣
٣٩٤
٣٩٥
٣٩٦
٣٩٧
٣٩٨
٣٩٩
٤٠٠
٤٠١
٤٠٢
٤٠٣
٤٠٤
٤٠٥
٤٠٦
٤٠٧
٤٠٨
٤٠٩
٤١٠
٤١١
٤١٢
٤١٣
٤١٤
٤١٥
٤١٦
٤١٧
٤١٨
٤١٩
٤٢٠
٤٢١
٤٢٢
٤٢٣
٤٢٤
٤٢٥
٤٢٦
٤٢٧
٤٢٨
٤٢٩
٤٣٠
٤٣١
٤٣٢
٤٣٣
٤٣٤
٤٣٥
٤٣٦
٤٣٧
٤٣٨
٤٣٩
٤٤٠
٤٤١
٤٤٢
٤٤٣
٤٤٤
٤٤٥
٤٤٦
٤٤٧
٤٤٨
٤٤٩
٤٥٠
٤٥١
٤٥٢
٤٥٣
٤٥٤
٤٥٥
٤٥٦
٤٥٧
٤٥٨
٤٥٩
٤٦٠
٤٦١
٤٦٢
٤٦٣
٤٦٤
٤٦٥
٤٦٦
٤٦٧
٤٦٨
٤٦٩
٤٧٠
٤٧١
٤٧٢
٤٧٣
٤٧٤
٤٧٥
٤٧٦
٤٧٧
٤٧٨
٤٧٩
٤٨٠
٤٨١
٤٨٢
٤٨٣
٤٨٤
٤٨٥
٤٨٦
٤٨٧
٤٨٨
٤٨٩
٤٩٠
٤٩١
٤٩٢
٤٩٣
٤٩٤
٤٩٥
٤٩٦
٤٩٧
٤٩٨
٤٩٩
٥٠٠
٥٠١
٥٠٢
٥٠٣
٥٠٤
٥٠٥
٥٠٦
٥٠٧
٥٠٨
٥٠٩
٥١٠
٥١١
٥١٢
٥١٣
٥١٤
٥١٥
٥١٦
٥١٧
٥١٨
٥١٩
٥٢٠
٥٢١
٥٢٢
٥٢٣
٥٢٤
٥٢٥
٥٢٦
٥٢٧
٥٢٨
٥٢٩
٥٣٠
٥٣١
٥٣٢
٥٣٣
٥٣٤
٥٣٥
٥٣٦
٥٣٧
٥٣٨
٥٣٩
٥٤٠
٥٤١
٥٤٢
٥٤٣
٥٤٤
٥٤٥
٥٤٦
٥٤٧
٥٤٨
٥٤٩
٥٥٠
٥٥١
٥٥٢
٥٥٣
٥٥٤
٥٥٥
٥٥٦
٥٥٧
٥٥٨
٥٥٩
٥٦٠
٥٦١
٥٦٢
٥٦٣
٥٦٤
٥٦٥
٥٦٦
٥٦٧
٥٦٨
٥٦٩
٥٧٠
٥٧١
٥٧٢
٥٧٣
٥٧٤
٥٧٥
٥٧٦
٥٧٧
٥٧٨
٥٧٩
٥٨٠
٥٨١
٥٨٢
٥٨٣
٥٨٤
٥٨٥
٥٨٦
٥٨٧
٥٨٨
٥٨٩
٥٩٠
٥٩١
٥٩٢
٥٩٣
٥٩٤
٥٩٥
٥٩٦
٥٩٧
٥٩٨
٥٩٩
٦٠٠
٦٠١
٦٠٢
٦٠٣
٦٠٤
٦٠٥
٦٠٦
٦٠٧
٦٠٨
٦٠٩
٦١٠
٦١١
٦١٢
٦١٣
٦١٤
٦١٥
٦١٦
٦١٧
٦١٨
٦١٩
٦٢٠
٦٢١
٦٢٢
٦٢٣
٦٢٤
٦٢٥
٦٢٦
٦٢٧
٦٢٨
٦٢٩
٦٣٠
٦٣١
٦٣٢
٦٣٣
٦٣٤
٦٣٥
٦٣٦
٦٣٧
٦٣٨
٦٣٩
٦٤٠
٦٤١
٦٤٢
٦٤٣
٦٤٤
٦٤٥
٦٤٦
٦٤٧
٦٤٨
٦٤٩
٦٥٠
٦٥١
٦٥٢
٦٥٣
٦٥٤
٦٥٥
٦٥٦
٦٥٧
٦٥٨
٦٥٩
٦٦٠
٦٦١
٦٦٢
٦٦٣
٦٦٤
٦٦٥
٦٦٦
٦٦٧
٦٦٨
٦٦٩
٦٧٠
٦٧١
٦٧٢
٦٧٣
٦٧٤
٦٧٥
٦٧٦
٦٧٧
٦٧٨
٦٧٩
٦٨٠
٦٨١
٦٨٢
٦٨٣
٦٨٤
٦٨٥
٦٨٦
٦٨٧
٦٨٨
٦٨٩
٦٩٠
٦٩١
٦٩٢
٦٩٣
٦٩٤
٦٩٥
٦٩٦
٦٩٧
٦٩٨
٦٩٩
٧٠٠
٧٠١
٧٠٢
٧٠٣
٧٠٤
٧٠٥
٧٠٦
٧٠٧
٧٠٨
٧٠٩
٧١٠
٧١١
٧١٢
٧١٣
٧١٤
٧١٥
٧١٦

د
ا
پ
ز
ا
م
ن
ر
س
ه
،
ا
ر
و
خ
ن
ي

ا و ن م غ ه شد ، ر ت سد گ د ا د ر پ م ا ه ک

ن
پ
ا
شد
د
)
)
.
(

رحط

سرانجام آیت الله سید عبدالله ضیایی، که به
امراض معده و سرطان
مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در
ایران و خارج (اتریش و
انگلینس) در شب شام غریبان حضرت
ابی عبدالله علیه السلام در بیست و سوم
مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و
به عالم بقا شتافت.
با توجه به سابقه طولانی و خدمات
بی نظیر آن عالم ربانی، مردم
منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان،
جامه عزا به تن کردند و همه جا را
سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و
متعددی در همه شهرها، بخش ها و
روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید.
مجالس متعددی نیز از سوی
بزرگان در تهران، قم و... منعقد شد.
فرزندان آیت الله ضیایی نقل کرده اند که:
یا حار همدان من یمت یرنی
بی نوشت ها:

در شب وفات، حالت
بیهوشی به آن مرحوم دست داد ؛ به
طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته
است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛
ولی پس از چندی، ایشان به
هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا
برگردانید؟ آن گاه فرمودند: من نماز
نخوانده ام. سپس با همان حالت ضعف و
ناراحتی تیمم نمودند، نماز به
جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب
بپاشید، مگر نمی بینید؟! و چندین
بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این
کار را انجام دادیم. در این هنگام
نیم قامت برخاستند و در حالی که
می خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه
می کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به
یاد جمله امیرالمؤمنین علیه السلام
افتادیم که فرمود:
مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلًا

مردان تلاش فوق العاده و
فداکارانه‌ای را داشتند.

* این مقاله بر اساس نوشته‌های مرحوم آیت الله دکتر
ضیایی قدس سره و نیز بر اساس
سخنان فرزندان وی (محمد و علی و سجاد) که در
اختیار حضرت آیت الله قربانی، امام
جمعه محترم لاهیجان قرار گرفته بود، نگاشته شد.
ر.ک: «پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان و بزرگان
آن»، محمد علی قربانی، ص ۸۷۴ -
۸۸۰؛ «گنجینه دانشمندان»، شیخ محمد رازی؛
«سیمای لنگرود» رفیع لاهیجی و مجله
«نور علم»، دوره سوم، ش ۹، ص ۸۲.
۱. شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان
و در ۷۰ کیلومتری رشت
است. لنگرود ترکیبی از دو کلمه است: «لنگ» به
معنای محل پهلویی کشتی‌ها، و
«رود». رودخانه‌ای بزرگ این شهر را به دو قسمت
تقسیم می‌کند. این شهرستان دارای
آب و هوایی معتدل و در کنار دریای نیلگون خزر و
در دامنه کوه‌های سرسبز و پوشیده
از جنگل و بوت‌زارهای جای البرز واقع شده است.
شغل مردم لنگرود کشاورزی و
صیادی، و محصولات آن برنج، چای، مرکبات،
ماهی، و... می‌باشد. از این شهرستان،
بزرگان زیادی برخاسته‌اند که آیات عظام: میرزای
رشتی، ملا عبدالله مازندرانی، شیخ
شعبان رشتی و سید مرتضی لنگرودی از معارف آن
است.
لنگرود از شرق به رودسر، از جنوب به لاهیجان و
از شمال و غرب به دریای خزر
محدود می‌شود. جمعیت آن بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ هزار
نفر است. ر.ک: «سیمای لنگرود».
۲. سید حسین علاقه شیددی به قرآن و اهل بیت
عصمت و طهارت علیه السلام ابراز
می‌داشت و با وجود کارهای طاقت‌فرسای کشاورزی،
که به تعبیر مقام معظم رهبری که
برنج‌کاری را «کار رنج و برنج» نامیده‌اند، اغلب
اوقات عمرش را پای منابر سخنوران و
واعظان نامدار و شیرین سخن آن ناحیه سپری می‌کرد
و بسیار مایل بود که خداوند به
او فرزندی عنایت کند تا در کسوت روحانیت،
پیام‌رسان کلام الهی باشد. با دعای خیر
آن سلاله سادات، فرزندش آیت الله دکتر ضیایی
توانست علاوه بر تکمیل معارف و اخذ
مدارج عالی‌ه علمی و کسب مقامات معنوی، در شمار
سخنوران نامی منطقه گیلان درآید.
مادرش نیز از زنان پاکدامن و باصفای باطن بود که
همانند سایر زنان گیلانی و شمالی
اکثر اوقات عمرش را در مزارع شالیکاری، همدوش

۳. استعداد سرشار و حافظه قوی افراد، علاوه بر ارثی بودن به عوامل دیگری نیز بستگی دارد؛ همانند استفاده از غذاهای طبیعی (ماهی و...) و نیز بهره‌گیری از محیط‌های آب و هوای سالم و پاکیزه (جنگل، سبزه‌زار، دریا و...).

۴. سخنانی که در میان گیومه قرار گرفته، نقل عین متن دست‌نوشته آیت الله ضیایی است و بدون دخل تصرف و ویرایش، نقل شده است.

۵. ترجمه: آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم. (زخرف / ۳۲).

۶. مرحوم آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی یکی از روحانیون مبارز با حکومت پهلوی و نماینده مجلس شورای ملی بود و نقش به سزایی در ملی کردن نفت و مبارزه با ایادی استعمار در ایران داشت. مرحوم دکتر ضیایی با توجه به معلومات و استعداد سرشار و توانایی در مدیریت، یکی از مشاوران امین، لایق، کاردان و در عین حال متقی و مهذب در امور مجلس و بیرون از مجلس شورای ملی مرحوم آیت الله کاشانی به شمار می‌رفتند.

۷. معظم له با توجه به سوابق تحصیلی، اجازه کم نظیری از اساتید و آیات عظام خصوصاً امام خمینی، آیت الله بروجردی، سید احمد خوانساری و... داشتند؛ اما متأسفانه بسیاری از این اجازات، نامه‌ها، کتب و تقریرات درسی و تئذ دانشگاهی‌شان در آتش‌سوزی منزل‌شان که به وسیله عوامل ساواک انجام گرفت، از میان رفت.

۸. مرحوم آیت الله دکتر ضیایی به همراه شهید آیت الله ربانی املشی، مرحوم آقای لاهوتی، آقای محفوظی و به همراه عده‌ای از گروه‌های منافق و چپ در استان گیلان، جهت تدوین قانون اساسی کاندیدا شدند که آقایان احسان‌بخش، ضیایی، محفوظی، شهید ربانی املشی با اکثریت آرا انتخاب شدند.

۹. مرحوم دکتر ضیایی از بی‌نظمی‌ها و بی‌برنامگی‌های موجود در حوزه همواره ناراحت بود. لذا برای سامان دهی امور حوزه، به همراه بزرگان و مدرسین حوزه علمیه طرح مدیریت حوزه را به اجرا درآورد و با تمهیداتی توانست هسته اولیه نهاد حوزوی را تهیه و به تصویب امام و سایر بزرگان حوزه برساند.

۱۰. متأسفانه اشعار مرحوم دکتر ضیایی در همان

دستخوش حوادث شده و از میان رفته است. ر.ك:
«پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان و
بزرگان آن».

سید یحیی مدرسی زاده یزدی

«مربی بزرگ»

* * *

مهدی صحرائی اردکانی

ص
...

جای عکس

سید یحیی مدرسی زاده
یزدی

یکی از علمای عامل و ربانی برخاسته از
یزد، مرحوم آیت الله حاج
سید یحیی مدرسی زاده یزدی است. این
مقاله جهت آشنایی با این
شخصیت فرزانه به رشته تحریر درآمده
است.

تولد

آیت الله مدرسی در سال ۱۳۲۰ ق. در
خانواده‌ای مذهبی در یزد پا به
عرصه وجود گذاشت و با تولد خویش
شادی و سرور را برای خانواده
مدرسی هدیه آورد. (۱)

پدر

پدر بزرگوارش میرزا سید علی اصغر و
 پدر پدرش میرزا محمد تقی
 است. جدّ آیت الله مدرسی زاده، حاج
 میرزین العابدین (متوفای
 ۱۲۷۲ق) - برادر میرزا سید محمد علی
 مدرس یزدی (۱۱۹۳ - ۱۲۶۵ ق) -
 می‌باشد. (۲)

تحصیلات

حاج سید بحیی، در کودکی پا به مکتب
 خانه «شیخ عالی جناب»
 گذاشت که معمولاً بزرگ‌زادگان در
 مدرسه خان (در یزد) نزد او به مکتب
 می‌رفتند. سپس مقدمات دروس حوزوی و
 دروس سطح را نزد علمای
 بنام حوزه علمیه یزد پشت سر گذاشت.
 در سال ۱۳۴۱ ق. با دوست خود، مرحوم
 باعثی یزدی (۱۳۸۲ق)،
 آهنگ قم نمود و در آن حوزه تازه تأسیس،
 از محضر علمای اعلام آنجا
 بهره گرفت.
 ایشان ده سال در قم به تحصیل ادامه داد و
 با تحمّل رنج و غربت، در
 سال ۱۳۵۱ ق. رهسپار عتبات عالیات و
 نجف اشرف شد تا در آنجا به
 تکمیل مراحل تحصیلی خود بپردازد و
 استفاده بیشتری از محضر علمای
 آن حوزه ببرد. او با تلاش و پشتکار
 فراوان توانست تا مرحله اجتهاد پیش
 رود و در این زمینه موفق به اخذ اجازه
 اجتهاد از شخصیت‌های بزرگ آن
 زمان: آیت الله حایری یزدی (۱۲۷۶ -
 ۱۳۵۵ق) و سید ابوالحسن
 اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق)، شد. و نیز
 از طرف محدث عظیم الشان
 شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳ -
 ۱۳۸۹ق) و دیگران اجازه روایی دریافت

کرد. آیت الله مدرسی همزمان با شرکت در درس‌های محققانه حوزه علمیه نجف، به تدریس علوم حوزوی در مقطع سطح و سطح عالی پرداخت. او از سال ۱۳۶۲ ق. به تعلیم و تربیت طلاب و فضلا در مقطع درس خارج فقه و اصول مشغول شد. (۳)

اساتید

وی در عمر با برکت خود از محضر اساتیدی بهره برده است: الف) در یزد.

۱. آقا میرزا سید احمد مدرس (۱۲۹۵ - ۱۳۸۸ ق)؛ (۴) در حالات وی آورده‌اند:

«ایشان عالمی عامل، فقیهی پارسا و مدرسی کوشا و انسانی قانع بود که هیچ گاه در طول عمر بابرکتش دست از ادای وظیفه شرعی بر نمی‌داشت. اخلاق نیک و پشتکار و نظم ایشان در برنامه‌های زندگی از ویژگی‌های بارز این عالم فرهیخته است. این عالم متقی، بیشتر عمر خود را با تنگی معاش سپری کرد و در زمان

وسعت هیچ گاه قناعت را فراموش نکرد.» (۵)

۲. آقا سید مرتضی مدرسی معروف به «شیخ مرتضی» (۱۳۳۳ ق)؛ (۶)

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله در توصیف این عالم ربانی می‌نویسد:

«در تمامی علوم عقلی و نقلی، علامه بود. افزون بر آن صاحب

اخلاقی پسندیده، سخاوتی ریشه دار، نامی نیک، بلند آوازه، ادبی

چشمگیر، درکی قوی، اندیشه‌ای سلیم و دقتی ژرف بود و تعجبی

نیست؛ چرا که وی از خاندانی علوی است.»
 آقا سید مرتضی به سبب همانندی‌های
 فراوانش به شیخ مرتضی
 انصاری، (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق)، به «شیخ
 مرتضی» معروف بود.

برخی از تألیفات وی چنین است:
 «مناهج السوئے فی تحریر العلوم المهمة
 النظرية»؛ «مفتاح البیان
 فی النحو»؛ «کتاب فی الاصول»؛ «کتاب
 فی الفقه» و «کتاب فی الکلام».^(۷)
 ۳. آقای سید حسین مدرّس باغ گندمی^(۸)
 (۱۲۷۰ - ۱۳۶۶ ق)؛^(۹) ایشان
 از شاگردان آیت الله العظمی سید محمد
 کاظم طباطبایی یزدی رحمه الله است.

در احوال وی آمده است:
 «وی شخصی دقیق و در استنباط سخت باریک
 بین بود،^(۱۰) از
 زخارف دنیوی کمتر بهره می‌گرفت. روح و
 جسمش در گرو معنویات
 و مطالعه و در طهارت و پیراستگی زبانزد
 بود.»

معظم له پس از ۶ سال زندگی پربرکت
 بدروء حیات گفت و پیکر
 مطهرش در بقعه جنب امام زاده جعفر یزد
 به خاک سپرده شد.^(۱۱)

۴. آقا سید علیرضا حایری^(۱۲)

ب - در شهر مقدس قم.
 وی در این شهر از حضرات آیات عظام
 عصر خویش مثل عالمان ذیل
 استفاده کرد:

۱. آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم
 حایری یزدی
 (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ق)؛^(۱۳) وی همان مجدّد
 حوزه علمیه قم است.
 از جمله تألیفات ایشان است: «درر الفوائد
 فی الاصول»؛ «کتاب

الرضاع»؛ «كتاب الصلاة»؛ «كتاب
المواریث»؛ «كتاب النکاح» و... (۱۴)

۲. آیت الله آقا سید علی یشربی کاشانی
(۱۳۱۱ - ۱۳۷۹ ق)؛ (۱۵) وی از
شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ -
۱۳۶۵ ق) و سید محمد کاظم
یزدی (۱۲۴۸ - ۱۳۳۷ ق) و آقا
ضیاءالدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ق) و
میرزا حسین نائینی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ق)
است.

وی استاد امام خمینی قدس سره و آیت الله آقا
سید محمد یزدی معروف به
«داماد» (۱۳۸۸ ق.) و آیت الله مرعشی
نجفی و آیت الله میرزا هاشم
آملی است.

در حالات ایشان آمده است:
«وقتی دانشمندان و فضلا به دیدارشان
می‌شتافتند، غالباً او را با
خادم منزل اشتباه می‌گرفتند؛ زیرا ایشان با
شب کلاه و قبا
ساده‌ای مراجعین را می‌پذیرفت؛ این روحیه
بود که به طلاب و
دانشمندان مجال و جرأت بحث می‌داد. به
حدی مردمی زندگی
می‌کرد که ارباب رجوع بدون هیچ مانع برای
رفع مشکلات، حتی
مشکلات خانوادگی‌شان به ایشان مراجعه
می‌نمودند و چه بسا توقع
نوشتن دعا و یا خواندن اذان بگوش نوزادان
خود را از ایشان
داشتند.» (۱۶)

۳. آقا سید محمد حجت کوه کمره‌ای (۱۳۱۰ -
۱۳۷۲ ق) (۱۷)
از جمله تألیفات وی است: «رسالة
الاستصحاب»؛ «البيع»؛
«حاشیه الكفاية»؛ «رساله الصلوة»؛ «رسالة
الوقت» و «لوامع الآثار الغروية في
مُرسلات الآثار النبوية». (۱۸)

مرجع تقلید بسیاری از مردم شیعه در بلاد اسلامی مختلف بود.

۴. آقا سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱ق) (۱۹)

۵. آقا میرزا محمد همدانی در جزینی (۱۳۱۵ - ۱۳۶۵ق)؛ (۲۰) وی از

شاگردان مرحوم حایری یزدی و مورد وثوق کامل ایشان بود. از ویژگی‌های بارز درس مرحوم همدانی، خوش بیانی و شیرین زبانی بی‌حد و حصر او بود. ایشان صاحب «رساله علی‌البد» می‌باشد. (۲۱)

ج) اساتید وی در عتبات عالیات، عبارتند از حضرات آیات عظام:

۱. آقا ضیاء الدین عراقی (متوفای ۱۳۶۱ ق)؛ (۲۲) از شاگردان آخوند ملا

محمد کاظم خراسانی و حوزه درس فقه و اصول او محل استفاده علمای

برجسته عرب و عجم بود. در لطافت بیان و روانی زبان، گوی سبقت را از

دیگران ربوده بود. وی صاحب «مقالات الاصول» و «شرح تبصره علامه»

می‌باشد. (۲۳)

۲. مرجع تقلید شیعیان، آقا سید ابوالحسن اصفهانی

(۱۳۸۴-۱۳۶۵ق)؛ (۲۴) در حالات وی آمده است:

«از خطاهای مردم می‌گذشت و در حفظ آبروی آنها می‌کوشید.

به مردم بذل و بخشش می‌کرد. در حین بخشش، آنها را راهنمایی

می‌کرد که منحرف نشوند و پیش همه کس حاجت نبرند تا دست ردّ

به سینه‌شان نزنند.» (۲۵)

۳. آقا میرزا حسین نائینی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ق)؛ (۲۶) وی از عالمان

برجسته و فقهای عصر و از شاگردان سید محمد مدرس، در زمان حاج

میرزا محمد حسن میرزای شیرازی و

از جمله تألیفات او: «تنبيه الامة و تنزيه الملة في لزوم مشروعية الدولة» و «المنتخبة لتقليل الظلم على افراد الامة» است که در اوایل نهضت ملی مشروطیت ایران و به فارسی نوشته است. (۲۷)

شگردان

بنا به نقل فرزند مرحوم آیت الله مدرسی، ایشان چند دوره خارج «مکاسب»، که عادت مراجع بر آن است، و سپس خارج کتاب «عروة الوثقی» اثر آیت الله طباطبایی یزدی رحمه الله را تدریس کرده است. تدریس خارج اصول هم بر اساس نوشته‌های خودشان بوده است. (۲۸) در محضر این سید بزرگوار عالمانی چند پرورش یافته و خود را از این دریای بی کران علم، سیراب ساخته‌اند؛ از جمله حضرات آیات عظام و حجج اسلام:

۱. حاج سید علی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله تعالى): (۲۹) ایشان رهبر معظم انقلاب اسلامی و نائب امام زمان (عج) و از پرچمداران حکومت شیعه می‌باشد. آیت الله خامنه‌ای هم اکنون مرجع تقلید بسیاری در داخل و خارج ایران است.
۲. حاج شیخ حسین وحیدخراسانی؛ وی هم اکنون (۱۳۸۰ ش) از مراجع تقلید شیعه به شمار می‌رود.
۳. حاج سید عباس خاتم یزدی؛ از جمله نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و منتخب مردم استان یزد و عضو دفتر مقام معظم رهبری بود. از حوزه درسی وی طلاب و فضلا بهره می‌بردند. وی در شهریور ۱۳۸۰ ش.

آیت الله حاج سید حسین
اصفهانی، داماد مرحوم حضرت آیت الله
العظمی آقا سید ابوالحسن
اصفهانی، می باشد.

دار فانی را وداع گفت و جنازه اش با
احترام فراوان در تهران و یزد و قم
تشییع شد و پس از نماز، که به امامت
حضرت آیت الله بهجت برگزار
شد، در حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن
گردید.

۴. حاج سید محمد روحانی.

۵. سید رضا خلخالی: وی از فضلا و
علمای حوزه علمیه نجف و امام
جماعت رواق مطهر حضرت
امیرالمؤمنین علیها السلام بوده و هم اکنون در
زندان

رژیم صدام گرفتار است و از وی خبری
در دست نیست. ایشان از
شاگردان حضرت آیت الله العظمی خویی
رحمه الله بوده و تقریرات درسی حج
آیت الله خویی در پنج جلد، از تألیفات
ایشان است.

۶. سید صادق خلخالی رحمه الله؛ وی از
شاگردان برجسته آیت الله خویی و
نیز از فضلاء حوزه علمیه نجف به شمار
می رفت و امامت جماعت که از
مساجد تهران را برعهده داشت. پدر وی
آیت الله حاج سید علی
خلخالی، امام جماعت رواق حضرت علی
علیه السلام بود.

۷. آقا سید علی فانی اصفهانی؛ زندگی نامه
ایشان در جلد پنجم

«ستارگان حرم» به چاپ رسیده است.

۸. سید محمدرضا میبیدی؛ وی از علمای
مبرزگراگان است که هم اکنون
مدرسه علمیه سردار زیر نظر ایشان اداره
می شود.

۹. سید محمدرضا اصفهانی؛ از علمای
تهران و امام جماعت بعضی از
مساجد معروف بود. وی فرزند حضرت

۱۶. آقای شیخ محمد ربانی بیرجندی؛ وی که شخصیتی فاضل و

۱۰ و ۱۱. حاج سید محمدعلی و حاج سید عباس؛ دو فرزند گرامی

ایشان هستند، که متأسفانه حاج سید محمد علی مدرسی در آبان ماه

۱۳۸۰ در قم دار فانی را وداع گفت.

۱۲. سید غلامرضا واعظی رحمه الله؛ داماد ایشان و از علما و مدرّسین

حوزه های علمیه نجف و قم بود. وی از شاگردان خاص حضرت آیت الله

حاج سید محمود شاهرودی رحمه الله بود و تقریرات درس ایشان را بر عهده داشت.

۱۳. سید محمد باقر مدرسی ثانوی؛ داماد ایشان و از فضلا و مدرّسین

حوزه علمیه نجف اشرف و از شاگردان آیت الله سید محمود

شاهرودی رحمه الله بود و اجازه اجتهاد هم از ایشان داشت. بعد از آن به یزد

رفته، در مسجد ریگ و برخوردار به اقامه جماعت و بیان احکام

می پرداخت. آن مرحوم مورد علاقه دو چهره علمی نامور یزد آقایان:

سیدعلی محمد وزیری و حاج شیخ غلامرضا یزدی و جمیع مردم یزد بود.

۱۴. حاج آقای رودباری؛ وی هم از فضلا و مدرّسین حوزه نجف بود.

فعلاً در رشت مقیم است و از علما و مدرّسین و مروجین دین به شمار

می رود.

۱۵. آقای شیخ محمد رحمتی سیرجانی؛ از علمای حوزه علمیه نجف و

از شاگردان آیت الله شاهرودی رحمه الله و آیت الله سید حسین حمای بود. وی

در محضر آیت الله مدرّسی زاده به کمال علمی نایل شد و اکنون در حوزه

علمیه قم به تدریس اشتغال دارد.

ارجمند در حوزه نجف به شمار می‌رفت،
 از شاگردان آیت الله
 شاهرودی رحمه الله بود. او بعد از تکمیل
 دروس در نجف، به بیرجند کوچ کرد و
 اکنون حوزه علمیه بیرجند تحت سرپرستی
 ایشان است.

۱۷. آقای شیخ مراد علی زابلی؛ از علمای
 برجسته و نامدار نجف بوده و
 فعلاً هم در زابل مشغول ترویج دین است
 و حوزه علمیه این منطقه را
 سرپرستی می‌کند.

۱۸. شیخ مهدی احمدی شاهرودی؛ از
 فضلاء حوزه علمیه نجف و از
 شاگردان آیت الله خویی بود که در تهران
 اقامه جماعت می‌کرد و در اثر
 تصادف وفات نمود.

۱۹. شیخ حیدر علی یزدی رحمه الله؛ وی از علما
 و فضلاء نجف بود که بعد
 از بازگشت از نجف، در کرج مشغول
 تبلیغ و اقامه جماعت و تدریس در
 حوزه شد.

۲۰. شیخ محمد غروی قزوینی؛ از علما و
 فضلاء و مدرسین حوزه علمیه
 نجف و قم و فعلاً هم در قم مشغول به
 تدریس و تحقیق است و از وی آثار
 علمی ارزشمندی منتشر شده است.

۲۱. سید حبیب الله طاهری گرگانی؛ از علما
 و فضلاء نجف به شمار
 می‌رفت و هم اکنون علاوه بر تدریس در
 مدرسه ملامحمدتقی گرگان،
 عضو مجلس خبرگان رهبری است.

۲۲. شیخ مرتضی ناطق یزدی؛ از فضلاء و
 در تهران مشغول ترویج دین
 می‌باشد.

۲۳. شیخ محمد نجفی افغانی رحمه الله؛ از
 فضلاء حوزه علمیه نجف بود.

۲۴. سیدهادی عرب رحمه الله؛ از فضلالی حوزه و بسیار اهل دقت و تحقیق در درس بود.
۲۵. شیخ عبدالله فقیهی بروجردی رحمه الله؛ از علمای نجف اشرف و قم بود. وی در حیاتش خدمات ارزنده‌ای مثل احداث «کلینیک شبانه روزی قرآن و عترت» انجام داده است.
۲۶. سید مهدی روحانی؛ از علمای برجسته قم و عضو مجلس خبرگان بود و در سال ۱۳۸۰ به رحمت ایزدی پیوست.
۲۷. سید عباس اعتمادی کاشانی رحمه الله؛ از فضلالی نجف و از علما و مروّجین دین در کاشان بود.
۲۸. سیدمحمد کلانتر خوزستانی رحمه الله؛ از علما و بزرگان و مدرسین نجف اشرف بوده و مدیر مدرسه «جامعه النجف الاشرف» و صاحب تعلیقه ده جلدی بر «شرح لمعه» و تعلیقه بر «مکاسب» شیخ انصاری و شرح مختصر بر «کفایه» بود. او نقش زیادی در طلاکاری درهای حرم حضرت علی علیه السلام داشت.
۲۹. سید علاء الدین بحر العلوم؛ از علمای نجف اشرف و امام جماعت رواق مقدس حضرت علی علیه السلام بود که اینک در زندان صدام جانینگر محبوس است.
۳۰. شیخ حبیب ساوجی رحمه الله؛ وی نیز از فضلالی نجف و در تهران اقامه جماعت داشت.
۳۱. آقای شیخ حسین دولت آبادی اصفهانی رحمه الله؛ از علمای نجف و از مدرسین و مبلغین دین در اصفهان بوده و کتابی پنج جلدی در شرح «کفایه» نگاشته است.

۳۲ و ۳۳. سید کاظم و سید مهدی
 رفسنجانی، معروف به «اخوان
 مرعشی»؛ این دو برادر در ابتدای ورود
 به حوزه نجف مدتی شاگرد آیت
 الله مدرسی زاده بوده‌اند.
 ۳۴ و ۳۵. شیخ محمد و شیخ عباس دشتی؛
 از علما و مدرسین نجف و
 قم هستند که اکنون در خانه، دوران دشوار
 پیری را می‌گذرانند.
 ۳۶. شیخ باقر تهرانی رحمه‌الله؛ وی از علمای
 نجف بود که در درس آیت الله
 شاه‌رودی هم حاضر می‌شد.
 ۳۷. حاج شیخ حسن قاضی یزدی؛ از
 فضلاء حوزه‌های علمیه نجف و
 قم است و اکنون در یزد مشغول تدریس و
 تبلیغ و اقامه جماعت می‌باشد.
 ۳۸. سید جعفر کریمی؛ از علمای حوزه
 علمیه قم است.
 ۳۹. سید مصطفی مصطفوی کاشانی؛ از
 علمای نجف و فعلاً در کاشان
 تدریس می‌کند. (۳۰)

آثر قلمی

آیت الله مدرسی زاده، در عمر بابرکت خود
 علاوه بر تدریس و تربیت
 طلاب، تألیفات گرانمایی هم به یادگار
 گذاشته و آن را ذخیره روز قیامت
 خود قرار داده؛ که برخی از آنها عبارتند
 از:

۱. «قاعده لاضرر».
۲. «مُنَجَّزات مریض».
۳. «تقریرات درس اصول مرحوم آقا ضیاء
 عراقی».
۴. «تقریرات درس بیع مرحوم نایینی».

۵. «اجتهاد و تقلید».
 ۶. «رساله‌هایی در ابواب مختلف فقه».
 ۷. «حاشیه توضیح المسائل» که به چاپ رسیده است.
 ۸. رساله علمیه، به نام «انیس الموحّدين» که به چاپ رسیده است.
 ۹. «حاشیه عروه الوثقی».
 ۱۰. (تقریرات) «جوائز سلطان» که به قلم فرزندش، آیت الله حاج سید عباس مدرسی‌زاده یزدی، به تحریر درآمده است.
 ۱۱. «کتاب زکات».
 ۱۲. «تقریرات اصول و فقه» که به قلم فرزندان ایشان (سید عباس و سید محمد علی) و داماد ایشان سید غلامرضا واعظی است. (۳۱)
- آیت الله مدرسی‌زاده از زمین بزرگان**
- آیت الله میرزا هاشم آملی در مورد موقعیت علمی ایشان در تدریس خارج فقه و اصول، گفته است:
- «آقای مدرسی، محقق عراقی (آقا ضیاء) دوم است.»
- آیت الله سید جعفر مرعشی نقل کرده است:
- «خدمت مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بودم که جماعتی از یزد خدمت ایشان آمدند و عرض کردند که ما از یزد آمده‌ایم تا از وجود شما استفاده کنیم. آیت الله اصفهانی فرمودند که آقای سید یحیی مدرسی یزدی هستند دیگر احتیاج به آمدن منزل ما نبود. این سخن دلالت بر عظمت و شأن علمی و اخلاقی آیت الله

مدرسی زاده می‌کند.»
 آیت الله شیخ محمد رضا مظفر
 می‌فرمودند:
 «مرجع، آیت الله سید یحیی مدرسی یزدی
 است که همه
 جهات علم و تقوا و زهد و بزرگی در او جمع
 است.»
 آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی (دامت
 برکاته)، که حدود
 چهل سال قبل در تهران برای یزدی‌ها
 منبر می‌رفتند، می‌فرمودند:
 «آقای مدرسی یزدی دارای فضل و علم و
 شایسته مرجعیت
 است.»
 عارف علم، مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری،
 می‌فرمودند:
 «آیت الله مدرسی یزدی آنچه در سینه داشت
 از علم و فضل و
 معرفت و عرفان بیش از آن بود که بر زبانش
 جاری بود.» (۳۲)

ویژگی‌ها

سید یحیی در زندگی سراسر درس خود،
 ویژگی‌هایی داشت که هر
 یکی از این ویژگی‌ها می‌تواند الگوی ما
 در عرصه‌های مختلف زندگی
 باشد:

۱. استفاده از تعطیلات: آیت الله مدرسی،
 علاوه بر ایام درسی حوزه،
 در ایام تعطیلی هم دست از تلاش بر
 نمی‌داشت. لذا در این ایام به طلاب
 و فضلا علم هیئت و قواعد فقهیه را
 می‌آموخت.

۲. همراهی با نهضت امام امت قدس سره: وقتی
 که امام خمینی قدس سره در ایران، قیام
 ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش را پایه ریزی کرد،
 یکی از کسانی که در نجف اشرف

می‌کرد و اگر می‌خواست پول و یا چیز دیگری به شخصی بدهد طوری

ایشان را تأیید و همراهی می‌کرد، آیت الله مدرسی بود. وی با تلگراف‌ها و پیام‌هایش همراهی خود را با امام در این قیام اعلام می‌نمود و در جلسه‌هایی که در نجف برپا می‌شد، شرکت می‌کرد. انس وی با امام خمینی به حدی بود که وقتی امام به نجف می‌رفتند، به منزل وی رفته، از زحمات او قدردانی می‌کردند.

۳. اقامه نماز جماعت: مجلس درس ایشان در مسجدی به نام مسجد ملا کتّاب، نزدیک حرم مطهر حضرت علی علیه‌السلام بود و طلاب و فضلاء بعد از درس، نماز جماعت ظهر و شب را به امامت آیت الله مدرسی در صحن مطهر حضرت علی علیه‌السلام مقابل درب طوسی، که مقابل مقبره آیت الله سید محمد کاظم یزدی بود، اقامه می‌کردند.

۴. نبوغ علمی: مراتب علمی ایشان به حدی بود که هنگام سفر به نجف، به درجه اجتهاد نایل شده بود؛ چنان که نقل شده است وقتی که آیت الله حائری از عزم ایشان برای خروج از قم به نجف خبردار شد به ایشان فرمودند: باید در این سفر نماز را تمام بخوانی (کنایه از این که باید در قم بمانی و احتیاجی به سفر نداری؛ چرا که به مرتبه بالای علم و اجتهاد رسیده‌ای).

۵. عفو و گذشت: اگر شخصی به ایشان بی‌احترامی و جسارتی می‌کرد یا حرف ناروایی می‌زد، ایشان با خنده و خوشرویی حرف او را نشنیده می‌گرفت و از او می‌گذشت.

۶. حفظ آبروی اشخاص: وی در حفظ آبروی مردم و طلاب کوشش

می‌داد که هیچ کس متوجه نشود.
۷. زهد و تقوا: مدرسی زاده، عالمی زاهد و باتقوا بود. همه زندگی وی نشان می‌داد، اصلاً دلبسته دنیا و مادیات نیست. در حالات ایشان آمده: بعضی‌ها به او می‌گفتند: همه هدایایی که به شما می‌دهند و اموال شخصی خود را، به طلاب ندهید؛ بلکه مقداری از آن را برای بچه‌های خود باقی بگذارید. ایشان در جواب می‌فرمود: بچه‌های من از دو حال خارج نیستند: یا آدم‌های خوب و با تقوا هستند و یا آدم‌های ناشایست و بدکردار. اگر فرزندان خوبی باشند، همان طوری که خدا به من این مقام و این مال را داده، به آنها هم می‌دهد و مورد لطف و مرحمت خود قرار می‌دهد؛ ولی اگر فرزندان ناصالحی باشند و من مالی باقی بگذارم، اعانت بر گناه کرده‌ام و من هیچ وقت این کار را نمی‌کنم. ایشان در مصرف وجوه شرعی، تربیت و پرورش طلبه و مجتهدسازی را اولویت می‌دادند و خودشان مدرسه یا مسجد یا حسینیه‌ای احداث ننموده‌اند اگرچه اجازه‌هایی از ایشان گرفته می‌شد که در بعضی از شهرها مساجد یا مدارس بنا یا ترمیم شود. (۳۲)

۸. علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام: ایشان علاقه خاصی به اهل بیت عصمت و طهارت داشت. در ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم‌السلام در منزل خود مراسمی برپا می‌کرد و مداحان، به مداحی و مرثیه‌سرایی اهل بیت می‌پرداختند.

۹. توصیه به خودسازی: ایشان گاهی توصیه‌هایی سازنده می‌کرد؛ از جمله می‌فرمود:

علما و مدرسین حوزه علمیه

«راهی بین خود و خدای خود باز گذارید و تمام راه‌ها را نبندید.»

۱۰. **مردمداری:** با تمام مردم و اقوام، خصوصاً با فقرا و طبقه پایین، خوش برخورد بود؛ از باب نمونه: شخصی مجلسی ترتیب داد و ایشان را برای ناهار دعوت کرد. وقتی ایشان وارد مجلس شد، سفره پهن بود و جماعتی از مردم مشغول غذا خوردن بودند، ایشان بلافاصله پس از ورود، پهلوی همان‌ها نشست و سر همان سفره مشغول غذا خوردن شد و با برخورد نیک خود، آنها را مجذوب خود کرد.

همسر و فرزندان

مدرسی زاده در نجف اشرف با بی‌بی فاطمه - دختر حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا سید محمد (۱۳۰۴ - ۱۳۸۵ ق)، فرزند آیت الله آقا میرزا محمد علی مدرسی لب خندقی، که از مجاورین نجف - ازدواج نمود. حاصل این ازدواج دو پسر و پنج دختر به قرار ذیل است:

۱. **آیت الله حاج سید محمد علی مدرسی زاده** یزدی رحمه الله که از علما و مدرسین حوزه نجف و قم بوده و دارای تألیفاتی در فقه می‌باشد.

۲. **آیت الله حاج سید عباس مدرسی زاده** یزدی که از علما و مدرسین نجف و قم می‌باشد و تألیفاتی در اصول و فقه دارد.

۳. **بی‌بی ربابه مدرسی زاده، همسر مرحوم** آیت الله حاج سید محمد باقر مدرسی ثانوی، از علمای یزد است.

۴. **بی‌بی صدیقه مدرسی زاده، همسر مرحوم** آیت الله سید غلامرضا واعظی قائلی است. آیت الله واعظی از

نجف و قم بود.

۵. بی‌بی بتول مدرسی‌زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد علی ربانی است. وی از علما و مدرسین نجف بود و اکنون مقیم مشهد و مشغول تبلیغ است.

۶. بی‌بی بلقیس مدرسی‌زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید فضل الله عمادی قمی رحمه الله است. وی هم از مدرسین حوزه نجف بود.

۷. بی‌بی بهجت مدرسی‌زاده، همسر حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد جواد رکنی است. ایشان از علمای نجف و قم به شمار می‌آید که فعلاً در بندر لنگه، در سنگر امامت جمعه بر هدایت امت اشتغال دارد.

رحلت و مکن دفن

آقا سید یحیی، پس از عمری تلاش، سرانجام در شب دوشنبه شانزدهم صفر ۱۳۸۳ ق - هنگامی که برای معالجه به ایران باز می‌گشت - در شهر کِرنْد، بر اثر ناراحتی شدید قلبی به دیدار معبود شتافت. پیکرش را پس از انتقال به شهر مقدس قم، با تجلیل فراوان، در قبرستان شیخان به خاک سپردند. (۳۴)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - «نسل نور»، ص ۵۳۵، سید محمد کاظم مدرسی، نشر نیکوروش، ۱۳۷۹، چاپ اول؛ «گنجینه دانشمندان»، ج ۷، ص ۲۸۷، شریف رازی، تابستان ۱۳۵۴ و مصاحبه با فرزند گرامی‌اش آیت الله حاج سید محمد علی مدرسی‌زاده.
تذکر: بنا به گفته فرزند گرامی‌اش، آیت الله سید عباس مدرسی‌زاده، تاریخ تولد پدرشان، که سال ۱۳۲۰ یا ۱۳۲۱ ذکر شده، بنا به قراین است.
- ۲ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۳ - همان، ص ۵۳۵ و ۵۳۶.
- ۴ - «آینه دانشوران»، سید علیرضا ریحان یزدی، ص ۲۲۵.
- ۵ - «نسل نور»، ص ۳۷۹ و «نجوم سرد»، ص ۲۶ (خطی).
- ۶ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۷ - همان، ص ۵۲۱.
- ۸ - «باغ گندم» نام محله‌ای است در یزد، (آینه دانشوران، ص ۲۲۴).
- ۹ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۱۰ - «آینه دانشوران»، ص ۲۲۴.
- ۱۱ - «نسل نور»، ص ۴۴.
- ۱۲ و ۱۳ - همان، ص ۵۳۵.
- ۱۴ - «ریحانة الادب»، ج ۱، ص ۶۷.
- ۱۵ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۱۶ - مجله «نور علم»، نشریه جامعه مدرسین قم، دوره دوم، ش ۷، ص ۹۱.
- ۱۷ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۱۸ - مجله «نور علم»، ش ۷، ص ۸۸ و ۸۹.
- ۱۹ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۲۰ - «نسل نور»، ص ۵۳۵.
- ۲۱ - «گنجینه دانشمندان»، ج ۷، ص ۴۰۲.

- ۲۲ - «نسل نور»، ص ۵۳۶.
- ۲۳ - «ریحانة الادب»، ج ۱، ص ۵۵.
- ۲۴ - «نسل نور»، ص ۵۳۶.
- ۲۵ - «داستان هایی از زندگی علماء»، ص ۱۰۵، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۲۶ - «نسل نور»، ص ۵۳۶.
- ۲۷ - «ریحانة الادب»، ج ۶، ص ۱۲۷.
- ۲۸ - مصاحبه با فرزندش آیت الله سید عباس مدرسی زاده.
- ۲۹ - «نسل نور»، ص ۵۳۶.
- ۳۰ - همان و مصاحبه با فرزندانش سید محمد علی و سید عباس.
- ۳۱ - «نسل نور»، ص ۵۳۷ و مصاحبه با فرزندش سید عباس مدرسی زاده.
- ۳۲ - گفت و گو با فرزند ایشان، سید عباس مدرسی زاده.
- ۳۳ و ۳۴ - نسل نور، ص ۵۳۷ و مصاحبه با فرزندش سید عباس.

